

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش

۲۰/۸۴-۲:

کلاس پرونده اجرایی: ۲۵-۱۱-۶/۸۳ اجرای احکام مدنی دادگستری

نیشابور

کلاس پرونده دادرسی: ۳۹۰۸/۸۳ ش ۹

خواهان: آقای م - ن

خوانده: آقای ع - خ

خواسته: مطالبه وجه

خواهان آقای م-ن به نمایندگی از شهرداری نیشابور دادخواستی بخواسته مطالبه وجه چک به مبلغ ۱۲۸۴۰۰۰۰ ریال به طرفیت خوانده تقدیم دادگاه نموده و در شعبه ۹ سابق تحت رسیدگی قرار گرفته است. دلیل خواهان بر صحت ادعای خود رونوشت مصدق چک و گواهینامه عدم پرداخت چک بوده و خوانده درخواست تجدید جلسه دادگاه را جهت حل و فصل موضوع نموده است ولی در جلسه حاضر نشده لذا دادگاه دعوی خواهان را وارد دانسته و مستنداً به مواد ۱۹۸ و ۲۰۲ و ۳۰۳ و ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ۳۱۳ و ۲۴۹ قانون تجارت حکم به پرداخت مبلغ ۱۲۸۴۰۰۰۰ ریال بعنوان اصل خواسته و مبلغ ۲۰۹۰۰۰۰ ریال بعنوان هزینه دادرسی و خسارت تأخیر تأدیه محکوم به از تاریخ مطالبه وجه (۸۲/۹/۱) لغایت اجرای حکم که اجرای احکام آن را محاسبه خواهد کرد از سوی خوانده در حق خواهان صادر و اعلام نموده رأی صادره حضوری بوده و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در محاکم تجدید نظر استان خراسان بوده. به علت عدم تجدید نظر خواهی رأی قطعی شده است و محکوم له تقاضای صدور اجرائیه نموده و شعبه نهم سابق اجرائیه صادر نموده و محکوم له در اجرای احکام مدنی تقاضای اجرای مفاد اجرائیه را نموده است و قاضی اجرای احکام مدنی به ریاست محترم کلانتری خدمات نیشابور طی دستوری مرقوم داشته که یکی از مأمورین تحت امر درمیت محکوم له به آدرس محکوم علیه مراجعه و در صورتی که محکوم علیه حاضر به پرداخت مبلغ ۱۴۴۳۲۴۱۶ ریال بابت محکوم به در حق محکوم له نباشد بلافاصله تا میزان معادل یاد شده از اموال بلامعارض وی توقیف و به عنوان امانت نزد شخص ثالث سپرده و همچنین بابت

حق الاجرا دولتی مبلغ ۳۱۶۲۰ ریال از محکوم علیه نقداً اخذ و به حساب درآمد دادگستری ارسال نمائید و ستواندوم ثمر نسبت به اجرای دستور قاضی اجرای احکام مدنی در محل حضور یافته و با توجه به اینکه محکوم له از معرفی نمودن اموال بلامعارض محکوم علیه اظهار عجز نموده و تقاضای حکم جلب نامبرده را خواسته است و قاضی اجرای احکام مدنی برگ جلب را صادر نموده است بعد از مدتی به علت عدم حضور محکوم علیه در اجرای احکام مدنی شهردار نیشابور طی نامه ای مرقوم داشته که ملک شماره ۲۴۸ فرعی از ۴۶ اصلی بخش ۱۲ را به نفع این اداره بازداشت گردد. اجرای احکام مدنی از رئیس اداره ثبت اسناد نیشابور طی دستوری خواسته تا ملک شماره پلاک فوق بازداشت گردد و اداره ثبت ملک مزبور را بازداشت نموده و متعاقب آن شهردار نیشابور اعلام نموده که ملک مزبور در رهن بانک کشاورزی می باشد و امکان پیگیری جهت وصول بدهی نمی باشد لذا از ملک مزبور رفع بازداشت شود. به تاریخ ۱۳۸۴/۷/۱۷ محکوم علیه در دایره اجرای احکام مدنی حاضر و مفاد اجرائیه به مشارالیه تفهیم گردید و اظهار داشته که اینجانب بدهکار می باشم با شهرداری توافق نموده ایم که چک مورد نظر را ظرف سه سال پرداخت نمایم و مقداری از محکوم به را برابر قبوض که در ید اینجانب می باشد پرداخت نموده ام و از بابت الباقی مبلغ حاضرم یک جلد سند ششدانگ معرفی نمایم. لذا مراتب به نماینده محکوم له اعلام گردید هم اکنون تقاضای بازداشت برابر ماده ۲ قانون محکومیت های مالی و یا پرداخت محکوم به را خواستارم و سند معرفی شده از ناحیه محکوم علیه دارای بازداشتی و رهن بانک می باشد. قاضی اجرای احکام مدنی پرونده را جهت اعمال ماده ۲ قانون نحوه محکومیت های مالی به نظر دادگاه صادر کننده رأی رسانده و دادگاه صادر کننده رأی بیان داشته که محکوم علیه اظهار می دارد که در خصوص بدهی خود ملکی را با ارزش بیست و سه میلیون تومان در پرونده دیگری در قبال سه میلیون تومان بازداشت سند است فلذا فوراً مازاد ملک مذکور در این پرونده نیز بازداشت گردد. در صورتی که محکوم علیه مالی در این مورد معرفی نکرد، اعمال ماده ۲ و بازداشت محکوم علیه بلامانع است. در تاریخ ۸۴/۱۰/۲۵ نماینده شهرداری آقای تولائی بعنوان محکوم له در محل اجرای احکام مدنی حاضر و نامبرده اظهار داشته که با محکوم علیه به توافق رسیده ایم و با توجه به اینکه در یوم جاری سیصد هزار تومان از محکوم به را دریافت نموده ام. و نسبت به الباقی قرار شده که مبلغ چهل هزار تومان در تاریخ ۸۴/۱۱/۲۵ و چهل هزار تومان

دیگر در تاریخ ۸۴/۱۲/۲۵ پرداخت شود. محکوم علیه با توافق حاصله موافقت نمود و اظهار داشته که طبق توافق عمل خواهم نمود و به طرفین تفهیم شد که در صورتی که به توافق عمل نشود توافق باطل خواهد شد و حق الاجراء دولتی به مبلغ سیصد و شصت و پنج هزار ریال از محکوم علیه اخذ شد.

نظریه کارآموز: رای دادگاه منطبق با موازین قانونی و شرعی صادر و صحیح می باشد و از طرفی دستورات قاضی اجرای حکم برای اجرای کامل مفاد و مندرجات حکم قابل تحسین می باشد.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش
۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده تجدید نظر: ۱۷۱۰/۸۵ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان
خراسان رضوی

کلاس پرونده بدوی: ۲۵۸/۸۵ شعبه ۱۳۶ دادگاه عمومی مشهد

تجدید نظر خواهان: آقای ع-غ و خانم ف-ک

تجدید نظر خوانده: آقای ع-غ و خانم ف-ک

تجدید نظر خواسته: زنا غیر محضه

خانم شاکیه شکوانیه ای علیه مشتکی عنه (آقای ع-غ) تنظیم و بیان نموده که مشتکی عنه به دلیل اغفال بنده و تجاوز به حریم شخصی و عفت و عزتم شاکیه هستم و چندین بار به من عمل تجاوز کرده و امروز در منزلشان مراسم نامزدی ایشان هست لذا تقاضای رسیدگی دارم پرونده شعبه ۱۳۶ دادگاه عمومی جزائی مشهد تحت رسیدگی قرار گرفته است. و در بازجوئیهایی که در صورت جلسه دادگاه از هر دو متهم بعمل آمد- متهم ردیف اول (شاکیه) بیان داشته که متهم ردیف دوم حدود نیمه بهمن ماه سال ۱۳۸۴ و در مغازه خودش مرتکب عمل زنا شدم چون آقای متهم ردیف گفت اگر دو نفر یکدیگر را بخواهند مهم نیست که عقد بکنند یا نکنند بعد شما را عقد می کنم و من دختر بودم و آقای متهم ردیف دوم بکارت مرا از بین برده است ولی متهم ردیف دوم این اتهام را قبول نکرده و بیان داشته که متهم ردیف اول کارگر اینجانب بوده و بعد بنخاطر اینکه دوستش داشتم قصد ازدواج داشتم ولی مادرم ناراضی بوده و بعد از مدتی فهمیدم دختر خوبی نیست از این قصد خودم صرف نظر کردم و به خاطر اینکه با مادرم اختلاف داشته و در دادن پول به ایشان اذیت کرده ام ایشان شکایت کرده اند ولی پرونده هایی دیگر از طرفین به کلاس ۱۰۳/۳۳۳/۸۵ شعبه ۱۰۳ دادگاه عمومی جزائی و کلاس ۳۳/۱۴۶۳/۸۴ دادراری ثبت شده و ملاحظه شده که در پرونده ۱۰۳ دادگاه عمومی جزائی مادر متهم ردیف دوم شکایتی علیه متهم ردیف اول و دوم ارائه کرده و بیان شده که متهم ردیف دوم پرونده اصلی حدود ۱۱ شب به خانه مادرش نرفته و مادرش جهت کشف حقیقت به کارگاه آقای ع-غ رفته و بعد از باز کردن در متوجه شده که خانمی در مغازه است و متعاقب آن به پلیس ۱۱۰ زنگ زده

و در بازجویی هایی در شعبه ۱۰۳ دادگاه عمومی جزائی انجام شده که متهمین بیان کرده اند ما با هم قصد ازدواج داریم و لذا دادگاه به شرح دادنامه شماره ۳۳۰/۱۷۲ - ۸۵/۲/۲۶ متهمان را از اتهام انتسابی به لحاظ عدم احراز سوء نیت تبرئه شده است اما در پرونده شعبه ۳۳ دادیاری خانم ف-ک (متهم ردیف اول) پرونده اصلی شکوائیه ای به اتهام نشر کاذب توهین علیه مادر متهم ردیف دوم ارائه داده و بعد از بازجوئی هایی شکایه از دعوای خود صرف نظر کرده لذا دادرسی قرار موقوفی تعقیب صادر کرده است.

نظریه پزشکی قانونی: پرده بکارت خانم ف-ک از نوع حلقوی کنگره دار تسع و مدخوله می باشد و آثار سائیدگی قدیمی بیش از یک ماه اخیر در وضعیت حدود ساعت پنج پرده بکارت مشهود می باشد.

قرار تامین متهم ردیف دوم آقای (ع-غ) تودیع و ثبته به مبلغ ده میلیون تومان صادر شده ولی دادگاه قرار تشدید تامین را به مبلغ پانزده میلیون تومان صادر نموده است. دادگاه با ملاحظه جمیع اوراق پرونده ختم رسیدگی و اعلام و مبادرت به انشاء رای نموده است:

شماره دادنامه ۵۰/۱۱۲۲ - موضوع کلاسه پرونده ۸۵/۲۵۸ شعبه ۱۳۶

دادگاه عمومی مشهد.

رای دادگاه: در خصوص اتهام ۱- ف-ک ۲- ع-غ دائر به انجام عمل زناى غير محضه با یکدیگر نظر به شکایت اولیه متهم ردیف اول بدین توضیح که متهم ردیف اول طی شکوائیه ای اعلام داشته که متهم ردیف دوم را اغفال و مورد تجاوز قرار داده است که پس از معاینه متهم ردیف اول پزشکی قانونی نیز وی را مدخوله اعلام داشته است و در جریان تحقیقات متهم ردیف اول بیان داشته که من کارگر ایشان بودم و بعلت اینکه مادرش با ازدواج همدیگر مخالف بوده با ترفند و وعده ازدواج با من عمل زنا انجام داده و از ازاله بکارت نموده ولی متهم ردیف دوم اتهام فوق را قبول نداشته است. از طرفی مخالفت خانواده متهم ردیف دوم با ازدواج متهمان می توانسته است در سوق دادن آنان به ارتکاب عمل زنا جهت تسلیم نبودن خانواده یاد شده موثر باشد علیهذا علم متعارف برای دادگاه بر ارتکاب بزه انتسابی به متهم ردیف دوم حاصل است و در نهایت دادگاه ارتکاب بزه انتسابی به هر دو متهم را محرز و مسلم دانسته و به استناد مواد ۶۳ و ۶۴ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۸۸ و ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی هر یک از متهمان را به تحمل یکصد ضربه تازیانه حد نوبت اول زناى غير محضه محکوم می نماید و با توجه به اینکه ارتکاب عمل زنا و در نتیجه ازاله

بکارت متهم ردیف اول در نتیجه وعده ازدواج متهم ردیف دوم به وی بوده است و متهم ردیف اول تقاضای تعیین ارش البکاره را نموده است و با عنایت به فتاوی مراجع عظام تقلید در صورتی که ازاله بکارت از طریق زنا در نتیجه فریب یا وعده ازدواج می باشد. آن را از مصادیق اکراه معنوی دانسته و آن را مستحق ارش البکاره می دانند و با استناد به ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی و همچنین وحدت ملاک تبصره ماده ۳۶۹ همان قانون و با توجه به این که میزان مهرالمثل متهم ردیف اول بیش از یک فقره دیه کامله می باشد دادگاه متهم ردیف دوم را به پرداخت یک فقره دیه زن مسلمان در حق متهم ردیف اول به عنوان ارش البکاره محکوم می نماید رای صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در دادگاه تجدید نظر استان خراسان رضوی می باشد. در مهلت مقرر طرفین پرونده تجدید نظر خواهی نموده است و در لایحه تجدید نظر: متهم ردیف اول بیان داشته چون متهم ردیف دوم با اغفال و فریب من با من این عمل را انجام داد و متوج اشتباه خودم شده ام لذا تقاضای عفو و تخفیف مجازات را دارم. و متهم ردیف دوم بیان داشته که اصلاً من با ایشان زنا نکردم و رابطه بین من و ایشان فقط رابطه کارگر و کارفرمایی است و از ازاله بکارت وی خبری ندارم و ایشان نسبت به من افتراء نموده است. شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر با ملاحظه جمیع اوراق پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشاء رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۳۵-۱۷۸۴ موضوع کلاسه پرونده: ۱۷۱۰-۸۵ ش ۹

تجدید نظر

رای دادگاه: در خصوص تجدید نظر خواهی آقای ع-غ و خانم ف-ک نسبت به دادنامه شماره فوق الذکر با نگرش به مطاوی پرونده و ملاحظه لوایح تجدید نظر خواهی خواهان نظر به اینکه نامبردگان ایراد مؤثر و اعتراض موجهی که موجب نقض دادنامه بدوی گردد ارائه نداده و رای مزبور منطبق با موازین قانونی بوده لذا ضمن رد تجدید نظر خواهی تجدید نظر خواهان مستنداً به بند الف از ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری رای معترض عنه را تایید می نماید رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: در این پرونده که متهم ردیف اول (خانم شکیه) مدعی شده است که متهم ردیف دوم با وی زنا کرده و به صورت عنف و اکراه نبوده و در تمام مراحل دادرسی اقرار کرده ولی متهم ردیف دوم این اتهام را قبول نکرده است. گرچه شکیه مدتی وقوع زنا

توسط متهم است النهایه اقرار الغیر علی الغیر غیر ممنوع است و از طرفی طبق ماده ۷۵ قانون مجازات اسلامی که مرقوم داشته در صورتی که زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نیز ثابت می شود در این پرونده شهودی هم نبوده اند که شهادت بدهند لذا فقط از راههای ثبوت زنا در دادگاه: علم قاضی است که تشخیص بدهد زنا شده یا نشده است که در این پرونده قاضی محترم با درایت خاصی خودش زنای غیر محضه دانسته و رای را بر همین مبنا صادر کرده است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش

۲۰/۸۴-۲:

کلاس پرونده تجدید نظر: ۱۸۹۷/۸۵ شعبه ۹ دادگاه تجدید استان

خراسان رضوی

کلاس پرونده بدوی: ۱۲۶۲/۸۵ شعبه ۱۲۳ دادگاه عمومی جزائی مشهد

تجدید نظر خواه: مدیریت جهاد کشاورزی

تجدید نظر خوانده: آقای ی-ص

تجدید نظر خواسته: تغییر کاربری

تجدید نظر خواه بعنوان شاکی در پرونده بدوی شکوائیه ای علیه تجدید نظر خوانده (مشتکی عنه) تنظیم و تقدیم دادرسی عمومی و انقلاب مشهد نموده و با این توضیح که مشتکی عنه پلاک ۲۸ روستای دوله مساحت ۲۸۸ مترمربع زمین زراعی تحت پلاک ۲۸ اصلی بخش ۱۱ مشهد موسوم به دوله را برخلاف موازین مسلم قانونی و تصریح قانونگذار از کشاورزی به صنعتی تغییر کاربری داده با عنایت به اینکه به استناد ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب ۷۴/۳/۳۱ مجلس شورای اسلامی تغییر کاربری اراضی با کاربری زراعی و باغها در خارج از محدود قانونی شهرها و شهرکها جزء موارد ضروری و با رعایت تشریفات قانونی و تصویب کمیسیون مقرر در تبصره ماده یک قانون فوق الذکر ممنوع می باشد و با توجه به اینکه قانون حفظ کاربری از قوانین و قواعد آمره و مربوط به حفظ نظم و مصالح عمومی و حق حاکمیت می باشد و سومین خصیصه از خصایص سه گانه (منحصر به فرد بودن، دائم بودن، مطلق بودن) مالکیت یعنی مطلق بودن راصرفاً به امر کشاورزی محدود نموده و در حقیقت تخصیص بر ماده ۳۰ قانون مدنی در باب مالکیت می باشد و از آنجا که نامبرده بدون اخذ مجوز و رعایت تشریفات مربوطه و برخلاف مفاد قانون مبادرت به تغییر کاربری زمین کشاورزی نموده است لذا در جهت جلوگیری از تضییع حقوق دولت و اجرای صحیح قانون تقاضای صدور دستور توقیف عملیات تغییر کاربری اراضی و رسیدگی فوری و مجازات متهم مطابق ماده ۳ قانون فوق الذکر از آن مقام محترم داریم. پرونده به شعبه ۶۸ دادرسی ارجاع شده نماینده مدیریت جهاد کشاورزی آقای حسین دهقان در جلسه دادرسی تقاضای صدور دستور توقیف

عملیات تغییر کاربری اراضی و ثانیاً مجازات متهم مطابق ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی و باغها نموده است و مشتکی عنه آقای (ی-ص) بیان داشته که اینجانب جواز تأسیس از وزارت صنایع به شماره ۲/۱۶۲۸۷ در زمینه فعالیت بتن و قطعات مستونی و استعلاماتی از استانداری و محیط زیست و اداره راه و ترابری گرفته ام. دادیار شعبه ۶۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد قرار مجرمیت متهم آقای (ی-ص) را دایر بر تغییر کاربری مقدار ۲۸۸ مترمربع زمین زراعی با توجه به دلائل ۱- گزارش اداره جهادکشاورزی ۲- اقرار صریح متهم بر عدم کسب مجوز در خصوص تغییر کاربری با توجه به بند (ز) و (ک) ماده ۳ اصلاحی قانونی تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب اعلام می گردد. دادیار اظهار نظر با قرار صادره موافقت نموده و متعاقب آن کیفرخواست صادر نشده و به شعبه ۱۲۳ دادگاه عمومی جزائی مشهد ارجاع شده و تحت رسیدگی قرار گرفته دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشاء رای نموده است.

شماره دادنامه: ۸۷/۱۵۹۷ موضوع کلاسه پرونده ۸۵/۱۲۶۲ شعبه ۱۲۳

دادگاه عمومی جزائی مشهد.

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای ی-ص دایر بر تغییر کاربری موضوع شکایت جهاد کشاورزی به شرح مختصر اینکه مدیریت سازمان مذکور اعلام نموده که مشتکی عنه مساحت ۲۸۸ مترمربع زمین زراعی تحت پلاک ۲۸ اصلی بخش ۱۱ موسوم به دوله را برخلاف موازین مسلم قانونی از کشاورزی به صنعتی تغییر کاربری داده مشتکی عنه اظهار نموده من دارای یک قطعه زمین زراعتی دیمه به مساحت تقریبی چهار هکتار می باشم که در داخل آن یک سالن جهت کارهای تولیدی بلوکه سیمانی و غیره تأسیس کرده ام که نود درصد از کارهایش به اتمام رسیده با توجه به شکایت مذکور و اقرار متهم و کیفرخواست و سایر محتویات پرونده بزه انتسابی محرز است لذا دادگاه مستنداً به مواد ۲ و ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و رعایت بند ۵ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ضمن دستور توقیف عملیات تا اذن و اخذ مجوز از سازمانهای مربوطه به خصوص جهاد کشاورزی به پرداخت مبلغ دو میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس در حق دولت محکوم می نماید رای صادره حضوری گرچه قطعی است لکن با عنایت به محتویات پرونده طی مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در محاکم تجدید نظر مشهد می باشد. محکوم له (شاکی) از رای شماره فوق تجدید نظرخواهی نموده و در لایحه بیان داشته که دادگاه

محترم بدوی به استناد مواد ۲ و ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مشتکی عنه را محکوم به پرداخت جزای نقدی نموده و در خصوص پرداخت عوارض موضوع ماده ۲ سکوت نموده است در حالی که همانگونه که مستحضرید ماده ۳ قانون فوق الذکر برای مجازات متهم از تغییر کاربری اراضی زراعی اشعار داشته «علاوه بر الزام به پرداخت عوارض موضوع ماده ۲ به پرداخت جزای نقدی تا سه برابر بهای اراضی و باغها به قیمت روز زمین با کاربری جدید محکوم خواهند شد» لذا تقاضای نقض دادنامه فوق الذکر را دارم. پرونده به شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر ارجاع شده و تحت رسیدگی قرار گرفته و مبادرت به انشاء رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۹۶۹/۲۱ موضوع کلاسه پرونده ۱۸۹۷/۸۵ شعبه ۹

دادگاه تجدید نظر

رای دادگاه: با توجه به دفاعیات متهم و مدارک ارائه شده از ناحیه متهم که حکایت از این دارد که مجوز لازم را جهت احداث کارگاه از سازمان صنایع و معادن گرفته است و آن سازمان باید قبل از اعطاء و پروانه متقاضی را ارشاد می نمود که نسبت به اخذ مجوز تغییر کاربری اقدام نماید و متهم از سازمانهای مختلف مجوزهای لازم را اخذ و در این خصوص توجه نداشته که باید مجوزی هم در این مورد از جهادکشاورزی دریافت نماید لذا دادگاه اگر چه متهم به رای صادره اعتراض ننموده لکن با توجه به تبصره یک ماده ۲۲ قانون اصلاح قانون دادگاه های عمومی و انقلاب متهم را از بزه انتسابی تبرئه و رای بدوی نقض می نماید رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: دادگاه تجدید نظر استنادش این بوده که چون مجوز لازم برای تاسیس واحد صنعتی از استانداری و سازمانهای مربوطه گرفته «و آن سازمانها می توانستند مشتکی عنه (تجدید نظر خوانده) را ارشاد کنند و ارشاد نکردند و تجدید نظر خوانده متوجه این قضیه نبوده لذا برائت صادر نموده به نظر کارآموز درست نیست چون صلاحیت و وظایف هر یک از سازمان ها شخصی است و سازمان های مربوطه فقط در صورتی که آن آئین نامه ای که مربوط به خودشان است تبعیت کرده و به آن عمل می کنند مثلاً سازمان صنایع و معادن وظیفه اش این نیست که فرد متقاضی تاسیس واحد صنعتی را ارشاد کند که نسبت به تغییر کاربری به سازمان مربوطه رجوع کند.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقپور. شماره پرونده آموزش: ۲۰/۸۴۰۲

صفحه

کلاس پرونده تجدید نظر: ۹۸۲/۸۵ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان

خراسان رضوی

کلاس پرونده بدوی: ۳۹۶/۸۵ احکام

تجدید نظر خواه: آقای س. ع-م

تجدید نظر خوانده: آقای س-ا

تجدید نظر خواسته: تصرف عدوانی

شاکی آقای س. ا. شکوائیه ای به طرفیت آقایان س. ع-م و س. م-م مبنی بر تصرف عدوانی و نهال کاری ملک اینجانب تقدیم حوزه قضائی طرقبه نموده و در توضیح شکوائیه بیان شده که اینجانب ملک معروف به باغ حاج رمضانعلی اعتمادی را در سال ۱۳۴۲ خریداری نموده ام ولی چند روز قبل متهمین تصرف عدوانی نموده و رئیس حوزه قضائی طرقبه پرونده را جهت بررسی و انجام تحقیقات مقدماتی به کلانتری محل ارسال داشته و مأمورین کلانتری به محل وقوع ملک متنازع فیه رفته و از شاکی و متهمین و تحقیق و بررسی بعمل آمده است و متهم در بازجویی بیان داشته که اولاً آن زمین در تصرف ایشان نبوده و در تصرف خودمان بوده است.

لذا دادگاه رای خود را صادر نموده است و در آن رای قرار منع تعقیب را صادر نموده است و شاکی پرونده نسبت به رای دادگاه تجدید نظر خواهی نموده و در لایحه تجدید نظر خواهی عنوان کرده که اینجانب سند مالکیت دارم لذا تقاضای ارجاع امر به کارشناسی و معاینه محل را دارم. شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر با ملاحظه لایحه تجدید نظر خواهی و اوراق پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه ۳۹-۱۱۵۸ موضوع کلاس پرونده ۱۱۴۱-۸۴ ش ۹ تجدید

نظر

رای دادگاه: در خصوص اعتراض آقای س. ا نسبت به دادنامه فوق الذکر با توجه به محتویات پرونده و اظهارات شاکی در این دادگاه اعتراض وی موجه بوده و دادگاه با استناد ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری با نقض قرار

صادره پرونده به دادگاه بدوی ارسال تا با تحقیق از معتمدین محلی در مورد سوابق تصرف متهم در زمین متنازع فیه و جلب نظر کارشناس و رسیدگی ماهوی نسبت به صدور رای اقدام فرمایند پرونده به دادگاه صادرکننده قرار اعاده شده تا مورد رسیدگی قرار گیرد و دادگاه بدوی با تحقیقات دوباره ای که انجام داده رای صادر نموده است. شماره دادنامه: ۴۸-۹۹۲ موضوع کلاسه پرونده ۱۱۳۵-۸۴ ش ۱۳۲ دادگاه عمومی جزائی مشهد.

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای س.ع-م دائر به تصرف عدوانی که با عنایت به محتویات پرونده شکایت شاکی- اقای صریح متهم که من یک رسته از تصرف کرده ام و سایر امارات و قرائن موجود پرونده بزهکاری نامبرده محرز و مسلم است و لذا دادگاه به استناد به ماده ۶۹۲ قانون تعزیرات نامبرده را به تحمل چهارماه حبس و رفع تصرف محکوم می نماید رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر می باشد. متهم دادنامه توسط مامور ابلاغ شناسایی نشده لذا دادنامه ابلاغ نگردیده است- و جهت اجرا به اجرای احکام مدنی ارسال شده و در حضور شاکی نسبت به ملک مورد نظر رفع تصرف شده و بعد از جلب متهم بیان داشته که من از ابلاغ دادنامه خبری ندارم.

لذا تقاضای تجدید نظر خواهی دارم پرونده به نظر دادیار اجرای احکام رسیده است در این مرحله از دادرسی آقای حسین رستم زاده طبقه وکالت خود را از طرف آقای س.ع. م به دادیار اجرای احکام کیفری اعلام نموده است و در لایحه تجدید نظر خواهی بیان نموده که تجدید نظر خواننده محترم دارای زمینی در مجاورت زمین موکل بنده می باشد که از سالیان سال هر یک از آن ها در آن تصرف و نسبت به آن سند مالکیت دارند علیهذا از آنجا که موضوع اختلاف در حد و حدود و زمین مجاور یکدیگر می باشد که از سالیان سال در آن تصرف داشته و نسبت به آن هم سند مالکیت دارند موضوع فاقد وصف کیفری است لذا تقاضای نقض رای صادره را داشته پرونده به شعبه نهم دادگاه تجدید نظر ارسال شده دادگاه با توجه به محتویات پرونده قرار ارجاع امر به کارشناسی را صادر نموده که آقای مروج به عنوان کارشناس انتخاب گردیده تا با حضور در محل وقوع ملک و ترسیم کروکی آن ظرف مدت یک ماه نظر خود را اعلام نماید.

نظریه کارشناس: ۱- پلاک ۲۳۴ فرعی از ۶۶ اصلی نقندر به صورت یک قطعه زمین مشجر و محصور می باشد که سند مالکیت آن در سال ۱۳۱۳ صادر و تسلیم گردیده است آقای متهم از مالکین مشاعی پلاک مذکور است حدود جنوبی و شرقی پلاک ۲۳۴ برابر سند

مالکیت صادره به شرح زیر است (جنوباً به دیوار مشترک با باغ نمره ۲۳۱ شرقاً به دامنه کوه) ۲۰ دالستان ۲۳۱ فرعی از ۶۶ اصلی که در جنوب پلاک ۲۳۴ فوق الذکر قرار دارد در تصرف آقای تجدید نظر خوانده قرار دارد و آقای امینی به موجب سند شماره ۱۰۹۸۲-۱۳۴۴/۵/۱۱ در پلا ۲۳۱ مذکور مالکیت دارد پلاک ۲۳۱ فرعی نیز در حد شمالی با پلاک ۲۳۴ فرعی (مورد استناد متهم) و در حد شرقی با جبل مجاورت دارد. ۳- در قسمت شرق پلاکهای ۲۳۱ و ۲۳۴ و در حد فاصل ارتفاعات منطقه بازه ای وجود دارد که از خط الرأس ارتفاع تا ابتدای املاک طرفین پرونده امتداد داشته و مشرف بر پلاکهای ۲۳۱ و ۲۳۴ فرعی می باشد در بازه مذکور و کنار راه احدائی تعدادی درخت توت توسط آقای موسوی غرس شده است که بالغ بر شش سال سن دارند تعداد ۱۱ اصله نهال یک سال در امتداد ضلع جنوبی بازه وجود دارد که همان درختانی است که آقای موسوی در پرونده بدوی به کاشتن آن ها اقرار نموده است.

نظریه: اولاً بازه ای که توسط متهم از چند سال قبل درخت کاری شده از نظر ثبتی و حدود مندرج در اسناد مربوطه در محدوده هیچ یک از پلاکهای مورد استناد طرفین نیست ثانیاً: در خط القعر بازه راهی احداث شده که مورد بهره برداری هر دو طرف می باشد ثالثاً: بازه مذکور از شرق به غرب مشرف بر پلاکهای فوق الذکر است و نهایتاً به نظر اینجانب متهم در زمان تصرف به این امر توجه نداشته که نهالها در قسمتی از بازه که مشرف به باغ ۲۳۱ آقای امینی است کاشته شده و بر اساس سابقه امر اقدام به این کار نموده است. دادگاه با ملاحظه نظریه کارشناس ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشاء رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۳۷-۱۹۳۷ موضوع کلاسه پرونده ۸۵-۹۸۲ شعبه ۹

تجدید نظر

رای دادگاه: با توجه به محتویات پرونده و مفاد لایحه وکیل متهم در مقام تجدید نظرخواهی و نظریه کارشناسی لذا سوء نیت متهم محرز نیست و دادگاه به استناد ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری با نقض رای بدوی حکم به برائت متهم آقای س.ع.م صادر می نماید در خاتمه به متهم تذکر داده می شود طبق نظر کارشناس محل مورد غرس ۱۱ *** درخت توت مورد اختلاف در حریم ارتفاعات

باغ شاکی می باشد و چنانچه متهم قصد بهره برداری شخصی از نهال را دارد باید در فصل مناسب درختان را به داخل ملک خود منتقل نماید رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: ماده ۶۹۲ قانون مجازات اسلامی فقط نسبت به ملک دیگری صورت

می گیرد و از آنجا که متهم پرونده سوء نیت نداشته و با توجه به اینکه حد و حدود ملک

مورد اختلاف در مجاور هم می باشد "ا" کیت وجود دارد. لذا رای دادگاه تجدید نظر

مطابق با موازین شرعی و قانونی صادر
صفحه ت.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش
۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده تجدید نظر: ۱۷۶۵/۸۵ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان خراسان رضوی

کلاس پرونده دادرسی: ۱۱۶۲/۸۵ شعبه ۱۱۶ دادگاه عمومی جزائی مشهد.

تجدید نظر خواه: آقای م-م

تجدید نظر خوانده: آستان قدس رضوی

تجدید نظر خواسته: تصرف عدوانی

گردشکار پرونده در دادگاه بدوی: شاکی (آستان قدس رضوی) شکوائیه ای بر علیه مشتکی عنه آقای م.م تنظیم و بیان داشته که مامورین این اداره طی گشت و بازدید که از اراضی موقوفه آستان قدس رضوی در ساعت ۹ صبح روز ۸۴/۱۱/۲۸ بعمل آوردند ملاحظه و مشاهده نمودند آقای مشتکی عنه مبادرت به تصرف زمین به مساحت تقریبی ۵۷ مترمربع از اراضی خیابان شهرک شهید رجائی نموده است لذا این عمل انجام شده از ناحیه متصرف و جاهت قانونی نداشته و ندارد و منطبق با موازین نمی باشد مستنداً به ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب مرداد ماه سال ۱۳۷۵ و تبصره (۱) ذیل ماده مذکور تقاضای مجازات متصرف و رفع تصرف عدوانی و اعاده به وضع سابق را داشته و دارد. دادستان مجتمع قضائی شهدی هاشمی نژاد پرونده را جهت رسیدگی و بررسی به شعبه ۱۶ دادیاری ارجاع نموده است. دادیار شعبه ۱۶ در اولین اقدام به کلانتری اعلام نموده تا اولاً وفق تبصره یک ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی به تصرف اخطار تا صدور قرار نهایی دادسرا از ساخت و ساز و تجاوز خود داری نماید. ثانیاً از محل تحقیق بعمل آید و اظهارات شهود و معتمدین محلی و نحوه تصرف و زمان تصرف هر یک از طرفین را دقیقاً مشخص شود. در اجرای دستور مقام قضایی یکی از مامورین آن کلانتری به محل اعزام و مشاهده کرده اند که دور زمین دیوارکشی شده و خود مشتکی عنه حضور ندارد ولی همسرش بیان نموده که این زمین را دو یا سه سال است که ما خریده ایم و قولنامه داریم و اهالی محل بیان داشته اند که شخصی به نام محمد غفوری زمین را دیوار نموده است. شاکی در صورت جلسه

۸۵/۱/۱۴ بیان داشته که مشتکی عنه زمین موقوفه آستان قدس را تصرف نموده و این عمل را بدون موافقت آستان قدس انجام داده و به اخطارهای مکرر مامورین آستان قدس توجه ننموده است لذا تقاضای رفع تصرف و اعاده به وضع سابق را خواستارم و مشتکی عنه در جلسه ۸۵/۱/۲۲ اظهار نموده که چون مردم آشغال می ریختند من دور زمین را دیوار کرده ام و من البته آن را خریده ام و قرار داد دست نویس داریم.

دادیار شعبه ۱۶ قرار تامین کفالت مشتکی عنه را به وجه الکفاله ده میلیون ریال صادر کرده و شخصی به نام س-چ حاضر شده کفالت مشتکی عنه را بر عهده بگیرد. دادیار قرار قبولی کفالت نامبرده را از تن متهم را تا خاتمه رسیدگی و اجرای دادنامه صادر نموده است.

دادیار در وقت فوق العاده با توجه به جمیع اوراق پرونده مبادرت به صدور قرار نموده است و قرار مجرمیت آقای متهم م.م را دایر بر تصرف عدوانی با توجه به شکایت شاکی نحوه اظهارات متهم و ارائه سند از سوی شاکی و تحقیق محلی صادر نموده و دادیار اظهار نظر با این قرار موافقت نموده پرونده جهت رسیدگی به شعبه ۱۱۶ دادگاه عمومی مشهد تحت رسیدگی قرار گرفته و با توجه به اینکه مشتکی عنه در هیچ یک از جلسات دادرسی حاضر نشده لذا دادگاه مستنداً به ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی به سه ماه یک روز حبس تعزیری و رفع تصرف از زمین مورد شکایت شاکی محکوم نموده رای صادره غیابی بوده مشتکی عنه از رای فوق الذکر وخواهی نموده دادگاه در وخواهی بیان نموده مستنداً به بند ۲ ماده ۳ قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت سه ماه و یک روز حبس وی به سیصد هزار ریال جزای نقدی از حبس تعزیری به نفع صندوق دولت تبدیل نموده است. مشتکی عنه از رای وخواهی تجدید نظر خواهی نموده است.

رای دادگاه تجدیدنظر: در خصوص تجدید نظر خواهی آقای م.م نسبت به دادنامه شماره ۸۵/۹/۴/۱۱/۱۱۶۱ صادره از شعبه ۱۱۶ دادگاه عمومی جزایی مشهد نظر به اینکه مشارالیه ایراد موثر و اعتراض موجهی که موجب نقض دادنامه بدوی گردد ارائه نداده رای مزبور منطبق با موازین قانونی بوده لذا دادگاه رد تجدید نظر خواهی تجدید نظر خواه مستنداً به بند الف از ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری رای معترض عنه را تایید می نماید رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: در طرح دعوی تصرف عدوانی به استناد قانون اصلاح جلوگیری از تصرف عدوانی ۱۳۵۲ اثبات سبق تصرف شاکی و لحوق تصرف مشتکی عنه و عدوانی بودن

تصرف او ضروری است اما در صورت شکایت کیفری به استناد ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی احراز واقع لازم است یعنی دادگاه فقط پس از احراز اینکه تصرف فعلی من غیر حق و عدوانی و غاصبانه است می تواند حکم محکومیت صادر نماید.

صفحه

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش
۲۰/۸۴-۲:

کلاس پرونده تجدید نظر: ۱۲۳۳ / ۸۵ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان
خراسان رضوی

کلاس پرونده بدوی: ۹۳۷ / ۸۴ شعبه ۱۳۴ دادگاه عمومی مشهد

تجدید نظر خواه: آقای ه - ا

تجدید نظر خوانده: آقای س - ف

تجدید نظر خواسته: تخریب و تصرف عدوانی و فروش مال غیر

گردشکار پرونده: شاکی شکوائیه ای علیه مشتکی عنهما ۱- آقای ه- ا - ۲- آقای م- ف مبنی بر تخریب قفل درب و تصرف عدوانی و فروش مال غیر به مجتمع قضائی شهید مدنی مشهد تقدیم داشته و در توضیح شکوائیه اظهار نموده که اینجانب به موجب سند مالکیت شماره ۱۲ فرعی از یک اصلی، مالک ششدانگ ششصد و هشتاد و شش سهم مشاع از هفتصد و یازده سهم مشاع از هفت هزار و نهصد و هجده سهم مشاع از کل هفتاد و یک هزار سهم ششدانگ پلاک ۱۲ فرعی از یک اصلی بخش ۶ مشهد می باشم ولی آقای (ه.د) در اواخر آذر ماه هشتاد و چهار با بریدن قفل درب وارد زمین محصور شده و با قطع درختان و تخریب زمین موجبات ورود خسارات را به اینجانب نموده و نامبرده ملک مزبور را به آقای فولادی در بنگاه معاملاتی سپید با مدیریت آقای عشقی فروخته و مبلغ دریافت نموده است. معاون دادستان پرونده را جهت رسیدگی و تحقیق به دادیاری شعبه ۸۳ ارجاع نموده خلاصه پرونده حکایت از آن دارد که خانم خاتون رهباردار شرق مادر مشتکی عنه قطعه زمینی به مساحت هفتصد و پنجاه سهم مشاع از ده هزار سهم مشاع از هفتاد و یک هزار سهم ششدانگ پلاک ۱۲ فرعی از یک اصلی واقع در بخش ۶ مشهد با شماره سند ۷۵۷۶۲ مورخه ۶۷/۱/۱۴ دفتر ۷۱ مشهد از آقای جواد شهرستانی خریداری نموده و تاریخ ثبت در اداره ثبت سال ۱۳۷۴ بوده و از طرفی این پلاک ثبتی در تاریخ ۸۴/۵/۱۸ در دفتر یک مشهد به شماره ۲۰۹۹۵۶ به مشتکی عنه منتقل شده است با توضیح اینکه آقای جواد شهرستانی در مورخه ۷۵/۸/۹ به موجب سند قطعی ۵۵۳۳۲ در دفتر خانه ۳۴ مشهد ششصد و هشتاد و شش سهم مشاع از هفتصد و یک سهم مشاع از هفت هزار و نه صد و هیجده

سهم مشاع از کل هفتاد و یک هزار سهم ششدانگ پلاک دوازده فرعی از یک اصلی بخش ۶ مشهد را به آقای شاکی انتقال داده است. مادر مشتکی عنه، دعاوی متعددی در دادگاه های مختلف مطرح کرده که همه حکم به رد دعوی صادر شده است. و در مورد سند مالکیت شاکی از اداره ثبت استعلام نموده که پاسخ اداره ثبت حکایت از آن است که سند ملک پلاک مورد نظر به نام س.م- ف می باشد. با توجه به اینکه مشتکی عنه ردیف اول ملک مورد اختلاف را به شخص ثالثی فروخته و آن شخص به علت اینکه ملک مورد خریداری معارض می باشد لذا در حال فسخ معامله است و هیچ گونه ادعایی نسبت به این ملک ندارد. لذا شاکی از ادعای خود راجع به مشتکی عنه ردیف دوم صرف نظر و گذشت نموده است. دادیار شعبه ۸۳ داسرای عمومی و انقلاب مشهد با عنایت به دلایل ذکر شده اتهامات انتسابی را محرز دانسته لذا قرار مجرمیت آقای ه.ا را صادر نموده ولی در خصوص ادعای دیگر شاکی علیه متهم فوق مبنی بر قطع اشجار به لحاظ فقد ادله اثباتی و همچنین در خصوص شکایت شاکی علیه مشتکی عنه ردیف دوم مبنی بر خرید مال غیر صرف نظر از اعلام رضایت با عنایت به عدم اطلاع نامبرده از اینکه ملک فقط معارض داشته و تحویل ملک مورد نظر بلافاصله و پس از اطلاع از موضوع و نهایتاً عدم احراز سوء نیت از سوی نامبرده مستنداً به ماده ۱۷۷ ق.آ.د.ک قرار منع تعقیب متهمان صادر و اعلام نموده قرار صادره ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در همین دادگاه می باشد. معاون دادستان طبقه با قرارهای صادره موافقت نموده و کیفرخواست تحت شماره ۶۵۵ ثبت شده و تقاضای مجازات نامبرده طبق مواد ۶۷۷ و ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی و ماده یک قانون مجازات اسلامی راجع به انتقال ملک غیر و ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلافی و کلاهبرداری درخواست نموده است. پرونده به شعبه ۱۳۴ دادگاه عمومی مشهد ارجاع شده است در بازجوئی های خود شاکی و مشتکی عنه همان اظهاراتی که در دادیاری بیان نموده اند تکرار نمودند به اضافه لایحه ای که مشتکی عنه در شعبه ۱۳۴ دادگاه عمومی مشهد تقدیم نموده که حکایت از آن دارد که مادر مشتکی عنه زمین مورد اختلاف را از آقای جواد شهرستانی خریداری نموده و سند مالکیت صادر شده است لذا هیچ گونه سوء نیت قبلی در کار نبوده و اینجانب مرتکب خلافی نشده ام و وقتی برای زمین مدعی پیدا شده آقای جواد شهرستانی اظهار داشته که قطعه شماره یک در پشت زمین مورد اختلاف قرار دارد و متعلق به اینجانب است که متأسفانه از تحویل قطعه یک هم خودداری و تا

کنون حاضر به تحویل آن نشده لذا تقاضای صدور حکم به برائت دارم. دادگاه با ملاحظه جمیع اوراق پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور رای نموده است.

شماره دادنامه: ۴۶/۳۴ موضوع کلاسه پرونده ۸۴/۹۳۷ شعبه ۱۳۴ دادگاه عمومی مشهد.

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای ه.ا مبنی بر تصرف عدوانی - تخریب قفل، فروش مال غیر موضوع کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب مشهد با توجه به شکایت شاکی خصوصی و اقرار صریح و مقرون به واقع متهم مبنی بر فروش ملک به آقای فولادی با توجه به اینکه متهم به شرح صورت جلسه مورخ ۱۶/۵/۸۵ اذعان به تصرف و ساخت یکباب اطاقک در زمین باغ مورد اختلاف داشته لیکن هیچ دلیلی که مبین سابقه تصرف وی باشد ارائه نکرده است و عنایت به اینکه متهم هیچگونه دلیل مالکیت در پلاک ۱۲ فرعی از یک اصلی ارائه ننموده و مالکیت خانم خاتون رهباردارشرف نیز هفتصد و پنجاه سهم مشاع از ده هزار سهم مشاع از هفتاد و یک هزار سهم شش دانگ یک قطعه زمین از پلاک ۱۲ فرعی از یک اصلی بوده در حالی که زمین فروخته شده از طرف متهم ۶۸۶ سهم مشاع از همین پلاک بوده که محصور و دارای اشجار بوده و متهم با علم به قانون مجازات اسلامی و رعایت بند دو ماده سه قانون تحوه وصول برخی از درآمدهای دوست و مصرف آن در مواد معین و ماده یک قانون راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸ و ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ و رعایت بند پنجم ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به جهت فقدان سابقه کیفری متهم و در نظر داشتن اینک ملک به شاکی خصوصی مسترد گردد و تحویل وی شده آقای ه.ا را به اتهام تصرف عدوانی به پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی با احتساب ایام بازداشت و به اتهام فروش مال غیر با رعایت جهات مخففه و تبصره یک ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری به تحمل یکسال حبس تعزیزی و پرداخت پنجاه میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم فرماید دادگاه راجع به تخریب قفل با توجه به استدلال فوق و احراز عدم سوء نیت خاص مستنداً به اصل برائت رای بر برائت متهم صادر و اعلام می نماید رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر می باشد.

مشتکه عنه آقای ه.ا از دادنامه فوق الذکر تجدید نظر خواهی نموده و در لایحه تجدید نظر خواهی ذکر کرده که چون مادرم بانو خاتون رهباردار شرق مالک یک قطعه زمین به مساحت ۷۵۰ متر مربع از همین پلاک ۱۲ فرعی از یک اصلی بوده از اینجانب بدون هیچ گونه سوء نیتی اشتبهاً زمین شاکی آقای م-ف را به جای زمین مادرم به آقای فولادی فروخته ام. در ثانی اینجانب بر اساس ماده یک قانون تشدید مجازات کلاهبرداری و ارتشاء و اختلاس: کلاهبرداری محسوب و به حداقل مجازات مقرر در آن که یک سال می باشد محکوم نموده اند در حالی که اینجانب اشتبهاً به جای زمین مادرم زمین شاکی را فروخته ام لذا این حکم صادره از حیث کلاهبرداری و جاهت شرعی و قانونی نداشته است. پرونده جهت رسیدگی به شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر ارسال شده و وقت رسیدگی تعیین و به طرفین ابلاغ شده است و در این مرحله شاکی از شکایت خود با توضیح اینکه مشتکی عنه نسبت به زمین مورد اختلاف ادعایی ندارد، صرف نظر نموده و گذشت کرده است. دادگاه با ملاحظه لایحه تجدید نظر خواهی و لایحه گذشت شاکی که ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشاء رای نموده است.

شماره دادنامه: ۲۴-۱۸۲۴- موضوع کلاسه پرونده ۱۲۳۳ شعبه ۹ دادگاه

تجدید نظر استان خراسان رضوی

رای دادگاه: با توجه به محتویات پرونده و دفاعیات متهم در مراحل مختلف بازجوئی که اجمال دفاعیات متهم از این قرار است که مادر وی در پلاک متنازع فیه مالکیت مشاعی داشته و قطعات تصرفی کلیه مالکین مشاعی در پلاک بدون توافق سایر مالکین و بصورت سالار بخش انجام شده و مالکین ششدانگ هیچ کدام از سند ششدانگی در مورد قطعه تصرفی خود ندارند و متهم نیز از این حیث اقدام به تصرف و فروش نموده و لذا دادگاه با توجه به گذشت شاکی طی لایحه ۱۶۲- ۸۵/۱۱/۱۵ و به علت قدم احراز سوء نیت متهم آقای ه.ا را از بزه انتسابی تبرئه می نماید رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: با توجه به اینکه متهم در تمامی دعاوی که مادرش خانم خاتون رهباردار شرق علیه مالکین دیگر مشاعی طرح نموده همراه وی بوده و از کم و کیف قضایا خبر داشته و از طرفی در دعاوی که مطرح شده حکم به رد دعوی مادرش صادر شده لذا نمی توان گفت که متهم اشتبهاً و با عدم سوء نیت زمین مورد اختلاف را فروخته است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش
۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده تجدید نظر: ۱۶۶۳/۸۵ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان
خراسان رضوی

کلاس پرونده بدوی: ۸۷۵/۸۵ شعبه ۱۰۱ دادگاه جزائی نیشابور

تجدید نظر خواه: آقای ح-ف

تجدید نظر خوانده: خانم ع-ف

تجدید نظر خواسته: ایراد ضرب عمدی، ترک انفاق

گردشکار پرونده در دادگاه بدوی: خانم شاکیه (ع-ف) شکوائیه ای علیه ۱- آقای (ح-ف) ۲- خانم (ح-ا) تنظیم و تقدیم دادستان محترم نیشابور تقدیم نموده و بیان داشته مشتکی عنه ردیف اول همسر دائمی اینجانب می باشد و با نامبرده هیچ گونه سازگاری ندارد و مرا مورد ضرب و شتم قرار می دهد و علاوه بر آن به لحاظ اینکه ازدواج مجدد نموده هیچگونه خرج و نفقه ای به اینجانب و فرزندانم پرداخت نمی نماید و همچنین مشتکی عنها خانم (ح-ا) همسر دوم مشتکی عنه می باشد و دائماً از طریق تلفن مزاحمت ایجاد می نماید لذا تقاضای تعقیب کیفری نامبردگان را به لحاظ ضرب و شتم و ترک انفاق خواستارم. پرونده جهت رسیدگی به شعبه چهارم دادیاری ارجاع شده در بازجوئی هایی که از متهم و شاکیه در دادیاری انجام شده شاکیه اظهار داشته که سه الی چهار شب قبل همسرم به منزل آمد و گفت به پسر من که تو باید با من بیایی و نمی خواهم به مدرسه بروی و جلوی ایشان ایستادم و با مشت به دهان من زد و مدتی است که نفقه ما را از برج ۸۵/۳/۳ به بعد نداده است.

متهم در جواب بیان داشته که حدود دو هفته پیش ساعت ۸ شب بود رفتم پسر من را از منزل همسر اولم ببرم که ایشان با من درگیر شد که می خواست من و پسر من را بزند و بعد پایش به شیلنگ آب گیر کرد و افتاد زمین و دهانش خونی شد و آن قدر سر و صدا کرد من بدون اینکه پسر من را ببرم از خانه خارج شدم و در مورد خرجی فقط مال این برج را نریخته ام و قبلاً ماه به ماه پرداخت می کردم. متهم با معرفی کفیل آقای م-د و پرداخت وجه الکفاله به مبلغ سی میلیون ریال آزاد شده است. خانم شاکیه به پزشکی قانونی مراجعه و گواهی

پزشکی قانونی حاکی از آن است که حسب مشاوره تخصصی لقی دندان پیشین ۲ منجر به سیاه شدگی این دندان شده که دیه مقدر دارد، ارش تورم مخاط لب تحتانی به میزان سه هزارم دیه کامل و ارش لقی دو دندان پیشین ۲ به میزان یک درصد دیه کامل و ارش پدیدگی حدود ۳۰٪ مینای دندان پیشین فوقانی راست به میزان یک هزارم دیه کامل تعیین شده است. دادیار شعبه چهارم در وقت فوق العاده در خصوص اتهام آقای (ح-ف) دایر بر ایراد صدمه عمدی و ترک انفاق نسبت به همسرش با توجه به گزارش مرجع انتظامی و شکایت شکلی، اقرار صریح متهم مبنی بر وقوع اصل درگیری، گواهی پزشکی قانون، بزه انتسابی به وی محرز و علی هذا قرار مجرمیت نامبرده صادره مراتب در اجرای بند (ز) و (ک) ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب اعلام نموده و معاون دادستان با قرار صادره موافقت نموده. پرونده به شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزائی نیشابور جهت رسیدگی ارجاع شده است. و صورت جلسه مورخه ۸۵/۶/۱۲ در وقت مقرر متهم و شکایه همان اظهاراتی که دادیاری بیان نموده اند را تکرار کرده اند فلذا دادگاه با ملاحظه جمیع اوراق پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است:

شماره دادنامه: ۱۱۴۴/۱۴۲ - ۸۵/۶/۲۱ موضوع کلاسه پرونده ۸۵/۸۷۵

شعبه ۱۰۱ جزائی نیشابور

رای دادگاه: در خصوص اتهام ح-ف دایر بر ایراد ضرب عمدی و ترک انفاق همسرش خانم شکایه دادگاه با عنایت به کیفرخواست صادره و اتیان سوگند در مورد ایراد ضرب و اقرار متهم در مورد ترک انفاق بزهکاریش را محرز و عملش را با مواد ۳۳۷ و ۴۰۶ و ۴۴۵ و ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی منطبق وی را با رعایت ماده ۲۲ قانون فوق به لحاظ انگیزه جرم به پرداخت مبلغ یک صد هزار ریال جزای نقدی و از باب ایراد ضرب وی را به سه هزارم دیه کامل بابت ارش تورم مخاط تحتانی و به یک درصد ارش تورم مخاط دندان پیشین فوقانی راست و دوسوم از ۵۰ دینار بابت سیاه شدگی و لقی دندان پیش ۲ و به ۲ درصد بابت جراحی لایه مخاط لب تحتانی در حق شکایه خانم ع-ف محکوم می نماید. رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در مراجع تجدید نظر مرکز استان می باشد و محکوم علیه آقای ح-ف در وقت مقرر از دادنامه فوق الذکر تجدید نظر خواهی نموده است و در شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر مورد رسیدگی قرار گرفته است.

شماره دادنامه: ۸۶-۱۷۳۵ موضوع کلاسه پرونده: ۱۶۶۳-۸۵ شعبه ۹ ت

رای دادگاه: در خصوص تجدید نظر خواهی آقای ح-ف نسبت به دادنامه فوق الذکر با نگرش به مطای پرونده و ملاحظه لایحه تجدید نظر خواهی نظر به اینکه میزان دیاتی که در دادنامه بدوی مندرج گردیده کمتر از خمس دیه کامله است و این میزان ذاتاً تجدید نظر پذیر نیست لذا به استناد بند دال از ماده ۲۳۲ ق.آ.د.ک تجدید نظر خواهی وی مردود اعلام می گردد و در خصوص تجدید نظر خواهی وی نسبت به جزای نقدی نظر به اینکه مشارالیه ایراد مؤثر و اعتراض موجهی که موجب نقض دادنامه بدوی گردد ارائه ندارد رای مزبور منطبق با موازین قانونی بوده لذا ضمن رد تجدید نظر خواهی تجدید نظر خواه مستنداً به بند الف از ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک رای معترض عنه را تایید می نماید رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: شرط تحقق جرم ترک انفاق، استطاعت مرد است تشخیص استطاعت یا عدم استطاعت بر عهده دادگاه است. منظور از استطاعت، توان فعلی است و امکان حصول استطاعت کافی نیست. و جرم ترک نفقه جزء جرائم مستمر است. علیهذا رای دادگاه تجدید نظر مطابق با موازین قانونی و شرعی می باشد.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش
۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده تجدید نظر: ۱۹۴۳/۸۵ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان
خراسان رضوی

کلاس پرونده بدوی: ۷۵۳/۸۵ شعبه ۱۰۱ تربت جام
تجدید نظر خواه: آقایان ۱-ن-ح ۲-ب-ح ۳-ع-ح
تجدید نظر خوانده: گزارش مامورین
تجدید نظر خواسته: شرکت در نزاع جمعی

گردشکار: بر حسب اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر نزاعی در روستای کلاته صوفی واقع در ۴۰ کیلومتر کلانتری ستوانیکم عرب تیموری به محل عزیمت که با بررسی به عمل آمده مشخص شد عده ای از اهالی و ساکن روستای بزد به نام ح-ذ و غیره به داخل منزل شخصی آقای ع-ح حمله ور شده و اهالی خانه را مجروح و مورد ضرب و جرح قرار دادند و همچنین یک رای گوسفند را سر بریدند. بعد از گزارش مامورین شکایت: ز-ب و ح-ن و ع-ح و غیره از متهمان فوق الذکر شکایت نمودند. متفقاً بیان کرده اند که متهمین به منزل ما ریخته و ما را مورد ضرب و جرح عمدی قرار دادند ولی متهمین انکار این قضیه شده اند. طرفین پرونده در کلانتری گذشت نمودند و رضایت داده اند و خواستار مختومه شدن پرونده را دارند. دادیار شعبه اول دادرسی عمومی و انقلاب تربت جام قرار تامین کفالت آقایان ۱-م-ذ ۲-م-ذ ۳-ب-ح ۴-ع-ح ۵-ن-ح را با معرفی کفیل با وجه الکفاله هر کدام ده میلیون ریال را صادر نموده و آقای م-ب ضمانت آقایان فوق الذکر را نموده و دادیار محترم قرار قبولی کفالت وی را صادر و اعلام نموده است. دادیار محترم در مورد شکایت طرفین پرونده علیه همدیگر با توجه به اقرار صریح مشارالیه در جلسه دادرسی و گزارش مرجع انتظامی بزه انتسابی به نامبردگان محرز و مسلم است لذا قرار مجرمیت نامبردگان را صادر و اعلام نموده و از لحاظ جنبه خصوصی با توجه به اینکه شکات و متهمین با همدیگر رضایت خود را اعلام و گذشت نموده اند لذا قرار موقوفی تعقیب نامبردگان صادر شده است و ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه های عمومی جزائی تربت جام می باشد. دادیار اظهار نظر با قرارهای صادره

موافقت نموده و دادیار شعبه اول کیفر خواست متهمین را به شرکت در نزاع دسته جمعی صادرلذا به استناد ماده ۶۱۵ بند ۳ قانون مجازات اسلامی تقاضای مجازات می گردد. پرونده جهت رسیدگی به شعبه ۱۰۱ جزائی ارجاع شده است. دادرسی شعبه ۱۰۱ جزائی تربت جام با توجه به بازجوئیهایی که از متهمین گرفته و محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشاء رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۵۵۴- موضوع کلاسه پرونده ۱۰۱/۸۵/۷۵۳ جزائی

رای دادگاه بدوی: در خصوص اتهام آقایان فوق الذکر دایر به شرکت در نزاع دسته جمعی منجر به ایراد صدمه عمدی بدنی - دادگاه با عنایت به تحقیقات به عمل آمده - کیفر خواست صادره و اقرار صریح متهمین در دادگاه و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده بزهکاری آنان را محرز و مسلم دانسته، مستنداً به بند ۳ ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی و رعایت بند ۵ ماده ۲۲ همان قانون هر یک از متهمین را به پرداخت مبلغ یک میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم می نماید. در خصوص دیه با توجه به اعلام گذشت نسبت به یکدیگر دادگاه خود را مواجه با تکلیف نمی داند. رای صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در محاکم تجدید نظر استان خراسان رضوی می باشد. متهمین پرونده از دادنامه فوق الذکر تجدید نظر خواهی نموده و در لایحه تجدید نظر خواهی بیان نموده اند که به دلیل عدم بضاعت مالی قادر به پرداخت جریمه نمی باشیم. پرونده جهت رسیدگی به شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر ارسال شده و تحت رسیدگی قرار گرفته است و این شعبه با ملاحظه لایحه تجدید نظر خواهی و سایر محتویات پرونده رای صادر نموده است.

شماره دادنامه: ۶۰-۲۰۰۸ موضوع کلاسه پرونده: ۱۹۴۳/۸۵ شعبه ۹

دادگاه تجدید نظر

رای دادگاه تجدید نظر: در خصوص تجدید نظر خواهی آقایان فوق الذکر نسبت به دادنامه مرقومه با عنایت به گذشت شکاه از آنان و اینکه نامبردگان ایراد مؤثر و اعتراض موجهی که موجب نقض دادنامه بدوی گردد ارائه نداده لذا دادگاه ضمن رد تجدید نظر خواهی آنان به استناد تبصره ۲ ماده ۲۲ قانون اصلاح قانون دادگاه های عمومی و انقلاب هر کدام را به پنجاه هزار تومان جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم می نماید رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: جرم نزاع دسته جمعی مقید به حصول شرایط ماده ۶۱۵ است و شرایط این ماده ۱- عمل شرکت کنندگان در نزاع طرفینی باشد. ۲- عمل شرکت کنندگان در منازعه به صورت ضرب و حرج باشد. ۳- منازعه در صورتی است که مجرمان سه نفر یا بیش تر باشد. ۴- این نتایج باید معلول و مسبب منازعه باشد. و اگر این نتایج حاصل نشود ممکن است عمل مرتکب به عنوان شروع در جرم، تعقیب شود. آنچه که از این پرونده استنباط می شود این است که شرایط فوق الذکر در منازعه دسته جمعی تحقق داشته لذا رای منطبق با قانون صادر شده است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش

۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده تجدید نظر: ۱۹۰۹/۸۵ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان

خراسان رضوی

کلاس پرونده بدوی: ۵۰۰/۸۵ دادگاه جزائی میان جلگه

تجدید نظر خواه: آقای م.ر.ر

تجدید نظر خوانده: اولیاء دم مرحوم ق.ک.ک

تجدید نظر خواسته: قتل غیر عمدی

گردشکار: بر اساس گزارش مامورین پاسگاه مبنی بر یک فقره تصادف درسی کیلومتری شرق پاسگاه از روستای باقریه که بر اثر تصادف یک دستگاه خودرو پیکان به شماره پلاک ۱۹۶۶۶ که از سمت جنوب به شمال در حرکت بوده با یک دستگاه موتور سیکلت به شماره پلاک ۹۳۹۹ شاهرود ۷۸ از سمت شمال به جنوب در حرکت بوده به دلایل نامعلومی با یکدیگر برخورد که راکب موتور سیکلت به علت مصدومیت شدید به بیمارستان ۲۲ بهمن نیشابور انتقال و افسر کارشناس فنی از صحنه تصادف بازدید بعمل آورده است و علت اصلی تصادف را ترکیب و تقارن دو خط از سوی هر دو راننده به میزان مساوی نسبت به یکدیگر، انحراف به چپ از سوی هر دو راننده نسبت به همدیگر به میزان مساوی تشخیص داده شد و شاکی (مرحوم ق.ک.ک) به نظریه کارشناس اعتراض نموده رئیس شعبه اول و رئیس حوزه قضائی بخش میان جلگه قرار ارجاع امر به هیئت کارشناسان را صادر نموده و از بین کارشناسان با قید قرعه آقایان ۱- سرهنگ فضلی ۲- سرهنگ حسینی ۳- سرگرد شیبانی بعنوان هیئت کارشناسان انتخاب و نظریه کارشناسان بی احتیاطی از سوی راننده سواری پیکان ۱۹۶۶۶ تهران صی بعلت انحراف به چپ (نقض ماده ۱۲۵ آئین نامه راهنمایی و رانندگی) نسبت به موتور سیکلت تشخیص داده شده است و خود مشتکی عنه هم اتهام فوق را قبول کرده است در این مقطع از دادرسی شاکی فوت می کند. زمانی که شکایت به صورت صدمه بدنی غیر عمدی بوده رئیس شعبه اول قرار کفالت متهم را با وجه الکفاله مبلغ یکصد میلیون ریال صادر نموده وی بعد از اینکه شاکی فوت نموده قرار صادره را تشدید نموده و قرار وثیقه با وجه الوثاق به مبلغ سیصد میلیون ریال صادر نموده و حسین

علی آبادی با سند مالکیت تشددانگ که داره ثبت اسناد آنرا بازداشت نموده ضمانت نموده است. و بعد از فوت خود شاکي، وراث (اوليا دم) ايشان شکايت خود را عليه مشتکی عنه به دادگاه اعلام نموده و تقاضای رسیدگی دارند. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۷۱۱/۱۶ موضوع کلاسه پرونده ۵۰۰/۸۵ ک

رای دادگاه: بزهداری متهم آقای م.ر-رح دائر به قتل غیر عمدی آقای (ق.ک.ک) بر اثر بی احتیاطی در رانندگی - با عنایت به شکايت اوليا دم- تصویر مصدق برگ گزارش معاینه جسد، تحقیقات مقدماتی از جانب مرجع انتظامی- اقرار صریح و منجر متهم و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده محرز و مسلم است. دادگاه به استناد مواد ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۳۰۴ و ۳۱۳ و ۲۹۷ و ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی با لحاظ بند ۵ ماده ۲۲ قانون مرقوم مشار الیه را به پرداخت یک فقره ديه کامل مرد مسلمان در حق اوليا دم مرحوم موصوف و پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی به نفع صندوق دولت (بدل از حبس) محکوم می نماید بدیهی است راجع به اتهام ایراد صدمه بدنی غیر عمدی چونکه به شرح مزبور متهم محکومیت حاصل نموده مستنداً به اصل ۳۷ اساسی و بند الف ماده ۱۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری رای بر برائت متهم در این خصوص صادر می نماید. رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر محاکم تجدید نظر در مشهد می باشد. مشتکی عنه در وقت مقرر از دادنامه فوق الذکر تجدید نظر خواهی نموده و بیان داشته که بنده فردی کارگرم که هیچگونه تمکن مالی ندارم و سابقه کیفری نداشته ام لذا توان پرداخت مبلغ یک میلیون تومان جزای نقدی را ندارم لذا تقاضای تخفیف طبق ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی را دارم. پرونده به شعبه ۹ دادگاه تجدید ارسال شده و تحت رسیدگی قرار گرفته است و با توجه به مفاد لایحه تجدید نظر خواه و سایر دلایل موجود در پرونده مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۹۷۶/۲۸ موضوع کلاسه پرونده ۱۹۰۹/۸۵ شعبه ۹

دادگاه تجدید نظر

رای دادگاه: در خصوص تجدید نظر خواهی آقای م-ر-ر نسبت به دادنامه فوق الذکر به مطاوی پرونده و ملاحظه لایحه تجدید نظر خواهی تجدید نظر خواه به اینکه مشارالیه ایراد مؤثر و اعتراض موجهی که موجب نقض دادنامه بدوی گردد ارائه نداده و لذا ضمن رد

تجدید نظر خواهی تجدید نظر خواه به استناد تبصره ۲ ماده ۲۲ قانون اصلاح قانون دادگاه های عمومی و انقلاب جزای نقدی وی را به پانصد هزار تومان تخفیف و به استناد بند الف ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب رای معترض عنه را تایید می نماید رای صادره قعطی است ضمناً اجرای احکام ایام بازداشت قبلی وی را محاسبه و از جزای نقدی وی کسر نمایند.

نظریه کارآموز: یکی از مواد استنادی دادگاه بدوی ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی است ولی ماده ۲۹۵ دارای ۳ بند می باشد بهتر بود قاضی دادگاه بدوی بندهای این ماده را مرقوم می داشت و همچنین چون قتل غیر عمدی است لذا به استناد بند ب ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی باید قاتل دیه مقتول را ظرف مدت ۲ سال پرداخت نماید ولی این ماده در رای دادگاه بدوی ذکر نشده است. النهایه: رای دادگاه منطبق با موازین قانونی صادر شده است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش

۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده تجدید نظر: ۱۹۳۵/۸۵ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان

خراسان رضوی

کلاس پرونده بدوی: ۱۳۳۴/۸۵ شعبه ۱۳۱ دادگاه عمومی مشهد.

تجدید نظر خواه: آقای ع-ص

تجدید نظر خوانده: آقای ن-ب

تجدید نظر خواسته: ممانعت از حق

گردشکار: تجدید نظر خوانده بعنوان شاکی پرونده بدوی شکوائیه ای بر علیه تجدید نظر خواه (مشتکی عنه) تنظیم و تقدیم دادرسی مجتمع قضائی کامیاب مشهد نموده و اظهار داشته که اینجانب مالک پلاک ۱۳۵۹ فرعی از ۱۸۳ اصلی واقع در سرو ۲۱ کوچه ار ۲۱ پلاک ۷۲ به منظور ایجاد پارکینگ در منزل برای نگهداری از اتومبیل و جلوگیری از هر گونه خسارت اقدام به عقب نشینی درب ورودی منزل نموده ام و با مراجعه به شرکت گاز خواستار جابجایی لوله گاز شده ام ولی همسایه مجاور نه تنها مانع کار ماموران شرکت گاز شده است بلکه خود اقدام به دیوار چینی در جلوی درب ورودی منزل اینجانب نموده و مقداری از کوچه را هم تصاحب نموده است که این مسئله نه تنها مانع از قرار دادن اتومبیل در منزل شده بلکه رفت و آمد را برای ساکنین منزل سخت نموده است لذا تقاضای رسیدگی و تعقیب نامبرده را دارم. پرونده جهت تحقیقات و رسیدگی به دادرسی شعبه ۳۸ دادرسی عمومی و انقلاب مشهد ارجاع شده است. مشتکی عنه (ع-ص) در بازجویی در دادرسی شعبه ۳۸ اقرار نموده و قبول داشته که درب را جلو آورده ام. دادیار محترم قرار تامین کفالت مشتکی عنه را به معرفی کفیل به وجه الکفاله سی میلیون ریال صادر نموده و آقای محمد بنا زاده ضمانت ایشان را با پروانه کسب قبول نموده و دادیار محترم قرار قبولی کفالت را صادر نموده است. دادیار محترم قرار مجرمیت مشتکی عنه را طبق بند «ز» و «ک» ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب اعلام نموده و کیفر خواست تحت شماره ۴۱۱۶ ثبت و صادر شده است. پرونده به شعبه ۱۳۱ دادگاه عمومی مشهد ارجاع شده. شاکی در صورت جلسه ۸۵/۹/۲۹ بیان داشته که به شکایت خود باقی

هستم. و متهم اقرار نموده که درب را جلو آورده ام. دادگاه با ملاحظه جمیع اوراق پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشاء رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۸۴۱ موضوع کلاسه پرونده ۸۵/۱۳۳۴

رای دادگاه بدوی: در خصوص اعلام شکایت شاکی علیه آقای ع-ص مبنی بر ایجاد مزاحمت ملکی و ممانعت از حق از طریق احداث دیواری که مانع ورود اتومبیل به داخل حیاط شاکی می شود که با توجه به اعلام شکایت شاکی و اقرار متهم به احداث دیوار بزهکاری ایشان محرز می باشد لذا دادگاه به استناد ماده ۶۹۰ ق.م.ا و رعایت بند ۵ ماده ۲۲ ق.م.ا متهم را به پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی در حق دولت و رفع مزاحمت و ممانعت از حق محکوم می کند، رای صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در مرجع تجدید نظر مرکز استان می باشد. مشتکی عنه در مهلت مقرر از دادنامه فوق الذکر تجدید نظر خواهی نموده و در لایحه تجدید نظر خواهی بیان داشته که اینجانب مطابق سند مالکیت شماره ثبت ۲۵۴۱۳ مالک ۱/۵ دانگ به مساحت ۲۲۵ مترمربع از ششدانگ یک قطعهزمین به مساحت ۹۰۰ مترمربع می باشم که به طورمفروز و با ابعاد معین مساحت ۲۲۵ مترمربع در تصرف مالکانه بنده است که تمام همسایه ها و مالکین مجاور در همین پلاک ثبتی تصرفات بنده را گواهی نموده اند و ماجرای پرونده به این صورت می باشد که شاکی و همسرش خانم طلعت یآوری در تاریخ ۸۵/۳/۲ مطابق مبیاعه نامه ۰۵۵۱۳ ملک مجاور اینجانب را از مالک ثبتی خانم صغری وطن دوست خریداری نمودند و شروع به تعمیرات ملک نموده اند و در این اثنا به جهت اینکه ملک خود را ماشین رو نمایند. دیوار و درب ملک بنده را تخریب نمودند و با میانجیگری همسایه ها شکایت کیفری علیه شاکی مطرح نکردم و دیوار تخریب شده را مجدداً احداث و ترمیم نموده که شاکی از فرصت استفاده و مبادرت به طرح شکایت نموده است. ۱- عنصر مادی بزه که همان تصرف ملک غیر است در مانحن فیه وجود ندارد در واقع دیوار که قبلاً در ملک خودم بوده را مجدداً احداث و تعمیر نموده ام و ممانعت از حق و یا تصرفی در ملک شاکی نداشته ام.

۲- دادگاه محترم حتی موضوع را به کارشناسی ارجاع نکرده است تا روشن شود که دیوار در ملک بنده است یا ملک شاکی .

شعبه ۹ دادگاه تجدیدی نظر ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

رای دادگاه تجدید نظر: در خصوص تجدید نظر خواهی آقای ع.ص نسبت به دادنامه فوق الذکر با نگرش به مطاوی پرونده و ملاحظه لایحه تجدید نظر خواهی تجدید نظر خواه و انجام مشاوره و حصول موافقت نظر به اینکه اختلاف فی ما بین طرفین حقوقی بوده فاقد وصف جزایی است تجدید نظر خواهی وی وارد است و لذا به استناد بند چهارم از قسمت ب ماده ۲۵۷ ق.آ.د در امور کیفری رای معترض عنه را نقض و به استناد اصل ۳۷ ق. اساسی رای بر برائت تجدید نظر خواه صادر و اعلام می گردد. رای صادره قطعی است و تجدید نظر خوانده ارشاد می گردد تا از طریق محاکم حقوقی اقدام نماید.

نظریه کارآموز: اولاً قاضی محترم دادگاه بدوی بهتر بوده قرار ارجاع امر به کارشناسی صادر می کرد تا محدوده مالکیت شاکی و مشتکی عنه مشخص می شد. ثانیاً: رای دادگاه تجدید نظر مطابق موازین شرعی و قانونی است ولی بهتر بوده به مواد قانونی و شرعی استناد می شد

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش: ۲۰/۸۴-۲

کلاس پرونده تجدید نظر: ۱۹۲۳/۸۵ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان خراسان رضوی

کلاس پرونده بدوی: ۸۵/۱۹۴۳ شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی سرخس

تجدید نظر خواه: آقای ق.ر.

تجدید نظر خواندگان: آقایان ع-م و غیره

تجدید نظر خواسته: تظاهر به وکالت

گردشکار: شاکیان (تجدید نظر خواندگان) پرونده بدوی شکوائیه ای به طرفیت مشتکی عنه (تجدید نظر خواه) تنظیم و تقدیم دادرسی عمومی و انقلاب سرخس نموده و بیان داشته اند که مشتکی عنه (ق.ر) خود را وکیل دادگستری معرفی نموده و به خاطر آزادی ما از زندان با برادرم در مورخه ۸۵/۳/۷ به مبلغ هفتصد و پنجاه هزار تومان قرار داد بسته و نقداً مبلغ دویست و پنجاه هزار تومان در مورخه فوق گرفته تا دادخواست اعسار تنظیم و لایحه دفاعیه بفرستد و پیگیر پرونده ما در دادگاه تجدید نظر استان و تهران باشد و مبلغ پانصد هزار تومان را بعد از حاصل شدن نتیجه پرداخت نمائیم ولی بعد از مدتی پانصد هزار تومان را به علت نیاز گرفتند در عوضش چک صندوق پس انداز قرض الحسنه النصار المجاهدین به شماره ۸۸۴۱۱-۱۷۲ جاری سری الف-۲۶ به مبلغ پانصد هزار تومان به اینجانب ع-م بابت قرار داد ۸۵/۳/۷ دادند و قرار شد که تصویر لایحه و دادخواست را از طریق پست برای ما بفرستد و ایشان گفتند من فرستادم ولی به دست شما نرسیده است در حالیکه حکم پرونده ای که قرار بوده ایشان پیگیری کند از دادگاه تجدید نظر به سرخس ارسال شد و هیچ گونه تقلیل در اعسارم ایجاد نشده و در حالی که پرونده ام در دادگاه تجدید نظر مطرح بوده ایشان در زندان بسته سرخس به سر می برده است. لذا تقاضای رسیدگی را دارم. متهم خودش در بازجوئیهای دادرسی و دادگاه اعتراف نموده است و به خاطر سوابق تظاهر به وکالت و کلاهبرداری در زندان به سر می برد.

اظهارات گواهان شاکی: گواهان متفقاً بیان داشته اند که در منزل احمد اکرمی قرار داد بین مشتکی عنه (ق.ر) و آقایان شاکیان بسته شد و آنچه را که شاکیان در شکوائیه بیان داشته اند را گواهی نموده اند. دادیار شعبه اول دادرسی عمومی و انقلاب سرخس قرار

مجرمیت مشتکی عنه را در اجرای بند «ز» و «ک» ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب اعلام می نماید. دادستان با قرار صادره موافقت نموده است. کیفر خواست صادره شده است. پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی سرخس ارجاع شده است و در بازجوئی متهم - اقرار نموده که تظاهر به وکالت نموده است. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۲۱۱۴ موضوع کلاسه پرونده ۸۵/۱۹۴۳ شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی مشهد.

رای دادگاه بدوی: در خصوص اتهام آقای ق. ر. دایر بر تظاهر به وکالت نظر به محتویات پرونده و تحقیقات معموله و کیفر خواست صادره به شماره ۱۴۴۰ و اظهارات و مدافعات متهم در مرحله دادرسی و دفاعیات وی در جلسه رسیدگی دادگاه به اخذ مبالغی جهت طرح دعوی معترف لیکن قصد خود را اخذ وکالت در توکیل ذکر و با این وجود اولاً اقدامی جهت بهره مندی شکات از وکیل رسمی دادگری نداده و ثانیاً خود شخصاً تظاهر به انجام اقدامی در خصوص دعوی اصلی شکات نموده لذا دادگاه به احراز بدهکاری نامبرده مستنداً به ماده ۵۵ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۱۵ با اصلاحیه های بعدی و لحاظ ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی به جهت تکرار جرم مشابه به وی تشدیداً به تحمل هشت ماه حبس محکوم می نماید رای صادره حضوری و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در دادگاههای مرکز استان می باشد.

در این جلسه از دادرسی خانم فائقه حسینی طباطبایی از طرف مشتکی عنه وکالت خود را اعلام نموده و بیان داشته که دادگاه محترم موکل را محکوم به تظاهر در امر وکالت نموده و مجازات وی را به جهت تکرار تشدید نموده است در حالی که موکل مرتکب این جرم نگردیده و بر فرض هم مرتکب گردیده باشد هنوز مجازات جرم قبلی اجرا نگردیده که مشمول تکرار باشد و همان طور که موکل بیان داشته دخالت در امر وکالت ننموده و کلیه شهود با وی اختلاف داشته لذا تقاضای نقض دادنامه فوق الذکر را دارم. پرونده جهت رسیدگی به شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر ارسال شده و دادگاه با ملاحظه لایحه تجدید نظر خواهی ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۲-۱۹۶-موضوع کلاسه پرونده: ۸۵/۱۹۲۳ شعبه ۹

دادگاه تجدید نظر

رای دادگاه تجدید نظر: در مورد اتهام آقای ق.ر که به اتهام تظاهر به وکالت طی دادنامه ۲۱۱۴ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی سرخس به ۸ ماه حبس محکوم گردیده و در پی تجدید نظر خواهی وکیل وی خانم فائمه حسین طباطبایی دادنامه مذکور طی دادنامه ۱۷۷۸/۱۲۹ این دادگاه تایید گردیده با توجه به ارائه فتوکی دادنامه ۱۷۳۰- شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی سرخس که به همین اتهام به ۶ ماه حبس محکوم گردیده و طی دادنامه ۱۱۸-۸۵/۱/۲۹ شعبه ۴ دادگاه تجدید نظر تایید گردیده است و با توجه به گواهی مورخه ۸۵/۱۱/۲۹ ریاست زندان سرخس که اعلام داشته دادنامه مذکور هنوز اجرایی نشده است و از مورخه ۸۶/۱/۹ به مرحله اجرا در خواهد آمد لذا با توجه به مفاد ماده ۴۸۰ قانون مجازات اسلامی مورد از مصادیق تعدد جرم بوده نه از مصادیق تکرار جرم و این دادگاه با استناد ماده ۱۸۴ ق.آ.د. در امور کیفری با نقض دادنامه فوق الذکر متهم را به ۶ ماه زندان محکوم می نماید رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: قاضی دادگاه بدوی در مورد جرم تظاهر به وکالت به ماده ۵۵ قانون وکالت و اصلاحیه های بعدی مورخه ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ و با لحاظ ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی مشتکی عنه را به تحمل هشت ماه حبس محکوم نموده- با توجه به اینکه جرمهای قبلی مشتکی عنه هنوز اجرا نشده است لذا از مصادیق تعدد جرم است. نه تکرار جرم. لذا نمی توان به ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی استفاده کرد. علیهذا به استناد ماده ۵۵ قانون وکالت و اصلاحیه های بعدی ۱۳۱۵ مشتکی عنه را به تحمل ۶ ماه حبس محکوم نموده لذا رای دادگاه تجدید نظر مطابق با موازین قانونی و شرعی بوده است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش
۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده تجدید نظر: ۱۸۳۹/۸۵ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان
خراسان رضوی.

کلاس پرونده بدوی: ۸۵/۱۴۲۲ شعبه ۱۰۳ جزایی نیشابور.

تجدید نظر خواه: آقای ع-ی

تجدید نظر خوانده: شرکت برق

تجدید نظر خواسته: انشعاب غیر مجاز برق

گردشکار پرونده در دادگاه بدوی: امور برق نیشابور شکوائیه ای علیه آقای ع-ی تنظیم و تقدیم دادستان نموده و بیان داشته که بنا به گزارش مامورین امور برق صورت جلسه تنظیمی آقای مشتکی عنه رأساً اقدام به وصل برق غیر مجاز نموده لذا خواستار اجرای مواد ۶۵۹ و ۶۶۰ و ۶۶۱ قانون مجازات اسلامی و تقاضای مجازات نامبرده را دارم. دادستان رسیدگی به پرونده را به شعبه پنجم دادرسی ارجاع نموده و در آن شعبه تحت رسیدگی قرار گرفته است و نماینده امر و برق آقای محمود فیض در اظهارات بیان داشته که اینجانب بعنوان نماینده امور برق بعلت وصل خود سرانه برق غیر مجاز تقاضای مجازات را دارم. و مشتکی عنه در اظهارات خود بیان داشته که این اتهام را قبول ندارم من این خانه را از مهدوی نسب خریداری نموده ام من خودم معلول می باشم و توانایی این کار ندارم. تقاضای تحقیقات بیشتر جهت عدم تضييع حق را دارم. دادیار شعبه پنجم قرار آزادی متهم به قید معرفی کفیل و پرداخت وجه الکفاله به مبلغ بیست میلیون تا ختم دادرسی و صدور اجرای کامل دادنامه صادر و اعلام نموده ولی متهم جهت آوردن ضامن از دادرسی خارج و متواری گردیده. دادیار شعبه پنجم پس از انجام تحقیقات قرار مجرمیت را به استناد ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی صادر نموده و معاون دادستان نیشابور با قرار صادره موافقت نموده و کیفر خواست به شماره ۱۷۹۸/۱۲۸ ثبت شده و با توجه به اوراق و محتویات پرونده، شکایت نماینده اداره برق نیشابور، دفاعیات بلاوجه متهم، عدم حضور متهم جهت اخذ آخرین دفاع، طبق ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی گناهکار بوده و تقاضای مجازاتش می شود. پرونده به شعبه ۱۰۳ جزائی ارسال شده و در مورخه ۸۵/۵/۲۲ با توجه به ابلاغ

واقعی متهم حاضر نگردیده و شاکی تقاضای مجازات نامبرده را خواستار شده است لذا دادگاه با ملاحظه جمیع اوراق پرونده، ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۹۹۰-۲۴/۵/۸۵ موضوع کلاسه پرونده ۷۴۱/۸۵ ش ۱۰۳

جزائی

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای ع-ی آزاد بلاقید از سوی دادیار محترم دایر بر استفاده غیر مجاز از برق، التفات به شکایت نماینده اداره برق، دفاع بلااثر متهم در دایاری عدم حضور متهم در دادگاه با وصف ابلاغ قانونی - مفاد کیفر خواست و دفاع دادستان از آن، لذا دادگاه به استناد ماده ۱۸۱ ق.آ.د.ک و ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی علاوه بر جبران خسارات وارده به اداره شاکی به تحمل ۵ ماه حبس تعزیری محکوم می شود رای غیابی و ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین دادگاه پس از بیست روز دیگر قابل تجدید نظر خواهی در محاکم تجدید نظر مرکز استان خراسان رضوی است. مشتکی عنه در وقت مقرر از دادنامه فوق الذکر واخواهی نموده و بیان داشته که بنده مقداری معلول جسمی که به محض اینکه ملک را خریداری کردم پیگیری خریدار امتیاز برق شدم و فعلاً بدون مجاز وصل است در هر حال با رعایت اوضاع و احوال استدعای رسیدگی دارم. دادگاه با توجه به اظهارات مشتکی عنه ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۳۳۱-۱۳/۷/۸۵ موضوع کلاسه پرونده ۸۵/۱۴۲۲ شعبه

۱۰۳ جزائی.

رای دادگاه: واخواهی آقای ع-ی از دادنامه فوق الذکر که در آن به اتهام استفاده غیر مجاز از برق به صورت انداختن سیم بر روی کابل بدون داشتن حق انشعاب وارد نیست لذا ضمن رد واخواهی وی دادنامه معترض علیه که در آن متهم به پنج ماه حبس تعزیری و پرداخت خسارت وارده محکوم گردیده عیناً تایید و استوار می گردد در صورت تحصیل رضایت اداره شاکی متهم می تواند تقاضای تخفیف در مجازات نماید رای صادره حضوری و ظرف بیست روز از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم تجدید نظر مرکز استان خراسان رضوی است. مشتکی عنه از رای دادگاه فوق الذکر تجدید نظر خواهی نموده و

پرونده به شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان خراسان رضوی ارجاع شده و تحت رسیدگی قرار گرفته و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۴۶۹/۱۷۰ موضوع کلاسه پرونده ۸۵/۱۳۷۱ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان خراسان رضوی.

رای دادگاه: در خصوص تجدید نظر خواهی آقای ع-ی از دادنامه شماره ۱۳۳۱-

۸۵/۷/۱۰ صادره از شعبه ۱۰۳ دادگاه جزائی شهرستان نیشابور که به موجب آن نامبرده به اتهام استفاده غیر مجاز از برق روستایی برای منزل ابتیاعی خود مالابه تحمل پنج ماه حبس تعزیری محکومیت یافته است با نگرش به محتویات پرونده معترض مدعی است که برق وصل بوده و منزل را به همین حالت خریداری نموده و مورد استفاده قرار داده است و متوجه غیر مجاز بودن برق انشعابی نگردیده است و جرم را به متصرف و مالک قبلی نسبت داده در حالی که مالک قبلی در دادگاه ادای شهادت داده که وفق قولنامه مستند منزل را بدون انشعاب برق به وی فروخته و لکن قبل از معترض هم به عنوان سکونت از منزل استفاده نموده است. علی هذا ادعای معترض متکی به دلیل نیست و رای دادگاه عمومی از نظر احراز مجرمیت وی خالی از ایراد و اشکال است النهایه نظر به وضع خاص و معلولیت معترض و عدم سابقه اش و اینکه مدتی است نسبت به خریداری انشعاب مجاز اقدام نموده است فلذا حکم صادره اقتضای تعدیل و تخفیف را دارد که به استناد تبصره ۲ ماده ۲۲ اصلاحیه قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب معطوف به مواد ۲۲ و ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی (بدل از حبس) محکوم می گردد و ضمن رد تجدید نظر خواهی رای به تایید دادنامه معترض عنه با اصلاح بعمل آمده صادر و اعلام می گردد رای صادره قطعی است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش

۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده تجدید نظر: ۸۵/۱۸۸۰ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان

خراسان رضوی

کلاس پرونده بدوی: ۲۰۵۸/۸۵ شعبه ۱۲۴ دادگاه عمومی مشهد.

تجدید نظر خواه: آقای ع-ح

تجدید نظر خوانده: آقای ح-م

تجدید نظر خواسته: چک بلامحل

گردشکار: تجدید نظر خواه بعنوان شاکی پرونده بدوی شکوائیه به طرفین تجدید نظر خوانده (مشتکی عنه) دائر بر صدور یک فقره چک به شماره ۴۶۹۶۶۲ به تاریخ ۸۳/۲/۲۵ به مبلغ ۱۵۹۰۰۰۰۰ ریال عهده بانک سپه شعبه رضا شهر مشهد تنظیم و تقدیم دادرسی عمومی و انقلاب مشهد نموده. و لیکن با مراجعه به بانک محال علیه به علت کسر موجودی منجر به صدور گواهینامه عدم پرداخت گردیده و تا کنون بلا پرداخت مانده است. لذا طبق ماده ۳ و ۷ و ۲۲ قانون چک بلامحل تقاضای رسیدگی و تعقیب نامبرده را دارد معاون دادرسی عمومی و انقلاب مشهد عیناً جهت تحقیقات مقدماتی و تحصیل دلایل و اعلام نتیجه فوری به پاسگاه انتظامی محل ارسال نموده. شکای در برگ بازجویی در نیروی انتظامی بیان داشته که مشتکی عنه مقداری برنج از من خریداری نموده که مبلغی به صورت نقد بقیه را چکی داده که بعد از مراجعه به بانک در حساب ایشان پول نبوده است و چک برگشت خورده است و مشتکی عنه در برگ بازجویی بیان داشته که اینجانب چک را از بابت وجه فاکتور شماره ۳۰۷۸ به طور وعده دار صادر نموده ام و نیز قرار بوده قبل از سر رسید چک ایشان چک را به طور تقسیط در حد استطاعت اینجانب دریافت نماید. مشتکی عنه از دادیار شعبه ۳۲ دادرسی عمومی و انقلاب مشهد تقاضای مهلت جهت پرداخت وجه چک نموده لذا دادیار محترم قرار آزادی وی را مقید به التزام حضور به موقع در دادرسی و دادگاه با وجه التزام به میزان وجه چک صادر نموده است. دادیار محترم قرار مجرمیت مشتکی عنه را با توجه به صدور گواهینامه عدم پرداخت از سوی بانک محال علیه و اقرار متهم بر بدهکاری خود صادر و معاون دادستان با قرار فوق الذکر موافقت نموده لذا

کیفر خواست تحت شماره ۹۷۲ ثبت و صادر شده است و تقاضای اعمال مواد ۳ و ۷ قانون صدور چک را نموده است. پرونده به شعبه ۱۲۴ دادگاه عمومی مشهد ارجاع شده است. متهم در جلسه دادرسی حاضر نشده است. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است - دادگاه در دادنامه شماره ۱۶۷/۱۴۱۱ موضوع کلاسه پرونده ۸۳/۱۳۸۰ با توجه به شرح کیفر خواست صادره و شکایت شاکی و وجود اصول مستندات در ید ایشان و گواهی عدم پرداخت چک از ناحیه بانک محال علیه اتهام وی را محرز و متهم تشخیص داده به استناد بند ب ماده ۷ قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب شهریور ماه ۱۳۸۲ به تحمل یک سال حبس محکوم می نماید رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در محاکم تجدید نظر استان خراسان رضوی می باشد. مشتکی عنه در مهلت مقرر در قانون از دادنامه فوق الذکر وخواهی نموده است و در جلسه دادرسی اظهار داشته که چک بابت خرید برنج است و برای ۴۵ روز بعد چک را دادم. دادگاه ختم رسیدگی را اعلام نموده و مبادرت به انشاء رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۳۳/۲۲۰۲ موضوع کلاسه پرونده: ۸۵/۲۰۵۸ شعبه ۱۲۴

دادگاه عمومی جزائی مشهد

رای دادگاه بدوی: به موجب رای غیابی شماره ۱۶۷/۱۴۱۱-۸۳/۱۲/۲۷ این شعبه آقای ح-م به اتهام صدور یک فقره چک بلامحل به شماره ۱۷۱/۴۶۹۶۶۲-۸۳/۲/۲۵ از حساب جاری شماره ۴۸۲۳/۵۹ بانک سپه شعبه رضاشهر مشهد به مبلغ پانزده میلیون و نهصد هزار ریال که به تحمل یک سال حبس تعزیری محکوم شده است متهم از رای صادره تقاضای وخواهی نموده است در متن رای مذکور اشتباهاً رای حضوری اعلام شده که بدین وسیله رای مذکور غیابی اعلام و تصحیح می گردد، وخواه در مقام وخواهی اعلام نموده است که چک مذکور وعده دار و بابت خرید برنج به مدت چهل و پنج روز بعد از تاریخ صدور چک موضوع فاکتور شماره ۲۰۷۸ صادر گردیده است وخواننده اظهار داشته قبول دارم چندین فقره چک داده و مدام چک ها را تعویض کرده است لیکن فقط پنج میلیون و پانصد هزار تومان طلب دارد دادگاه با عنایت به مفاد حکم غیابی و نظر به تقاضای وخواهی متهم و ملاحظه متن چک مورد دعوا و اقرار وخواننده در دادگاه حکایت از تقدم تاریخ صدور چک به تاریخ سررسید دارد. دادگاه به استناد بند هـ از ماده ۱۳ قانون اصلاح قانون صدور

چک مصوب شهریور ۱۳۸۲ ضمن نقض رای غیابی مذکور رای بر برائت متهم از اتهام منتسبه صادر می نماید این رای حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در محاکم تجدید نظر استان خراسان رضوی می باشد. شاکی پرونده از دادنامه فوق الذکر تجدید نظر خواهی نموده و در لایحه تجدید نظر خواهی بیان داشته که و اخواه محترم چک مذکور را بابت معامله برنج صادر نموده است ولی چک مذکور به هیچ عنوان (با توجه به قانون جدید چک) وعده دار نبوده و پس از دریافت مستقیماً به بانک مراجعه شده و با کسر موجودی واجه شده است لذا چک وعده دار نبوده است در ثانی در قانون چک ماده ۱۳ صراحتاً بیان شده هرگاه در متن چک وصول وجه منوط به تحقق شرطی یا تضمین یا امانت یا تعهد و معامله ای باشد لیکن آقای مؤذنی اصله مدارکی دال بر معامله مدت دار یا تضمین به دادگاه ارائه ننموده و صرف متن چک بدون آوردن مدرک و دلیل بر مدت دار بودن چک نبوده است لذا نقض رای دادنامه فوق الذکر را دارم.

دادگاه ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۹۶۸/۲۰ موضوع کلاسه پرونده ۸۵/۱۸۸۰ شعبه ۹

دادگاه تجدید نظر

رای دادگاه تجدید نظر: رای دادگاه با توجه به محتویات پرونده و اظهارات طرفین در دادگاه بدوی و مفاد لایحه معترض در مقام تجدید نظر خواهی از حیث رعایت مبانی قانونی ایرادی بر دادنامه صادر وارد نبوده و این دادگاه به استناد ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری با رد اعتراض رای بدوی و تایید می نماید رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: آن قرارهایی که می توان نسبت به جرائم مربوط به چک بلامحل صادر کرد طبق ماده ۱۸ اصلاحی قانون صدور چک ۱۳۸۲ یکی از قرارهایی تامین کفالت یا وثیقه می باشد در حالی که در این پرونده دادیار محترم شعبه ۳۲ دادرسی عمومی و انقلاب مشهد قرار التزام به حضور در محاکم با تعیین وجه التزام به مبلغ وجه چک صادر نموده است. و از طرفی معاون دادستان با قرار صادره موافقت نموده است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش
صفحه ۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده تجدید نظر: ۱۹۷۴/۸۵ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان
خراسان رضوی

کلاس پرونده بدوی: ۲۱۴۳/۸۵ شعبه ۱۱۲ دادگاه عمومی جزائی مشهد

تجدید نظر خواه: آقای م-ک

تجدید نظر خواندگان: آقایان ۱- م ۱- ۲- ر س ۳- ج م

تجدید نظر خواسته: شرب خمر - اعتیاد - توهین

گردشکار: تجدید نظر خواندگان بعنوان شاکیان پرونده بدوی شکایتی علیه تجدید نظر خواه (مشتکی عنه) تنظیم نموده و با این توضیح که من راننده کامیون حمل نوشابه بودم و دو نفر کارگر در حال تخلیه نوشابه بودند که فردی با نام م-ک در حالی که مشروب خورده بود و حال طبیعی نداشت با سر به بینی من زد که بینی من شکست و توهین کرد و با چاقو تهدید کرد. مشتکی عنه در بازجویی که در داسرا اقرار کرده که مقداری مشروب خوردم و حدود یک هفته قبل هزار تومان تریاک مصرف کرده و اگر هم باشد شاید حدود ۵۰۰ تومان یا هزار تومان تفریحی مواد مصرف بکنم و شاکیان پرونده را زدم و با چاقو تهدید نمودم و با سر به بینی ایشان زدم. دادیار شعبه ۱۶ داسرای عمومی و انقلاب مشهد قرار تامین وثیقه متهم را با وجه الوثاق سی میلیون ریال صادر نموده و آقای رضا قرائی درخواست وثیقه نموده و اداره ثبت پلاک مورد نظر را بازداشت نموده است لذا دادیار محترم قرار قبول وثیقه را صادر کرده است. دادیار محترم شعبه ۱۶ داسرای عمومی و انقلاب مشهد در خصوص شکایت شاکیان (تجدید نظر خواندگان) علیه مشتکی عنه (تجدید نظر خواه) دائر به توهین و ایراد ضرب عمدی و تهدید با چاقو و شرب خمر و استعمال مواد مخدر دادیاری با توجه به مواجهه حضوری بین احراز شاکیان (ایزدی) و متهم اقرار مکرر متهم نسبت به موضوع توهین و تهدید با چاقو و شرب خمر و استعمال مواد مخدر عقیده به مجرمیت دارد و نسبت به موضوع ایراد ضرب عمدی به سه نفر شاکی و توهین به آقایان سجاد پور و مهدی پور که جهت طرح شکایت نیز حاضر نشده اند و

گواهی پزشکی قانونی نیز ارائه نشده است به جهت عدم کفایت دلیل مستنداً به بند الف ذیل ماده ۱۷۷ ق.آ.د. در امور کیفری و بند «ک» ذیل ماد ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱ قرار منع تعقیب صادر و اعلام می دارد. قرار صادره ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ از ناحیه شاکی خصوصی قابل اعتراض در دادگاه عمومی جزائی است. دادیار اظهار نظر با قرارهای صادره فوق الذکر موافقت نموده و کیفر خواست با شماره ۵۸۶۴ مورخه ۸۵/۹/۲۸ صادر و طبق مواد ۶۰۸-۶۱۹-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۸-۱۷۴-۱۷۶ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۹ اصلاحی مواد مخدر درخواست مجازات نموده است. پرونده به شعبه ۱۱۲ دادگاه عمومی جزائی مشهد ارجاع شده است. در جلسه ۸۵/۱۰/۲۷ شاکیان از مشتکی عنه گذشت و اعلام رضایت نموده اند. دادگاه با ملاحظه جمیع اوراق پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۲۴۴۹-۲۴- موضوع کلاسه پرونده: ۲۱۴۳-۸۵ ش ۱۱۲ دادگاه عمومی مشهد.

رای دادگاه بدوی: در خصوص اعلام شکایت آقایان ۱-م. ۱- ۲- ر.س ۳- ج.م علیه آقای م.ک دائر به توهین به ایشان با عنایت به اعلام گذشت و رضایت شکات به شرح صورت جلسه دادگاه مورخ ۸۵/۱۰/۲۷ و مستنداً به م.ق.آ.د.ک قرار موقوفی تعقیب صادر و اعلام می گیرد و در مورد اتهام دیگر متهم دائر به تهدید با چاقو صرف نظر از اعلام گذشت و رضایت شکات و به لحاظ فقد دلیل کافی و مستنداً به اصل برائت و اصل ۳۷ قانون اساسی متهم را در این قسمت تبرئه اعلام و در مورد اتهام دیگر وی دائر به شرب خمر و استعمال مواد مخدر با عنایت به کیفر خواست واصله، گزارش مرجع محترم انتظامی، شکایت اولیه شکات، اقرار مکرر متهم بزه های انتسابی محرز فلذا مستنداً به مواد ۱۶۵-۱۶۸-۱۷۴ و با رعایت ماده ۱۷۶ ق.م.ا متهم را به تحمل هشتاد ضربه تازیانه بعنوان حد بابت شرب خمر و مستنداً به م ۱۹ اصلاحی قانون مبارزه با مواد مخدر و با رعایت م ۲۲ همان قانون به لحاظ جوانی و عدم سابقه نامبرده و جلب رضایت شکایت اصلی پرونده و ادعای ترک استعمال مواد نامبرده را به پرداخت دو مورد پانصد هزار ریال مجموعاً یک میلیون ریال جزای نقدی به صندوق دولت با احتساب ایام بازداشت به لحاظ استعمال مواد مخدر محکوم می نماید. رای صادره حضوری و نسبت به مواد مخدر قطعی است و نسبت به سایر موارد ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در محاکم محترم تجدید نظر

استان خراسان رضوی می باشد. محکوم علیه پرونده از دادنامه فوق الذکر تجدید نظر خواهی نموده و بیان داشته که من آنچه در دادیاری گفته ام خوردن ماءالشعیر بود نه شرب خمر و با توجه اینکه معتاد نیستم لذا تقاضای تجدید نظر خواهی می نمایم. پرونده به شعبه نهم دادگاه تجدید ارسال تا مورد رسیدگی قرار گیرد. دادگاه تجدید نظر بنا ملاحظه اوراق پرونده بدوی و لایحه تجدید نظر خواهی ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۸۴-۲۰۳۲ موضوع کلاسه پرونده و ۱۹۷۴/۸۵ ش ۹

تجدید نظر

رای دادگاه تجدید نظر: در خصوص تجدید نظر خواهی آقای مشتکی عنه نسبت به دادنامه فوق الذکر با نگرش به مطاوی پرونده و ملاحظه لایحه تجدید نظر خواهی - تجدید نظر خواه نظر به اینکه مشارالیه ایراد مؤثر و اعتراض موجهی که موجب نقض دادنامه بدوی گردد ارائه نداده و رای مزبور منطبق با موازین قانونی بوده لذا ضمن رد تجدید نظر خواهی تجدید نظر خواه مستنداً به بند الف از ماده ۲۵۷ ق.آ.د در امور کیفری رای معترض عنه تایید می نماید رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: مشتکی عنه در دادیاری و دادگاه اظهار داشته که مشروب استفاده کرده ام ولی در لایحه تجدید نظر خواهی بیان داشته که آنچه من گفته ام ماءالشعیر بوده است و حرفی از مشروب نبرده ام قانونگذار در مورد انکار پس از اقرار به شرب خمر سکوت کرده است. به نظر می رسد می توان با استفاده از ملاک ماده ۷۱ و قواعدهای اقرار - حکم به عدم سقوط مجازات داد هر چند برخی از فقها مجازات را ساقط می دانند.

نام و نام خانوادگی کار آموز: **غلامرضا صادقیان** شماره پرونده آموزش
۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده تجدید نظر: ۱۷۴۱/۸۵ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان خراسان رضوی

کلاس پرونده بدوی: ۷۸۳/۸۵ شعبه ۱۳۰ مشهد

تجدید نظر خواه: آقایان ۱- ح. ط ۲- ی. ط

تجدید نظر خوانده: آقای ح-ن

تجدید نظر خواسته: جعل مهر شرکت

شاکی آقای (ح-ن) شکوائیه ای علیه مشتکی عنهما (آقای ح. ط و ی. ط) دائر بر جعل مهر شرکت تنظیم و به دادسرا عمومی مشهد تقدیم می کند و پرونده در شعبه ۴۲ دایاری تحت رسیدگی قرار می گیرد و با بررسی اصداد پرونده و بازجوئیهای متهم و شاکی دادیار قرار منع پیگرد و متهمین صادر می کند و دادستان با آن موافقت می کند ولی وکیل شاکی در مهلت مقرر نسبت به این قرار اعتراض می کند و در شعبه ۱۳۰ دادگاه عمومی جزائی مشهد تحت رسیدگی قرار می گیرد.

لایحه وکیل شاکی: ۱- طبق نظر کارشناس و اقرار متهمین دائر بر جعل مهر، جرم محرز بوده و از ناحیه متهمین صورت گرفته است. ۲- سوء استفاده از سربرگ شرکت و خارج نمودن مدارک از ثبت شرکتها و همچنین استفاده از مهر در این امر و بستن قرار داد با شرکت برق اولاً طبق اساسنامه شرکت و آگهی تاسیس آن مورخه ۸۱/۵/۳۰ آقای (ی-ط) جزء اعضا اصلی شرکت نبوده بلکه طبق بند ۱۱ اساسنامه بعنوان بازرس شرکت برای یک سال انتخاب و طبق آگهی تغییرات شرکت در مورخه ۸۲/۵/۲۱ خانم قهرمانلو به سمت بازرس انتخاب شده و موارد جعل و استفاده از سربرگ و خارج نمودن مدارک از ثبت در ۸۳/۵/۲۶ می باشد. لذا تقاضای نقض قرار مذکور و محکومیت متهمین به جعل مهر و استفاده از سربرگ شرکت مورد استدعا است.

دادگاه با ملاحظه لایحه اعتراضیه وکیل شاکی و اوراق پرونده مبادرت به صدور رای نموده در رای خود بیان داشته با عنایت به نظریه کارشناسی مورخ ۸۳/۱۱/۷ مبنی بر اینکه اثر مهر منعکس در ذیل یک برگ نامه شماره ۱۲۴ /ن-ز با آثار مهر اصلی شرکت دارای اختلافات

زیادی بوده و مطابقت ندارد و با توجه به اظهارات مشتکی عنهما به استفاده از آن و عدم ارائه دلیل مبنی بر ساخت مهر به تعداد ۲ عدد و اینکه مطابق اساسنامه - کلیه اوراق رسمی شرکت با امضاء رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل و مهر شرکت معتبر بوده. لذا ضمن فسخ قرار معترض علیه، پرونده عیناً جهت انجام تحقیقات و سایر اقدامات به دادسرا اعاده شده است. متهمین در بازجوییهای خود بیان داشته اند که ما مهر شرکت را جعل نکرده ایم. دادیار محترم قرار تامین کفالت متهمین را با وجه الكفاله برای هر کدام سی میلیون ریال صادر نموده و قرار کفالت وی مورد قبول واقع شده است. بعد از تفحص و بررسی قرار مجرمیت متهمین دائر به جعل و استفاده از سند مجعول صادر شده است و دادیار اظهار نظر موافقت خود را اعلام نموده. و کیفر خواست تحت شماره ۱۶۳۰/۴۵ صادر شده است.

لایحه متهمین: طبق مندرجات موجود در اساسنامه - رئیس هیئت مدیره از جمله افرادی است که قانوناً می تواند از مهر شرکت استفاده نماید مضافاً اینکه در ابتدای ساخت دو مهر برای شرکت یکی از مهر ها در اختیار آقای ح-ن قرار گرفته و دیگری در اختیار مسئولین ذی صلاح می باشد. پرونده به علت تخصصی بودن به کارشناس ارجاع شده و کارشناس بیان داشته که ۱- خطوط و امضاء یک برگ استعفا نامه در مقایسه با خطوط و امضائات استکتابی آقای ح-ط دارای اختلافات زیادی بوده و مطابقت ندارد ۲- خطوط یک برگ استعفا نامه در مقایسه با خطوط مسلم الصدور و متعاونی آقای م-ط دارای اختلافات زیادی بوده و مطابقت ندارد. ۳- اثر مهر منعکس در ذیل یک برگ نامه شماره ۱۳۴/ن.ز به تاریخ ۸۳/۵/۲۴ با آثار مهر منعکس در یک برگ نمونه های مأخوذه- از حیث اندازه، قالب و نحوه قرار گرفتن حروف و کلمات دارای اختلافات زیادی بوده و مطابقت ندارد.

شماره دادنامه: ۸۷۳-۸۹ موضوع کلاسه پرونده ۸۵/۷۸۳ شعبه ۱۳۰

دادگاه عمومی جزائی مشهد

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای ح-ط و ی-ط هر دو آزاد به قید معرفی کفیل دائر به شرکت در جعل مهر شرکت تعاونی کشاورزی و دامپروری کیاناطوس و استفاده از آن در سربرگ شرکت به منظور ارائه به اداره ثبت شرکت ها- با توجه به شکایت آقای ح-ن و ملاحظه نظریه کارشناسی در پرونده کلاسه ۳۲۸-۱۳۰/۸۵ پیرامون نقش مهر منتسبه شرکت در ذیل نامه شماره ۱۲۴-ن-ز ۸۳/۵/۲۴ و با توجه به کیفر خواست صادره و اقاریر متهمین و سایر مدافعات بلاوجه و بدون دلیل آنان بزه انتسابی به نامبردگان محرز و به استناد مواد

۴۷ و ۴۲ و ۵۲۳ و ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی و رعایت بند ۲ ماده ۳ اصول برخی از درآمدهای دولت مجموعاً هر یک از مجرمین موصوف را به پرداخت مبلغ پانصد هزار ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم می نماید رای صادره حضوری و ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در محاکم تجدید نظر استان خراسان رضوی می باشد. مشتکی عنهما از رای فوق الذکر تجدید نظر خواهی نموده اند و در لایحه تجدید نظر خواهی بیان داشته اند. ۱- مهر مورد نظر قانونگذار در ماده ۵۲۳ ق.م.ا مهر ثبت شده می باشد چرا که مهر های ثبت شده از طریق روزنامه رسمی منتشر می گردد و اصل برآگاهی افراد می باشد و اگر صرف تهیه مهر مجرم باشد امکان دارد با توجه به اینکه اکثر مهرهای تهیه شده به ثبت نرسیده اشخاص متعددی مبادرت به تهیه مهر مشابه نمایند لذا مطلق مهر را نمی توان جرم تلقی نمود. رسیدگی به شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر ارجاع شده و دادگاه پس از ملاحظه لایحه تجدید نظر خواهی مبادرت به صدور رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۳/۱۸۱۳ موضوع کلاسه پرونده ۸۵/۱۷۴۱ شعبه نهم

دادگاه تجدید نظر

رای دادگاه: در خصوص تجدید نظر خواهی آقایان ح-ط و ی-ط نسبت به دادنامه فوق الذکر با توجه به اختلاف شدید مالی بین تجدید نظر خوانده و تجدید نظر خواهان و احتمال صحت اظهارات آنان که مهر توسط خود تجدید نظر خوانده تحویل آنان شده با عنایت به اینکه مهر شرکت مهر ثبت شده نبوده و این اقدام آن ها فقط جهت استعلامی بوده که اداره ثبت میزان سهام هر یک از آن ها را اعلام فرمایند و این عمل نه احراز به غیر است و نه احراز به تجدید نظر خوانده علی هذا تجدید نظر خواهی آنان وارد بوده و به استناد بند چهارم از تحت ب بند الف از ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک رای بدوی را نقض و به استناد اصل ۳۷ قانون اساسی رای بر برائت آنان صادر اعلام می گردد رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: عناصر تشکیل دهنده جرم جعل و تزویر ۱- رکن قانونی جعل و تزویر ۲- عنصر مادی ۳- احراز به غیر ۴- عنصر معنوی آنچه در این پرونده مداخله شده هیچ گونه ضرری نسبت به طرفین دیده نشده است و از طرفی به نظر کارآموز، اساس جرم جعف ساختن چیزی است که موجب آن بتوان افراد را فریفت و تا آن را به جای اصل بگیرند بنابراین «امکان» به اشتباه انداختن و مشتبه کردن است که بر اساس و پایه جعل را تشکیل می دهد نه شبیه بودن.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش

۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده تجدید نظر: ۱۹۵۸/۸۵ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان

خراسان رضوی

کلاس پرونده بدوی: ۷۵۳/۸۵ شعبه ۱ دادگاه عمومی سروالایت.

تجدید نظر خواه: آقای م.ع.ش

تجدید نظر خوانده: آقای م.ع.ن

تجدید نظر خواسته: جعل سند

گردشکار: ابتدائاً تجدید نظر خواه بعنوان شاکی پرونده بدوی شکوائیه ای بر علیه تجدید نظر خوانده (مشتکی عنه) مبنی بر جعل سند تنظیم با این توضیح که اینجانب یک قطعه زمین واقع در اراضی پیرشهباز در دهستان سروالایت خریداری نموده و مالک می باشم النهایه شخصی به نام م.ع.ن (مشتکی عنه) ضمن ارائه یک فقره سند مالکیت مدعی مالکیت خود بر زمین موصوف شده است که در این رابطه رای شماره ۷۰۴-۸۴/۶/۱۲ نیز صادر گردیده است. علیهذا سند مذکور جعلی بوده و فاقد اصالت می باشد لذا تقاضای تعقیب کیفری نامبرده را دارم. رئیس دادگاه عمومی سروالایت پرونده را جهت تحقیق و صحت و سقم قضیه به پاسگاه عبدالله گیو ارسال تا از متهم و شاکی در محل تحقیق بعمل آید. شاکی در بازجوئی که در کلانتری و در جلسه دادگاه ارائه نموده بیان داشته که عرایضم همان است که در شکوائیه نوشته ام.

مشتکی عنه بیان داشته که سند رسمی دارم زیرا بیش از پنجاه سال است دست من می باشد و با توجه به دادنامه شماره ۷۰۴ مورخه ۸۴/۸/۱۲ شاکی محکوم به خلع ید شده است که آن دادنامه پیوست پرونده می باشد. اقوی دلیل مشتکی عنه در پرونده دادنامه فوق الذکر با شماره ۷۰۴ بوده و این دادنامه حاکی از آن است که مشتکی عنه بعنوان شخص ثالث دعوایی به طرفیت شاکی و دیگران ارائه داده که تحت این دادنامه خلع ید مشتکی عنهم پرونده صادر شده است. دادگاه عمومی سروالایت با ملاحظه دادنامه فوق الذکر و سایر محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام نموده است.

شماره دادنامه ۷۴۵ موضوع کلاس پرونده ۸۵/۷۵۳ ش ۱

رای دادگاه بدوی: در مورد شکایت آقای م.ع-ش به طرفیت آقای م.ع.ن به اتهام جعل سند، با توجه به محتویات پرونده ملاحظه می شود سندی که مورد ادعای جعل شاکی قرار گرفته است سند رسمی می باشد و در پرونده کلاسه ۸۴/۳۰۴ ش ۱ نیز رسیدگی های لازم انجام و به دادنامه شماره ۷۰۴-۸۴/۸/۱۲ صادر گردیده است و نیز توجهاً به اظهارات متهم دلیلی بر توجه اتهام به متهم و نیز دلیلی بر اثبات وقوع بزه وجود ندارد لذا دادگاه باستناد بند الف ماده ۱۷۷ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری قرار منع تعقیب صادر و اعلام می نماید. قرار صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم تجدید نظر مرکز استان می باشد. شاکی پرونده از دادنامه فوق الذکر تجدید نظر خواهی نموده و در لایحه تجدید نظر خواهی خود بیان داشته که در دادنامه مورد استناد دادگاه عمومی سرولایت سنندر سندی مالکیت ارائه شده است که کارشناس در مورد تطبیق زمین با طبیعت نیز نظر داده است. زمین مورد اشعار سند رسمی تجدید نظر خوانده در همسایگی و هم جوار زمین مورد اختلاف می باشد که تجدید نظر خوانده از آقای اسکندر نوری خریداری نموده در حالی که زمین مورد اختلاف را اینجانب از آقای حاج محمود غلامی و حاج اسماعیل غلامی خریداری کرده ام. لذا تقاضای تجدیدنظر خواهی نسبت به دادنامه فوق الذکر و صدور قرار کارشناسی را دارم. پرونده جهت رسیدگی به شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر ارسال شده و تحت نظر قرار گرفته و دادگاه با ملاحظه اوراق پرونده و لایحه تجدید نظر خواهی ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشاء رای نموده است.

شماره دادنامه: ۲۰۱۸/۷۰ موضوع کلاسه پرونده: ۱۹۵۸/۸۵-۹ ت

رای دادگاه تجدید نظر: در خصوص تجدید نظر خواهی آقای م.ع.ش به دادنامه فوق الذکر نظر به اینکه مشارالیه ایراد موثر و اعتراض موجهی که موجب نقض دادنامه بدوی می گردد ارائه نداده و رای مزبور منطبق با موازین قانونی بوده لذا ضمن رد تجدید نظر خواهی تجدید نظر خواه مستنداً به بند الف از ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری رای معترض عنه تایید می نماید رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: به نظر کارآموز اولاً شکایت مطروحه در پرونده مذکور بهتر بوده به صورت حقوقی و با خواسته اثبات مالکیت باشد چون در سند رسمی مشتکی عنه، هیچ گونه جعلی صورت نگرفته و طبق قانون این سند را تنظیم نموده است. ثانیاً از طرفی شاکی

در لایحه تجدید نظر خواهی خود صراحتاً بیان داشته که ملک مورد تنازع با ملک مشتکی عنه در جنب هم قرار دارد لذا تقاضای صدور قرار کارشناسی را نموده تا موقعیت ملک متنازع فیه و ملک مشتکی عنه به طور دقیق مشخص شود. دادگاه تجدید نظر بهتر بود قرار کارشناسی را صادر نماید. النهایه دادگاه رای را منطبق با قانون صادر نموده است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش
۲۰/۸۴-۲:

کلاس پرونده تجدید نظر: ۱۳۲۸/۸۵ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان
خراسان رضوی

کلاس پرونده بدوی: ۱۱۸/۸۴ شعبه ۱۱۵ دادگاه عمومی جزائی مشهد.

تجدید نظر خواه: آقای ح.س.ع با وکالت آقای ع.ت

تجدید نظر خوانده: آقای م.پ

تجدید نظر خواسته: فروش مال غیر

گردشکار: تجدید نظر خواه، در پرونده بدوی به عنوان شاکی شکوائیه ای بطرفیت مشتکی عنه (تجدید نظر خوانده) دائر بر فروش مال غیر تقدیم حوزه قضائی شماره ۴ مشهد نموده و توضیح داده که اینجانب (شاکی) به موجب قولنامه مورخ ۸۲/۳/۱۹ به شماره ۶۸۰۲ یکباب منزل مسکونی از آقای مشتکی عنه (م.پ) خریداری نمودم پس از مدتی اطلاع یافتم نامبرده ملک مالکیتی نداشته و منزل توسط شعبه محترم ۵۹ از طریق مزایده به آقای هاشم دهقان پور واگذار گردیده است و سند به نام نامبرده انتقال و در ۸۲/۱۰/۱۵ به من ابلاغ شده منزل را تخلیه نمایم لذا تقاضای تعقیب مشتکی عنه را دارم. در این مقطع دادرسی متهم متواری شده لذا دادگاه برگ جلب وی را صادر نموده لذا شعبه ۱۱۵ دادگاه عمومی مشهد به علت اینکه شاکی از بدو تشکیل پرونده تا کنون به دادگاه مراجعه نکرده و متهم را معرفی ننموده است علیهذا با وصف مذکور به نظر می رسد که در حال حاضر نامبرده پیگیر شکایت خود نمی باشد لذا قرار ترک تعقیب صادر نموده و ظرف مدت مقرر تجدید نظر خواهی نماید و بعد از این دادگاه طی دادنامه شماره ۸۹۶-۴۴ مورخه ۸۳/۵/۱۱ قرار منع تعقیب متهم را به دلیل عدم احراز بنده به نامبرده صادر نموده. وکیل شاکی آقای سعید توسلی از دادنامه شماره فوق الذکر تجدید نظر خواهی نموده است.

لایحه وکیل شاکی: حسب مندرجات پرونده مشتکی عنه از تاریخ ۸۲/۳/۱۹ اقدام به واگذاری و فروش یک باب ساختمان مسکونی به موکل اینجانب نموده ایندر حالی است که در تاریخ انعقاد و عقد بیع فوق الذکر فروشنده هیچ مالکیتی نسبت به بیع نداشته و از این مهم نیز دقیقاً اطلاع داشته است. چون این ملک از آن پدر مرحومش آقای محمد ابراهیم

پهلوان بوده و به موجب دادخواستی که از سوی برخی از وراث بر علیه یکدیگر از ایشان مخصوصاً متهم حاضر طرح گردیده و منتهی به صدور دادنامه شماره ۶۰۴/۱۴۶ شده است و از تاریخ ۸۰/۴/۲۸ حکم به فروش منزل صادر و متعاقب آن در تاریخ ۸۱/۱۲/۲۰ آقای هاشم دهقانپور به موجب پرونده اجرایی ۴۵/۵۹۰۱۳ برنده مزایده شده و منزل به مالکیت وی درآمده است لذا در تاریخ بیع فروشنده (تجدید نظر خوانده) هیچ مالکیتی نسبت به بیع نداشته و با علم به این موضوع اقدام به فروش آن نموده است لذا نقض دادنامه معترض عنه را دارم. شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر تحت دادنامه شماره ۳۶-۷۶۷ موضوع کلاسه پرونده ۸۳-۹۰۷ با توجه به محتویات پرونده و لایحه اعتراض وکیل تجدید نظر خواه و مستندات آن دادگاه تجدید نظر خواهی را دارد تشخیص و به استناد بند دوم از بند ب ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی کیفری ضمن نقض قرار معترض علیه پرونده جهت بررسی و رسیدگی در ماهیت امر و صدور حکم شایسته به دادگاه صادر کننده قرار ارسال می شود. دادگاه صادر کننده قرار با ملاحظه جمیع اوراق پرونده و ورود به ماهیت دعوا شده و تحت شماره دادنامه ۶۴-۹۷۱ موضوع کلاسه پرونده ۸۳-۱۰۸۱ دادگاه مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی قرار منع تعقیب کیفری متهم را صادر می نماید و بیان داشته که نظر به اظهارات گواه و توضیحات اخیر شاکی چون علم و اطلاع شاکی از وضعیت منزل به نحو مذکور شکایت از اطلاع ضمنی وی از مالکیت همه ورثه مرحوم محمد ابراهیم پهلوان دارد دلیل کافی بر وقوع جرم فروش مال غیر احراز نمی شود. و بار دیگر وکیل شاکی تجدید نظر خواهی نموده و بیان نموده که عنصر مادی فروش مال غیر در دعوی حاضر و در عالم خارج ایجاد شده و مال غیر فروخته شده است. عنصر معنوی نیز یقیناً تحصیل شده (وجود داشته است) چرا که مشتکی عنه ثمن معامله را به نفع خود تصرف کرده و فراری شده است و در شعبه هشتم دادگاه تجدید نظر تحت رسیدگی قرار گرفته است لذا دادگاه فوق الذکر با توجه به لایحه تجدید نظر خواهی با شقوق ب و ج ماده ۲۴۰ ق.آ.د.ک و مستنداً به بند ۲ شق ب ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک دادنامه تجدید نظر خواسته نقض و جهت رسیدگی در ماهیت امر به رای محترم بدوی اعاده می گردد.

پرونده به دادگاه بدوی اعاده شده و تحت رسیدگی قرار گرفته و از ورثه مرحوم محمد ابراهیم جوان بازجوئی به عمل آمده است.

شماره دادنامه: ۹۰۰-۳۵ موضوع کلاسه پرونده ۱۱۸-۸۴ شعبه ۱۱۵ دادگاه

عمومی جزائی مشهد

رای دادگاه بدوی: در خصوص ^{صفحه} آقای سعید توسلی به وکالت آقای ح-ع علیه

آقای م-پ با وکالت خانم زهرا نخعی . . . روش مال غیر با بررسی اوراق پرونده شاکی

اظهار داشته یک باب منزل با پلاک ثبتی ۱۷۵۰ فرعی از ۷۵ اصلی که عرصه آن موقوفه

آستان قدس رضوی است و در مالکیت مرحوم محمد ابراهیم پهلوان بوده از احراز وراث

آن مرحوم (مشتکی عنه) در مورخه ۸۲/۳/۱۹ با سند عادی خریداری البته بعد از تنظیم سند

عادی معلوم شد که منزل متعلق به ورثه مرحوم محمد ابراهیم پهلوان است و فروشنده

احراز ورثه می باشد. ورثه طرح دعوی تقسیم ماترک طرح کرده بودند که شعبه ۵۹ دادگاه

عمومی مشهد طبق حکم شماره ۶۰۴/۱۴۶-۸۰/۴/۲۸ حکم به فروش و تقسیم بها آن بین

ورثه را صادر و اجرائیه هم صادر گردید. چون منزل در تعرفه بود و آقای هاشم دهقانپور

برنده مزایده شده بود من مجبور شدم از برنده مزایده مجدداً منزل را خریداری کنم از

مشتکی عنه شاکی هستم مال غیر را فروخته زیرا ملک متعلق به همه ورثه بوده و بعد از

اینکه آقای هاشم دهقانپور برنده مزایده می شود و مشتکی عنه نسبت به این موضوع آگاهی

پیدا کرد در مورخه ۸۲/۳/۱۹ قبول دارند دفاع نموده اند حضور آقای دهقانپور در اجرای

احکام و اعلام او به عنوان برنده مزایده شده بود برای اینکه اجرای احکام اعلام نموده نمی

توانیم به نام شما سند تنظیم کنیم بایستی شخص غیر از ورثه حاضر شود چون شاکی

مبالغی بدهکار بوده و پول ما را نمی پرداخت ما هم مجبور شدیم آقای دهقانپور را معرفی

کنیم سند به اسم او تنظیم شود هم چنین دفاع نموده است که منزل را همه ورثه به من

فروخته اند و ورثه ادعایی ندارند. دادگاه نظر به اینکه اولاً حسب اظهارات شاکی خصوصاً

توضیحات وی در مورخه ۸۳/۱۲/۵ از مالکیت مرحوم محمد ابراهیم پهلوان اطلاع داشت و

می دانست که فروشنده (متهم) احراز ورثه مرحوم محمد ابراهیم است بنابراین شاکی

خودش با علم و اطلاع از نحوه مالکیت مشتکی عنه در منزل مورد معامله اقدام به خرید

شش دانگ آن با سند عادی نموده است فلذا بدون تنفیذ سایر ورثه این معامله فضولی بوده

و نافذ نیست و در واقع مالکیتی برای شاکی نسبت به شش دانگ منزل بوجود نیامده است و

از طرفی تنظیم سند به نام آقای هاشم دهقانپور بعد از قولنامه مورخ ۸۲/۳/۱۹ مورد استناد

شاکی است. فلذا با توجه به اطلاع شاکی از نحوه مالکیت فروشنده (متهم) مالکیت شاکی

نسبت به کل پلاک با قولنامه استنادی استقرار و ثابت نشده بلکه معامله بین آن ها فضولی بوده که ورثه هم تنفیذ نکرده اند اقدامات بعدی ورثه و متهم و انتقال ملک به آقای هاشم دهقانپور از طریق مزایده و نهایتاً تنظیم سند به اس برنده مزایده که بعد از قولنامه مورخ ۸۲/۹/۱۳ می باشد اثبات وقوع جرم از ناحیه متهم نمی کند بلکه رابطه طرفین حقوقی است اگر شاکی مدعی حقی است می تواند از طریق دادخواست حقوقی اقدام نماید فلذا دادگاه به استناد اصل ۳۷ قانون اساسی حکم بر براءة متهم صادر می نماید رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر می باشد. در این مرحله آقای عباس تقی نژاد وکالت خدو را از طرف شاکی اعلام نموده و تقاضای تجدید نظر خواهی نسبت به دادنامه فوق الذکر نموده و بیان داشته که با توجه به مطالب فوق و تاریخ قولنامه (۸۲/۳/۱۹) مالکیت فوق متعلق به آقای هاشم دهقانپور برنده مزایده بوده نه متعلق به مشتکی عنه و سایر ورثه و مسلم است که ورثه مالکیتی نداشته که معامله فضولی باشد و بحث تنفیذ مطرح گردد و آقای م-پ مال غیر را فروخته و شرائط آن محرز است زیرا آن عنوان کرده مالک است و قولنامه قطعی تنظیم کرده، ملک در تعرفش بوده و وعده تنظیم سند ۴۵ روز را داده است و از طرفی انتقال ملک به آقای هاشم دهقانپور از طریق مزایده قبل از قولنامه (۸۲/۳/۱۹) و معامله با موکل اینجانب صورت گرفته است لذا جنبه فروش مال غیر محرز است. شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه ۶-۱۹۵۴ موضوع کلاسه پرونده ۱۳۲۸/۸۵ ش ۹ تجدید نظر

رای دادگاه: در خصوص تجدید نظر خواهی آقای عباس تقی نژاد به وکالت از ناحیه آقای ح-ع از دادنامه فوق الذکر در مورد شکایت وی از آقای م-پ به اتهام فروش مال غیر حکم به براءة متهم صادر شده با توجه به محتویات پرونده و مفاد لایحه تجدید نظر خواهی ایرادی بر دادنامه صادره وارد نبوده و به استناد ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری با رد اعتراض، رای بدوی را تایید می نماید راس صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: با توجه به اینکه معامله ای که انجام شده معامله فضولی بوده لذا رابطه طرفین حقوقی بوده و باید از طریق دادخواست حقوقی اقامه دعوا می شد لذا رای دادگاه تجدید نظر مطابق با موازین قانونی و شرعی صادر شده است.

صفحه

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش
۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده تجدید نظر: ۹۲۵/۸۵ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان
خراسان رضوی

کلاس پرونده بدوی: ۲۵۲/۸۵ شعبه ۱۱۵ دادگاه عمومی مشهد

تجدید نظر خواه: آقای م.ک-ر با وکالت آقای م.ر-م

تجدید نظر خوانده: خانم ع-پ با وکالت آقای ر-ا

تجدید نظر خواسته: انتقال منافع مال غیر.

گردشکار: تجدید نظر خوانده پرونده که بعنوان شاکیه پرونده بدوی بوده شکوائیه ای علیه مشتکی عنهم ۱-ح-ر ۲-م-ر ۳-ط-ن مبنی بر انتقال منافع منزل به غیر بعنوان رهن به دادستان مشهد تقدیم نموده و جهت رسیدگی به شعبه ۱۰ باز پرسى ارجاع شده است و شاکیه در شکوائیه توضیح داده که اینجانب یک باب منزل را از آقای گل محمد شفافی در دفتر املاک مشتکی عنه ردیف اول خریداری نموده ام و بها و قیمت ثمن معامله را پرداخت کرده ام و منزل در ید مستاجر بوده که قرار شده منزل از ید مستاجر خارج و جهت استفاده خودم تحویل بگیرم و اخیراً متوجه شده ام که مشتکی عنه بدون اذن و اجازه اینجانب منزل را تخلیه و به رهن مشتکی عنهما ردیف سوم قرار داده است و ثمن معامله را به صورت یک میلیون تومان بیعانه دادم و بقیه یعنی ۶ میلیون تومان را بعد از ۱۰ الی ۲۰ روز به بنگاه و فروشنده دادم ولی مشتکی عنهم این موضوع را انکار کرده و توضیح داده که منزل متنازع فیه را شاکیه در بنگاه ما خریداری نموده است و شاکیه یک میلیون تومان بیعانه داد ولی بعد از مدتی چهار میلیون و پانصد هزار تومان داد و بقیه را گفت به رهن بده و از پول رهن مبلغ یک میلیون و پانصد هزار تومان به فروشنده و دوپست هزار تومان به مستاجر قبلی بده و سیصد هزار تومان برای خودت و این کار را در حضور شاهدان انجام داده ام. مشتکی عنهما ردیف سوم در بازجوئیهای خود بیان داشته که من منزل را از بنگاه آقای (م-ر) اجاره کرده ام و خود ایشان قولنامه را نوشت و مبلغ دو میلیون تومان هم به رهن گرفت و در این موقع خود صاحبخانه اصلاً حضور نداشت و خود بنگاهی گفت که من از طرف صاحب خانه وکیل هستم تا منزل را به رهن بدهم و از طرفی قولنامه از طرف موجر امضا نشده

است. بازپرس شعبه ۱۰ در خصوص اتهام آقای م-ر دائر به انتقال منافع منزل غیر با توجه اظهاراتی که بالا گفته شده به استناد بند ک ماده ۳ قانون اصلاحی تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب قرار مجرمیت صادر و در خصوص شکایت خانم شکایه بر علیه آقای ح-ر و خانم ط-ن به لحاظ عدم احراز وقوع کلاهبرداری مستنداً به بند «ک» ذیل ماده ۳ قانون اصلاحی فوق الذکر قرار منع تعقیب صادر نموده و دادیار اظهار نظر با قرارهای صادره موافقت نموده است و پیرو این قرار کیفر خواست مشتکی عنه ردیف دوم به شماره ثبت ۸۵/۲/۱۳/۹۳۸ دائر به انتقال منافع مال غیر طبق ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء به کلاهبرداری و اختلالی صادر نموده و تقاضای مجازات نموده است. پرونده در شعبه ۱۱۵ دادگاه عمومی تحت رسیدگی قرار گرفته است. فروشنده منزل به خانم شکایه آقای گل محمد شفاهی بعنوان گواه اظهار داشته که من یادم هست که خانم شکایه به مشتکی عنه گفت خانه را به رهن بده هر کاری می کنی بکن و پول زمین آقا را درست کن و بده و آقای حسین مفروز هفت آسیا بعنوان گواه اظهار داشته که من در بنگاه مشتکی عنه نشسته بودم که خانم شاکی آمد و گفت منزل مرا به رهن بده. در این مقطع از دادرسی آقای رضا انفرادی وکالت خود را از طرف خانم شکایه اعلام نموده و همان اظهاراتی که شاکی بیان داشته را تکرار نموده و از آخر بیان داشته که تقاضای استماع شهادت شهود را داریم و گواهان خانم شکایه بیان داشته اند که آنچه ما می دانیم این است که مبلغ یک میلیون تومان خانم شکایه بعنوان بیعانه به بنگاه تحویل داده و وقتی من به بنگاه رسیدم دیدم فروشنده پولها را می شمردند و ما هم امضا کردیم دادگاه با ملاحظه جمیع اوراق پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۸۵/۵۹۶ موضوع کلاسه پرونده ۸۵/۲۵۲ شعبه ۱۱۵

دادگاه عمومی جزائی مشهد

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای م-ر دائر به انتقال منافع منزل به غیر موضوع شکایت خانم ع-پ با وکالت آقای ر-ا طبق کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب مشهد و بررسی اوراق پرونده دادگاه نظر به اینکه انتقال منافع منزل ابتیاعی شکایه از طرف مشتکی عنه به خانم طاهره نوری محرز است و خانم طاهره نوری اظهار داشته که فقط یک قولنامه امضا کرده موجر را ندیده و مبلغ را به مشتکی عنه پرداخته است با توجه به اینکه متهم قولنامه ای را ارائه کرده که در آن قولنامه موجر آقای شفاهی بوده و اظهار می

داشت آقای شفاهی هم قرار داد اجاره را امضا کرده ولی از ارائه رونوشت مصدق قرار داد خودداری و اصل قرار داد را هم ارائه نکرده و شکایه کتباً اجازه ای به دادن اجاره منزل نداده فلذا وقوع جرم محرز است به استناد ماده اول قانون راجع به انتقال مال غیر و ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین به ارتشاء و اختلال و کلاهبرداری متهم را به تحمل یک سال حبس و پرداخت مبلغ شش میلیون ریال جزای نقدی معادل ارزش منافع ملک در مدت قرار داد اجاره به نفع صندوق دولت و رد مال به شاکی محکوم می نماید. رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در محاکم تجدید نظر مرکز استان خراسان رضوی است. در این مرحله از دادرسی آقای محمد رضا ملائی وکالت خود را از طرف محکوم علیه به دادگاه ارائه نموده و از دادنامه فوق الذک تجدید نظر خواهی نموده است. وکیل محکوم علیه در لایحه تجدید نظر خواهی توضیح داده: ۱- از تاریخ انعقاد قرار داد خرید تا تاریخ واگذاری منافع به مستاجر بیش از یک ماه می گذرد چرا در این مدت شکایه محترم جهت تحویل منزل و کلید مراجعه ننموده بنظر می رسد اجازه واگذاری به غیر را به موکل داده بوده است. ۲- ذیل قرار داد اجاره به رهن- موکل نام خریدار یعنی خانم پناهی رانوشته چون قرار بوده بعد از اجاره مراجعه و آن را امضا کند که همچنان بدون امضا باقیمانده است. دادگاه با توجه به اظهارات شهود در مرحله تجدید نظر خواهی ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۷۱-۱۸۷۱ موضوع کلاسه پرونده ۹۲۱-۸۵ ش ۹ تجدید

نظر

رای دادگاه: با توجه به محتویات پرونده و دفاعیات متهم در مراحل مختلف رسیدگی و مفاد لایحه وکیل تجدید نظر خواه در مقام تجدید نظر خواهی و اظهارات شهود تعرفه شده از ناحیه معترض در دادگاه تجدید نظر و علی الخصوص اظهارات فروشنده منزل به شکایه که بسیار صادقانه و بی طرفانه به نظر می رسد دلایل توجه اتهام کافی نبوده و این دادگاه به استناد ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری با نقض رای بدوی حکم به برائت متهم آقای م-ر را صادر می نماید رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: رای دادگاه تجدید نظر مطابق با موازین قانونی و شرعی صادر و صحیح می باشد.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا اداقیان شماره پرونده آموزش
صفحه

۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده تجدی نظر: ۸۵/۱۶۹۲ شعبه نهم دادگاه تجدید نظر استان

خراسان رضوی

کلاس پرونده بدوی: ۸۵/۸۹۳ شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری سبزوار

تجدید نظر خواهان: ۱- آقای ا-س و آقایان (ع.ج-ر)

تجدید نظر خوانده: آقای ح-ا

تجدید نظر خواسته: تهدید و فحاشی

گردشکار پرونده در دادگاه بدوی: شاکی شکوائیه ای علیه مشتکی عنه مبنی بر کتک کاری و فحاشی تقدیم دادستان محترم دادگستری نیشابور داده و در توضیح بیان داشته که بنده (شاکی) با اتومبیل وانت میوه فروشی می کنم روز قبل ساعت ۸ شب با اتومبیل وانت خودم بار میوه داشتم جهت فروش به میدان شهید فهمیده رفتم و توفیق نمودم. متعاقب آن مشتکی عنهم آمدند و معترض شدند و نگذاشتند که من در آن محل توقف کنم و مرا کتک کاری و فحاشی نموده و علاوه بر خسارات مالی از ناحیه دست راست و بیضه هایم صدمه دیده ام لذا تقاضای تعقیب و دستگیری نامبردگان را دارم. در پی آن معاون دادستان مرقوم داشته که عیناً جهت بررسی اولیه اخذ اظهارات مطلعین پیرامون موضوع و معرفی مصدوم به پزشکی قانونی و انجام مذاکرات اصلاحی مورد صلح و سازش ذات البین به کلانتری مربوطه ارسال تا اقدام و نتیجه به نظر برسد.

در کلانتری محل آقای ع-ر و آقای ع-ز بعنوان شاهد مطلع متفقاً در اظهارات خود بیان داشته اند که ساعت ۸ شب در محل میدان فهمیده ایستاده بودیم که مشتکی عنهم جر و بحث نمودند و ابراهیم با لگد چند بار به شاکی زد و مردم آن ها را از هم جدا نمودند. پرونده به شعبه دوم دادرسی ارجاع و جهت رسیدگی قرار گرفته است و شاکی در بازجویی خود در شعبه دوم دادرسی بیان داشته که مشتکی عنهما مشترکاً این جانب را مورد ضرب و جرح عمدی قرار دادند و هر دو فحاشی نمودند. پزشکی قانونی به دادیار محترم شعبه دوم

دادسرای عمومی نامه ای ارسال که حسب گواهی پزشکی متخصص معالج نامبرده دچار تجمع خون (همارتروز) در فضای مفصلی بند اول انگشت کوچک دست راست نیز می باشد معاینه مجدد از تاریخ معاینه اولیه به مدت یک ماه تعیین می شود. متهم آقای اس در بازجویی خود بیان داشته ایشان من را زد ولی من ایشان را نزد و فحاشی نکردم. دادسرای عمومی و انقلاب سبزوار قرار آزادی متهم آقای (اس) متهم به شرکت در ایراد صدمه عمدی شاکی در پرونده کلاسه ۸۵/۱۵۶ شعبه دوم دادیاری به قید معرفی کفیل به وجه الکفاله مبلغ ده میلیون ریال از حال تا زمان اجرای حکم صادر نموده تا در صورت معرفی کفیل و صدور قرار قبولی آزاد و الا بازداشت باشد قرار صادره (قرار کفالت) قرار صادره متهم ابلاغ شد اظهار داشت کفیل دارم، متعاقب این پرونده متهم پرونده شکایتی علیه شاکی مبنی بر ایراد ضرب عمدی به دادگاه ارائه نموده است که تحت کلاسه ۸۵/۱۵۹ شعبه دوم دادیاری ثبت و تحت رسیدگی قرار گرفته و در این پرونده شاکی (اس) به پزشکی قانونی مراجعه و پزشک قانونی مرقوم داشته که ۱- شاکی از ناحیه خراشیدگی در ثلث فوقانی بازوی چپ، ۲- کبودی در ران راست مورد صدمه قرار گرفته است. و به علت اینکه هر دو پرونده از مورد یک موضوع است لذا توأمان رسیدگی شده و دادسرای عمومی و انقلاب سبزوار قرار آزادی آقای (ح) متهم به ایراد صدمه عمدی به شاکی به قید معرفی کفیل به وجه الکفاله مبلغ ده میلیون ریال از حال تا زمان اجرای حکم صادر و اعلام نموده تا در صورت معرفی کفیل و صدور قرار قبولی آزاد و الا بازداشت باشد قرار صادره (کفالت) به متهم ابلاغ شده اظهار داشته کفیل دارم معرفی می نمایم و آقای س-ف حاضر شده ضمانت آقای متهم را با ارائه فتوکیپی سند مالکیت نموده و حاضر شده هر گاه که دادگاه محترم نامبرده را خواست وی را حاضر نماید. چون اعتبار کفیل با سند مالکیت ابرازی محرز است لذا قرار قبولی کفالت نامبرده از تن متهم (آقای اس) تا خاتمه رسیدگی و اجرای دادنامه صادر نموده است و مفاد قرار حضوراً به کفیل ابلاغ گردید و متعاقب آن آقای (ا-و) حاضر شده ضمانت آقای ح-ا بعنوان متهم را با ارائه فتوکیپی پروانه کسب نموده لذا شعبه دوم دادیاری قرار قبولی کفالت را صادر نموده و مفاد قرار حضوراً به کفیل ابلاغ گردیده است. در حین رسیدگی به پرونده های قبلی شکایتی از ناحیه شهرداری علیه آقای (ع-د) مبنی بر درگیری به دادستان ارائه نموده و دادستان به شعبه دوم دادیاری ارجاع نموده است و تحت رسیدگی قرار گرفته و آقای حسن دولت آبادی بعنوان نماینده حقوقی شهرداری جهت

شرکت در جلسات دادرسی و ارائه لایحه دفاعیه و ادای توضیحات لازم به شعبه دوم دادیاری معرفی شده است و نماینده شهردار در بازجویی بیان داشته که پرسنل واحد نظارت و کنترل شهرداری در مورخه ۸۵/۲/۳ در حالی که طبق وظیفه قانونی خود در حال گشت زنی در سطح شهر بوده در حاشیه میدان شهید فهمیده یک دستگاه تویوتا را مشاهده که در حال بساط فروش میوه نموده که با حضور مامورین شهرداری و تذکرات داده شده که بایستی حاشیه میدان را ترک نموده رفع سد معبر گردد ولی آقای داوودی و پسرش گستاخانه به سمت پرسنل شهرداری در حالی که فحاشی و توهین می نموده، با چاقو حمله و تهدید نموده اند که با آمدن مامور کلانتری به محل مشارالیه محل را ترک و متواری شده اند لذا تقاضای رسیدگی را دارم. استوار امینی بعنوان گواه شهرداری سبزواری بیان داشته که از طریق بی سیم اعلام کردند به محل رفتم و وقتی رسیدم آقایان داوودی محل را ترک کرده بودند و شفاهاً از مطلعین که آنجا حضور داشتند که بعضاً کسبه بودند گفتند که بچه های شهرداری آمدند و ترازوی داوودی را برداشتند که درگیری شده و آقای جواد داوودی چاقو داشته که مامورین فرار می کردند و فحاشی نیز می کردند. و متهمان همین پرونده به عنوان شاکی از آقای ج-د و غیره می باشند و اظهار نموده اند که از آقایان ابوالفضل حسینی و قربان رحیمی بعنوان فحاشی شاکی و تقاضای رسیدگی دارم و شاهد میوه فروشان دور فلکه هستند و ضمناً متهمان یک سیلی به گوشم زدند و متهمان در بازجویی بیان داشته اند که شکایت شکات را قبول ندارم فحاشی و توهین نکرده ام و آن ها را نزده ام. گواهی پزشکی قانونی تکمیلی آقای ح-ا حاکی از این است که میزان ارش تورم بند اول انگشت کوچک دست راست معادل یک دهم درصد (۰/۱٪) دیه کامل انسان و میزان ارش تجمع خون در فضای اولین مفصل بین بندی انگشت کوچک معادل یک دهم درصد (۰/۱٪) دیده کامل انسان تعیین می شود. میزان ارش تورم پشت دست راست معادل سه دهم درصد (۰/۳٪) دیه کامل انسان تعیین می شود. دادیار شعبه دوم با توجه به جمیع اوراق و محتویات پرونده ختم تحقیقات به شرح ذیل مبادرت به صدور قرار نموده است. در خصوص شکایت آقای (ح-ا) علیه آقایان (ا-س، ج و ع-د) دائر به فحاشی و ایراد ضرب عمدی و ایضاً شکایت آقای (ا-س) علیه آقای (ح-ا) دائر به فحاشی و تهدید و ایراد صدمه عمدی و شکایت آقایان (ع و ج-د) علیه مامورین اجرائیات شهرداری دائر به فحاشی و ایراد صدمه بدنی عمدی و ایضاً شکایت مامورین شهرداری و نماینده شهرداری علیه آقایان (ج

وع-د) دائر به فحاشی و تهدید مامورین با چاقو توسط (ج-د) که حسب محتویات پرونده و تحقیقات بعمل آمده در خصوص اتهام فحاشی و تهدید توسط (ا-س) و همچنین آقایان (د) و (ح-ا) موضوع شکایت متقابل انکار ایشان و فقد ادله اثباتی و مستند به بند ک ذیل ماده ۳ قانون اصلاح- قرار منع تعقیب آنها صادر و اعلام شده اما در خصوص اتهام آقای (ا-س) مبنی بر ایراد صدمه عمدی بدنی آقا (ح-ا) توجهاً به شکایت و گواهی قطعی پزشکی قانونی شاکی و تحقیقات محلی و مؤدای اظهارات شهود و مطلعین و اقرار به درگیری بزه انتسابی به وی محرز و مسلم است لذا قرار مجرمیت نامبرده را صادر و اعلام نموده ایضاً اتهام آقای (ح-ا) مبنی بر ایراد صدمه عمدی آقای (ا-س) توجهاً به شکایت و گواهی پزشکی قانونی شاکی و تحقیقات معموله و مؤدای اظهارات شهود و مطلعین و اقرار به درگیری با متهم بزه انتسابی به نامبرده محرز بوده لذا قرار مجرمیت وی صادر و مراتب را در اجرای بند «ز» و «ک» ماده ۳ قانون مارالذکر اعلام نموده و همچنین آقای (ع-د) به اتهام توهین به مامورین شهرداری حین انجام وظیفه توجهاً به شکایت شهرداری و مامورین مربوطه و تحقیقات معموله و دفاعیات غیر موجه متهم بزه انتسابی به ایشان محرز و ثابت بوده و ایضاً اتهام آقای (ج-د) موضوع شکایت آقای (ح-ا) مبنی بر مشارکت در ایراد صدمه بدنی وی و شکایت مامورین شهرداری از آقای (ج-د) مبنی بر توهین و فحاشی حین انجام وظیفه و تهدید با چاقو و حسب محتویات پرونده و تحقیقات بعمل آمده توجهاً به شکایت آقای (ح-ا) و گواهی پزشکی وی و شکایت شهرداری و مامورین موصوف و تحقیقات معموله و اظهارات شاهد و دفاعیات غیر موجه وی در مورد تهدید با چاقو و اقرارش به توهین و فحاشی به مامورین و درگیری با (ح-ا) بزه انتسابی وی محرز و مسلم است که قرار مجرمیت نامبردگان صادر و مراتب را در اجرای بند «ز» و «ک» ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب اعلام نموده. اما در خصوص شکایت آقایان (ع و ج-د) علیه مامورین سد معابر شهرداری مبنی بر فحاشی و ایراد صدمه عمدی توجهاً به محتویات پرونده و تحقیقات بعمل آمده و اجرای وظیفه در خصوص رفع سد معابر توسط مامورین موصوف و فقد گواهی پزشکی از ناحیه شکات و انکار متهمان به لحاظ عدم کفایت ادله و عدم احراز بزه مستند به بند «ک» ذیل ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب قرار منع تعقیب صادر نموده و قرار منع تعقیب پس از ابلاغ حسب مقررات قابل اعتراض است. قرار صادره به نظر دادستان رسیده و مرقوم داشته با

قرار صادره موافق هستیم. کیفرخواست صادر شده و ۱- اتهام آقای (ح-ا): ایراد صدمه عمدی آقای (ا-س) ۲- اتهام آقای (ا-س): شرکت در ایراد صدمه عمدی (ح-ا) ۳- اتهام آقای (ع-د): توهین به مامورین در حین انجام وظیفه ۴- اتهام آقای (ج-د): شرکت در ایراد صدمه عمدی (ح-ا) و فحاشی و توهین به مامورین شهرداری و تهدید ایشان با چاقو. ذکر شده و لذا طبق مقررات متهم ردیف اول مواد ۴۸۱ و ۴۸۴ متهم ردیف دوم مواد ۴۸۱ و ۴۸۴ و ۴۹۵ متهم ردیف سوم ماده ۶۰۹ و متهم ردیف چهارم مواد ۶۰۹ و ۴۸۱ و ۴۸۴ و ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی درخواست مجازات گردیده است. پرونده بعد از صدور قرارهای مارالذکر جهت رسیدگی به شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزائی ارجاع شده و دفتر وقت رسیدگی را مورخه ۸۵/۶/۲۶ تعیین و به طرفین اصحاب دعوی ابلاغ شده است. در وقت مقرر در جلسه دادرسی از متهمین آقایان (ع-د و ج-د) در دادگاه حضور دارند و شاکی (ا-س) در جلسه حضور ندارد و آقای (ح-ا) حضور ندارد و اخطاریه وی از مرجع ابلاغ اعاده نگردیده است. و نماینده دادستان در جلسه حضور داشته و دادگاه در اوراق مخصوص از نامبردگان تحقیق بعمل آورده است. متهم آقای (ع-د) بیان داشته که دروغ می گویند من قسم یاد می کنم که اصلاً حرفی نزدم چون اگر حرفی بزنم نمی توانم کار کنم و دنبال پسرم کردند. متهم آقای (ج-د) بیان داشته که قبول ندارم بروید تحقیق نمائید من اصلاً چاقو نکشیده ام و با آقای (ح-ا) دعوی نکرده ام و اصلاً چاقو نداشته ام و دست روی قرآن می گذارم که من چاقو نداشته ام با پدرم بودم که میوه فروشی می کردم دروغ می گویند. با توجه به اینکه اخطاریه تعدادی از اصحاب دعوی از مرجع ابلاغ اعاده نگردیده است علی هذا وقت رسیدگی تجدید شده است و وقت تجدید رسیدگی در تاریخ ۸۵/۸/۱ مشخص شده است و متهم آقای (ا-س) اظهار داشته که در حال فروختن میوه به طور سیار بودم و آقای (ح-ا) آمد و جلوی من ایستاد که میوه بفروشد که حرفمان شد گواهی دکتر دارم و از (ح-ا) شاکی می باشم و بحث کردیم و ۲۰ هزار تومان بابت تلف شدن میوه هایش از من گرفت. دادگاه پس از ملاحظه جمیع اوراق پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۸۵/۸/۸/۱۴۲-۳۲ موضوع کلاسه پرونده ۸۵/۸۹۳ ش

۱۰۱ کیفری

رای دادگاه: به موجب کیفرخواست شماره ۲۲۲۳ مورخ ۸۵/۵/۱۸ آقایان ۱-ح-ا متهم است به ایراد صدمه بدنی عمدی به آقای اس-۲- آقای اس-متهم است به مشارکت در ایراد صدمه بدنی به آقای ح-۱- ۳- آقای ع-د- متهم است به توهین به ماموین حین انجام وظیفه ۴- آقای ج-د- متهم است به شرکت در ایراد صدمه عمدی بدنی به آقای ح-۱- و توهین و تهدید با چاقو نسبت به ماموین ۱-۰-۰- که به گزارش و تحقیقات ضابطان از اهل محل و ناظران واقعه و اظهارات یادش ^{صفحه} قام دفاع از اتهام وارد شده و در مقام بیان شکایت و با نگرش به تحقیقات دادرسی و گواهی های پزشکی قانونی و سایر قرائن و شواهد موجود در پرونده و مندرجات قرار مجرمیت و کیفرخواست و با عنایت به شکایت شهردار و اظهارات مامورین شهرداری که در صدد اجرای قانون و انجام وظیفه برای ایجاد نظم و آرامش بوده اند ارتکاب بزه توهین و ایراد صدمه عمدی از سوی متهمان محرز و مسلم است دادگاه به استناد به مواد ۳۰۲ و ۴۸۰ و ۴۸۱ و ۴۸۴ و ۴۸۵ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی حکم به محکومیت متهم ردیف اول به پرداخت نیم درصد دیه کامله بابت حارصه ثلث فوقانی بازوی چپ و یک و نیم دینار بابت کبودی ران راست در حق آقای اس-صادر و محکومیت متهم ردیف دوم و چهارم به پرداخت نیم درصد دیه کامل بابت حارصه خلف ساق چپ و یک و نیم دینار بابت کبودی آن و یک دهم درصد دیه کامل بابت تورم بند اول انگشت کوچک دست راست و یک دهم درصد دیه کامل بابت تجمع خون در فضای اولین مفصل بین بندی انگشت کوچک و سه دهم درصد دیه کامل به عنوان ارش تورم پشت دست راست در حق آقای ح-۱- با المنافسه صادر و اعلام نموده که مهلت پرداخت دیه از حادثه (۸۵/۲/۳) یکسال است و به لحاظ توهین حکم به محکومیت متهمان ردیف سوم و چهارم منفرداً به پرداخت پانصد هزار ریال جریمه نقدی در حق دولت صادر و اعلام نموده و در خصوص اتهام آقای ح-د- مبنی بر تهدید با چاقو نسبت به ماموران شهرداری با توجه به ماحصل تحقیقات و دفاعیات متهم و اظهارات ناظران واقعه و ماموران شاکی من حیث المجموع ارکان و شرایط قانونی تهدید احراز نگردیده ازاین حیث دادگاه با استناد به اصل ۳۷ قانون اساسی حکم به برائت متهم اخیرالذکر صادر و اعلام نموده این رای نسبت به متهم ردیف اول به لحاظ عدم حضور برای بیان دفاع در مرحله رسیدگی غیابی محسوب و ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل واخواهی در همین دادگاه و نسبت به سایر موارد

حضورى محسوب و ظرف بيست روز از تاريخ ابلاغ قابل تجديد نظر در محاکم تجديد نظر خراسان رضوى است.

از متهمان پرونده آقایان (۱- ا.س، ۲- ع و ج- د) از رای دادگاه بدوی تجديد نظر خواهی نموده اند و در شعبه ۹ دادگاه تجديد نظر استان خراسان رضوى تحت رسیدگی قرار گرفته است.

شماره دادنامه: ۱۱۲_۱۷۶۱-۱۳۹۲-ع-کلاس ه پرونده ۱۶۹۲-۸۵ شعبه ۹ تجديد نظر

رای دادگاه: با توجه به محتویات پرونده و مفاد لوایح محکومین در مقام تجديد نظر خواهی در مورد محکومیت آقای (ا-س) و آقای (ج-د) به پرداخت ديه با توجه به میزان ديه محکوم بها و مفاد ماده ۲۲۲ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومي و انقلاب در امور کیفری رای صادره قطعی بوده و از این حیث اعتراض آنان مردود اعلام نموده و در مورد محکومیت آقایان (ع و ج-د) بجزای نقدی نیز ایرادی بر دادنامه صادره وارد نبوده و این دادگاه به استناد ماده ۲۵۷ قانو مذکور با رد اعتراض رای بدوی را تایید می نماید رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: جرم ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی جزء جرائم غیر قابل گذشت است. لذا رای دادگاه تجديد نظر مطابق با موازین قانونی و شرعی صادر شده است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش

۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده تجدید نظر: ۸۵/۱۶۱۱ شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر استان خراسان رضوی.

کلاس پرونده بدوی: ۲۷۸/۸۵ شعبه ۱۳ دادگاه عمومی خراسان رضوی

تجدید نظر خواهان: ۱- آقای س-ش و خانم م-ا

تجدید نظر خواندگان: خانم م-ا و آقای س-ش

تجدید نظر خواسته: اعسار از محکوم به

گردشکار پرونده در دادگاه بدوی: وکیل خواهان پرونده دادگاه بدوی (آقای س-ش) دادخواستی به طرفیت خوانده (م-ا) بخواسته اعسار موکل از تأدیه مهریه خوانده به دادگاه ارائه نموده و در شرح متن دادخواست قید شده که موکل به عنوان سرکارگر آبداری مشغول به کار است و ماهیانه سه میلیون ریال در آمد دارد و به موجب دادنامه شماره ۷۶۴ و ۱۱۸ و ۸۳/۱۱/۲۶ شعبه سیزدهم دادگاه عمومی مشهد که قطعیت یافته و به مرحله اجرا در آمده به پرداخت مهریه خوانده که شامل یک کیلو و نیم طلا ساخته شده است محکوم شده حال آن که تنها قادر به تأدیه ۱۲۰ گرم از محکوم به می باشد و به دلیل عدم کفایت دارائی قادر به تأدیه دفعته واحده ی تتمه ای این مهریه نبوده و با نظر به هزینه های جاری زندگی شامل اجاره منزل و نفقه زن و فرزند و ... می تواند همه ماهه ۸ گرم از محکوم به را به ذی حق ادا نماید و بیش از آن موجب عسر و حرج است و مستنداً به ذیل ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی و ماده ۱۹ آئین نامه اجرایی آن قانون ناظر به مواد ۲ و ۲۳ و ۳۷ قانون اعسار، اعلام اعصار وی از پرداخت یک کیلو و سیصد و هشتاد گرم طلا ساخته شده است. یکی از منضمات دادخواست این پرونده رای شماره ۷۴۶-۱۱۸-۸۳/۱۱/۲۶ شعبه سیزدهم دادگاه عمومی مشهد بوده و در آن رای: خواهان (خانم م-ا) دادخواستی به طرفیت خوانده (آقای س-ش) بخواسته مطالبه مهریه اعسار از هزینه دادرسی تقدیم دادگاه نموده و در مورد اعصار از پرداخت هزینه دادرسی با توجه به اینکه خواهان توضیح داده ه وی در حال حاضر توان پرداخت هزینه دادرسی را ندارد وقتی مهریه را گرفت هزینه را تودیع خواهد نمود و گواهان نیز عدم تمکن مالی خواهان گواهی داده اند

فلذا دادگاه حکم به اعسار موقت وی از پرداخت هزینه دادرسی صادر نموده و اجراء احکام هنگام اجرای حکم هزینه دادرسی را از خواهان از محل محکوم به اخذ شده وصول نماید و در خصوص مطالبه مهریه با توجه به دلالت سند رسمی نکاحیه خواهان همسر شرعی و قانونی خوانده است و مهریه وی در سند ازدواج یک کیلو و نیم طلا ساخته شده قید شده لذا دادگاه به استناد ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی خوانده را به تحویل یک کیلو و نیم طلا ساخته شده در حق خواهان محکوم می نماید. دفتر وقت رسیدگی را مورخه ۱۰/۴/۸۵ تعیین و به وکیل خواهان و خوانده ابلاغ شده و خوانده دعوی (خانم م-ا) لایحه ای مبنی بر رد دعوی اعسار خواهان (آقای س-ش) ارسال داشته و در توضیحات بیان داشته که خواهان که خود را سرکارگر آبکاری بعثت معرفی نموده نمی باشد بلکه بعنوان احدی از سهامداران کارگاه در حال فعالیت کاری می باشد و مدیر مجموعه اقتصادی فوق است و در نتیجه به استناد ماده ۲۳ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳/۹/۲۰ از تاجر دادخواست اعسار پذیرفته نمی شود و با توجه به تمکن مالی بسیاری که دارد به راحتی قادر است که تمام مهریه را دفعاتاً پرداخت نماید. گواهان خواهان متفقاً اظهار داشته اند که کارگاه آبکاری الان متعلق به برادر بزرگشان می باشد و حدود و سیصد هزار تومان در ماه حقوق می گیرد و یک دستگاه موتور سیکلت که از طرف کارگاه در اختیار ایشان می باشد جهت رفت و آمد به کارگاه می باشد. در مورد اموال منقول و غیر منقولی که خوانده ادعا نموده مال خواهان است و خواهان ادعا نموده که من مالک نمی باشم و تقاضای استعلام دارم به همین منظور در مورد اتومبیل ها از معاونت راهنمایی و رانندگی و مرد مورد ۲۸۰۰ سهم صنایع احیاء از سازمان ثبت شرکتها و در مورد اموال غیر منقول از اداره ثبت استعلام صورت گرفته است. از اموالی که خوانده ادعا کرده که از آن خواهان است ۱- خودرو سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۳ از آن خواهان است بقیه اتومبیلها از آن خواهان نیست و صاحبان آن اشخاص دیگری هستند ۲- در مورد ۲۸۰۰ سهم صنایع احیاء خواهان آن را در تاریخ ۸۳/۹/۹ فروخته و در حال حاضر سهامدار شرکت فوق نمی باشد. در مورد پلاک ثبتی فوق الذکر اداره ثبت بیان داشته اند که برابر سند قطعی ۹۶۲۳۷-۸۴/۸/۴ دفتر خانه ۵۲ مشهد به نام مهشید مشایخ ثبت و سند مالکیت صادر شده و برابر اسناد رهنی ۹۲۲۳۸ مورخه ۸۴/۸/۴ و ۹۶۲۳۹ مورخه ۸۴/۸/۴ از دفتر ۵۲ مشهد در رهن بانک مسکن شعبه مشهد می باشد با ملاحظه سوابق ثبتی پلاک ۴۰۸۸ فرعی که به

صورت ۴ واحد آپارتمان در آمده در هیچکدام از واحدهای مربوطه و واحدهای مورد نظر مالکیت به نام سعید شاهرودی نژاد مشاهده نگردیده است. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نمود است.

شماره دادنامه: ۴۸/۱۱۴۵-۸۵/۸/۱۳- موضوع کلاسه پرونده ۲۷۸/۸۵

شعبه ۱۳ دادگاه عمومی خراسان رضوی

رای دادگاه: در خصوص دادخواست آقای س-س با وکالت آقای مهدی محمد حسینیان به طرفیت همسرش خانم م-ا به تقاضای صدور حکم به اعسار وی از پرداخت دفعی محکوم به موضوع دادنامه شماره ۷۶۴-۱۱۸ مورخه ۸۳/۱۱/۲۶ در پرونده کلاسه ۸۳/۷۳۲ ش ۱۳ که به موجب آن دادنامه آقای خواهان به پرداخت مهریه همسرش محکوم شده است و تقاضای تقسیط پرداخت محکوم به به شرح متن دادخواست تقدیمی اگر چه خوانده با معرفی املاکی توضیح داده که خواهان توان پرداخت مهریه وی را دفعتاً واحده دارد النهایه نظر به پاسخ استعلامات دادگاه که حاکی از عدم مالکیت خواهان در املاک معرفی شده است و با توجه به شهادت شهود برای دادگاه محرز است که خواهان توان پرداخت دفعی محکوم به را ندارد فلذا دادگاه دعوی خواهان را به تقاضای اعسار از پرداخت دفعی محکوم به وارد و حکم به اعسار وی از پرداخت دفعی محکوم به صادر و اعلام می نماید و راجع به تقاضای تقسیط اگر چه خواهان توضیح داده که وی ملک و ثروتی ندارد و تنها درآمد وی از طریق حقوقی است که از کارش دریافت می کند و گواهان هم به همین مطلب گواهی داده اند که برابر اظهارات خواهان و گواهان حقوق دریافتی وی در ماه سیصد هزار تومان است النهایه نظر به اینکه با استعلام مشخص شده که آقای خواهان مالک یک دستگاه ماشین پژو ۲۰۶ می باشد که وی مدعی است ماشین را به شخصی فروخته که برای این مطلب دلیل قانع ارائه نداده زیرا سند ماشین به نام آقای خواهان است و در صورتی که وی فروخته باید سند را به نام خریدار انتقال دهد که با عدم انتقال سند به نام خریدار فرض دادگاه خواهان را مالک می شناسد و اینکه وکیل خواهان توضیح داده که در بدو خرید ماشین توسط خواهان نصف ماشین مال پدر خواهان بوده است اینهم ادعای بدون دلیل است چون سند ماشین تماماً به نام خواهان است و با توجه به اینکه خواهان می تواند ماشین موصوف را فروخته و ماشینی با قیمت نازل خریداری و استفاده نماید و حق

همسرش را بدهد و از طرفی خواهان خود قبول دارد که وی یک وان آبنباری دارد که خودش توضیح داده که حاضر است به همسرش از بابت مهریه تحویل نماید. فلذا دادگاه با توجه به مراتب فوق پرداخت مهریه خوانده توسط خواهان را بدین شرح تقسیط می نماید که خواهان ابتدا با فروش ماشین و وان آبنباری یا هر اقدام دیگر مبلغ ۵ میلیون تومان نقداً از بابت مهریه خوانده به وی تحویل و سپس باقی مانده مهریه را از قرار ماه ده گرم طلا ساخته شده به خوانده تا اتمام مهریه وی پرداخت نماید. لازم به ذکر است در زمان پرداخت ۵ میلیون تومان قیمت طلا مشخص شود و پنج میلیون تومان بر اساس قیمت مشخص شده طلا محاسبه و اخذ می شود و باقی مانده آن از قرار هر ماه ده گرم طلا اخذ گردد رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در دادگاه های تجدید نظر مرکز استان خراسان رضوی است. طرفین نسبت به دادنامه فوق الذکر در مهلت قانونی تجدید نظر خواهی نموده اند. خواهان (آقای س-ش) در دادخواست تجدید نظر خواهی خود بیان داشته: دادنامه تجدید نظر خواسته دون توجه کافی به دلائل و مدافعات صادر و در تاریخ ۸۵/۸/۲۸ ابلاغ شده لذا بدین شرح استدعای تجدید نظر نسبت بدان و نقض حکم و صدور حکم با اقساط عادلانه را دارد به دلالت دفاعیات به عمل آمده در دادگاه و من جمله جلسه مورخه ۸۵/۷/۵ و دلائل تقدیمی اینجانب در تاریخ ۸۳/۵/۱۱ به دلالت مبیعه نامه عادی شماره ۸۹۳۸ تنظیمی در واحد صنفی شماره ۸۸ پژو ۲۰۶ شماره ۴۲۲ب۳۲ را منتقل کرده ام و وجه آن را طی چند فقره چک اخذ کرده ام و نیمی از آن متعلق به پدر مرحوم بوده و بعلاوه به دلالت سند رسمی شماره ۲۳۳۳-۸۴/۳/۳ انتقال قطعی و محضری خود روی مذکور هم به قائم مقام قانونی خریدار صورت گرفته است. در صورت عدم کفایت دلایل ایتان سوگند تجدید نظر خوانده که اطلاع کامل از حقیقت انتقال خودرو و عدم مالکیت اینجانب نسبت بدان دارد خواسته شده که نه تنها در رای صادره اشتباهاً قید شده که سندی دال بر انتقال اقامه نشده بلکه به هیچ یک از دلائل هم رسیدگی نشده است. و هم چنین در دادخواست اولیه نوشته ام. از محل فروش وان تعرفه شده و توقیف خط تلفن ثابت حداکثر امکان پرداخت سی میلیون ریال و پرداخت همه ماهه هشت گرم طلا را دارم. خوانده پرونده اصلی هم از رای شماره فوق الذکر تجدید نظر خواهی نموده است و در دادخواست تجدید نظر خواهی بیان داشته که حسب مدارک موجود در پرونده از جمله مالکیت تجدید نظر خوانده نسبت به یک دستگاه پژو ۲۰۶ به نام وی و

بسیاری از املاک و اراضی شهری به نام تجدید نظر خوانده که فی الواقع با قصد فرار از دین اینجانب تماماً به طور صوری منتقل به بستگان خود نموده خصوصاً با توجه به سند صلح نامه پیوست انتقال صوری سهم الارث نامبرده به نام مادر خود که دارای ارزش مالی بسیار بالایی است می تواند دال بر صحت عرایض بنده تلقی گردد. خواهان پرونده اصلی در برابر تجدید نظر خواهی خوانده پاسخ داده و مرقوم داشته ۱- در خصوص پژوی ۲۰۶ رای دادگاه مبنی بر لحاظ نمودن آن جز دارایی اینجانب مبتنی بر اشتباه بوده که در دادخواست تجدید نظر خواهی ام مستقلاً مستنداً بدان قسمت حکم اعتراض کرده ام. ۲- اینکه مرحوم پدرم منزلش را در زمان حیات به والده ام صلح نموده علیرغم آن که متکی به سند و شهادت شهود است و نیز تنفیذ آن از سوی مرجع ذیصلاح و سند رسمی انتقال هم تنظیم شده و ادعای صوری بودن هم به اثبات نرسیده و من جمله شکایت کیفری تجدید نظر خواه نزد شعبه ۲۰ دادرسی عمومی مشهد- بازپرسی تحت کلاسه ۱۱۳۲/۸۵ رسیدگی و منجر به قرار منع پیگرد شده است. در هر حال حکم اعسار مانع آن نیست که چنانچه ادعای خواهان به اثبات رسید، امکان استیفای حق وی دفعتاً واحده وجود نداشته باشد. دادگاه تجدید نظر با ملاحظه اوراق پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۵۹-۱۷۰۸-۱۴-۱۰/۸۵ موضوع کلاسه پرونده ۱۶۱۱-۸۵

شعبه ۹ ت

رای دادگاه: در خصوص تجدید نظر خواهی آقای س-ش نسبت به دادنامه شماره ۸۵/۸/۱۳-۴۸/۱۱۴۵ صادره از شعبه سیزدهم دادگاه عمومی حقوقی مشهد نظر به اینکه اقساط معینه جهت نامبرده سنگین بوده و دلیلی هم که ناقض دادنامه بدوی باشد از سوی تجدید نظر خواه اقامه نگردیده لذا به استناد ماده ۳۵۸ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی با اصلاح دادنامه بدوی به این شرح که تجدید نظر خواه بابت مهریه همسرش در مرحله اول سه میلیون تومان نقداً و پرداخت هر قسط مهریه ویه هشت گرم طلای ساخته شده تا اتمام مهریه اش نامبرده را محکوم می نماید. رای معترض عنه با اصلاح بعمل آمده تایید می گردد و در خصوص تجدید نظر خانم م-ا نسبت به دادنامه فوق الذکر از شعبه سیزدهم دادگاه عمومی مشهد با نگرش به مطاوی پرونده و ملاحظه لایحه تجدید نظر خواهی تجدید نظر خواه نظر به اینکه نامبرده ایرد مؤثر و

اعتراض موجهی که موجب نقض دادنامه بدوی گردد ارائه نشده و رای موصوف با اصلاح بعمل آمده که در متن فوق الذکر مرقوم گردیده به استناد ماده ۳۵۸ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: رای دادگاه بدوی و تجدی نظر منطبق با موازین قانونی و شرعی بوده و صحیح صادر شده است و دقت نظر قضاوت محترم تجدید نظر قابل تحسین می باشد.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش

۲۰/۸۴-۲:

کلاس پرونده: ۱۹۳۷/۸۵ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی دادگستری

نیشابور

شاکی: گزارش

مشتکی عنه: آقای م-ق

موضوع: مصرف مشروبات الکلی

مقارن ساعت ۲۱:۵۰ از طریق مرکز ۱۱۰ یک مورد مزاحمت در کفکدک خیابان کوثر ۶ اعلام که مامورین به محل اعزام و مشاهده نمودند فردی به هویت (م-ق) اقدام به شرب خمر نموده و حالت غیر عادی داشته دستگیر شده و به کلانتری منتقل شده و از نامبرده تحقیق بعمل آمده عنوان داشته که قبول دارم شرب خمر نموده ام و سابقه زندان دارم. پرونده جهت تحقیق و بازجویی به شعبه هفتم دادیاری ارجاع شده مشتکی عنه یاد شده در دادیاری اقرار به مصرف مشروبات الکلی نموده دادیار محترم قرار تامین کفالت را وجه الكفاله بیست میلیون ریال صادر نموده و خانم سید بیگم حسینی کارمند آموزش و پرورش کفالت ایشان را پذیرفته و دادگاه با توجه به ملائمت کفیل قرار قبولی کفالت صادر نموده است. دادیار محترم در تاریخ ۸۵/۱۰/۲ در وقت فوق العاده آقای (م-ق) دایر بر مصرف مشروبات الکلی با عنایت به گزارش مرجع انتظامی - اقرار صریح متهم محرز و مسلم دانسته، علیهذا قرار مجرمیت نامبرده را صادر و مراتب را در اجرای بند «ز» و «ک» ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب اعلام نموده. متعاقب آن معاون دادستان با قرار صادره موافقت نموده و تاریخ ۸۵/۱۱/۱ دادیار محترم شعبه هفتم کیفر خواست متهم یاد شده را با شماره ثبت ۵۷۶۶/۱۶ صادر و به دادگاه عمومی جزائی ارجاع نموده متهم یاد شده در صورت جلسه ۸۵/۱۱/۸ در شعبه ۱۰۲ دوبار اقرار به شرب خمر نموده و از اینکه مصرف این مشروبات حرام است آگاهی داشته و در آخرین دفاع خود اظهار نموده که اتهام فوق را قبول دارم. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۹۶۲/۷۶ موضوع کلاسه پرونده ۱۹۳۷/۸۵ شعبه ۱۰۲

جزائی

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای (م-ق) فرزند حسین دائر بر شرب خمر، نظر به گزارش مرجع انتظامی، صورت جلسه تنظیمی، تحقیقات بعمل آمده از متهم در دادرسی، کیفر خواست صادره و با عنایت به اینکه نامبرده بطور مکرر صریحاً به شرب خمر اقرار نموده است و نسبت به موضوع و حاکمیت آن صفحه لم و اطلاع نموده، بزهکاری وی در نظر دادگاه محرز است، علیهذا دادگاه مستنداً به مواد ۱۷۴/۱۶۸ و رعایت ماده ۱۶۶ و ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی متهم یاد شده را به تحمل هشتاد ضربه به تازیانه از باب حد شرعی که بر بدن وی بدون اصابت به سر و صورت و عورتین به طور متعارف نواخته شود محکوم می نماید، رای صادره حضوری و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم تجدید نظر مرکز استان می باشد.

نظریه کارآموز: طبق قاعده « اقرار العُقلاء علی انفسِهِم جائزٌ » با عنایت به اینکه فرد مشتکی عنه در حالت عادی و با قصد و اختیار اقرار نموده است اقرار نامبرده نافذ می باشد و لذا رای دادگاه منطبق با موازین قانونی و شرعی صادر شده و صحیح می باشد.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صفحہ دقیان شماره پرونده آموزش: ۲۰/۸۶۰۲:

کلاسہ پروندہ: ۸۵/۲۰۰۵ شعبہ ۱۰۲ دادگاہ عمومی جزائی نیشابور

شاکی: اولیا دم خان آقا عابدی مشتکی عنہ: آقای ص.ع-ع

موضوع: تخفیف مجازات (تصادف منجر بہ فوت)

حسب اعلام پلیس ۱۱۰ مبنی بر یک فقرہ تصادف مامورین نیروی انتظامی در محل حاضر شدہ و مشاہدہ نمودہ اند کہ یک دستگاہ پیکان سفید رنگ با فردی عابر پیادہ بہ نام خان آقا عابدی تصادف نمودہ کہ قبل از رسیدن مامورین نیروی انتظامی مصدوم بہ بیمارستان ۲۲ بہمن منتقل شدہ است و در بیمارستان فوت نمودہ پروندہ بہ شعبہ دوم دادیاری ارجاع شدہ متعاقب این گزارش مامورین نیروی انتظامی اولیاء دم متوفی شکایت خود را اعلام نمودہ اند. افسر کارشناس تصادفات علت تام تصادفات را بی احتیاطی از سوی رانندہ سواری پیکان بہ علت سهل انگاری و بی توجہی اعلام نمودہ. دادیار محترم شعبہ دوم قرار تامین وثیقہ بہ مبلغ چہل و پنج میلیون تومان صادر نمودہ ولی معاون دادستان با آن مخالفت نمودہ و اظہار نمودہ کہ طی بخشنامہ های کہ در این خصوص از سوی قوہ قضائیه و شرکت بیمہ وجود دارد کہ در صورت بیمہ بودن اتومبیل صدور قرار کفایت منعی ندارد و از طرفی کفیل وی کارمند رسمی سازمان زندانهای کشور می باشد لذا قرار کفالت مبلغ شصت میلیون تومان درمورد وی صادر نمودہ است متعاقب آن شعبہ دوم دادیاری قرار قبولی کفالت وی را صادر نمودہ است. دادیار محترم تحقیق شعبہ ۲ قرار مجرمیت متہم را صادر نمودہ است و معاون دادستان با قرار صادرہ موافقت حاصل نمودہ است. متعاقب آن کیفر خواست شماره ۲۸۵۷/۵۸۷ مورخہ ۸۵/۵/۳۰ ثبت شدہ و تقاضای اعمال مجازات طبق مادہ ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی نمودہ است. پروندہ جهت رسیدگی بہ شعبہ ۱۰۲ جزائی

ارسال شده و تحت رسیدگی قرار گرفته و متهم در جلسه دادرسی اتهام فوق را قبول نموده و نسبت به نظریه کارشناس اعتراضی به عمل نیاورده و تقاضای تخفیف مجازات را نموده است. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است و در رای شماره ۱۳۹۰ مورخه ۸۵/۸/۱۰ باتوجه به گزارش مأمورین نیروی انتظامی و نظریه افسر کارشناس تصادفات و کیفر خواست صادره دادگاه مستنداً به مواد ۲۹۴ و ۲۹۵ (بند ب و تبصره ۳)، ۲۹۷ ۲۹۹ و ۳۰۲ (بند ب و تبصرین) ۳۰۴ و ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی متهم یاد شده را به تحمل شش ماه حبس و پرداخت یک فقره دیه کامل یک مرد به اضافه یک سوم دیه کامل بابت وقوع قتل در ماه حرام در حق اولیاء دم متوفی که ظرف دو سال از تاریخ وقوع حادثه پرداخت گردد محکوم می نماید رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در محاکم محترم تجدید نظر خواهی می باشد.

رای دادگاه به متهم ابلاغ واقعی شده و اظهار داشته که هیچ اعتراضی ندارم و تقاضای اجرای حکم را دارم. دادیار اجرای احکام کیفری نیابت قضایی جهت اجرای مفاد دادنامه فوق الذکر به اجرای احکام کرج داده است. قبل از اجرای حکم، متهم به موجب سند رسمی شماره ۳۳۰۴ مورخه ۸۵/۱۱/۱۴ رضایت شاکیان (اولیاء دم متوفی) را جلب نموده لذا تقاضای اعمال ماده ۲۷۷ آئین دادرسی کیفری را داشته است. دادیار اجرای احکام کیفری پرونده را جهت اعمال این تقاضا به دادگاه صادر کننده حکم اعاده نموده و از نیابت قضائی صادره رفع اثر نموده است در این مقطع دادرسی دادگاه با توجه به تقاضای اعمال ماده ۲۷۷ ق.آ.د.ک ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشاء رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۹۴۹/۶۳ موضوع کلاسه پرونده ۸۵/۲۰۰۵ شعبه ۱۰۲

جزائی

رای دادگاه: در خصوص تقاضای آقای ص.ع.ع مبنی بر تخفیف مجازات موضوع دادنامه شماره ۱۳۹۰ که به موجب آن به اتهام بی احتیاطی در امر رانندگی منتهی به قتل غیر عمدی مرحوم خان آقا عابدی به پرداخت یک فقره دیه کامل به اضافه یک سوم دیه کامل یک مرد مسلمان در حق اولیاء دم متوفی و نیز تحمل شش ماه حبس محکوم گردیده، نظر به محتویات پرونده و با توجه به اینکه نامبرده رضایت شکات را به موجب سند رسمی شماره ۳۳۰۴-۸۵/۱۱/۱۴ جلب کرده و نامبردگان نسبت به وی اعلام گذشت و رضایت نموده اند

دادگاه مستنداً به ماده ۲۷۷ ق.آ.د.ک و با اعمال مادتين ۲۲ و ۷۳۸ قانون مجازات اسلامي به لحاظ عدم احراز سابقه و جلب رضایت شکات از باب تخفيف مدت شش ماه حبس وی را به پنج ميليون ريال جزای نقدی به نفع درآمد عمومی کشور تبدیل می نماید، رای صادره حضوری و قطعی است.

نظریه کارآموز: قتل غیر عمدی موضوع ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامي ممکن است به صورت خطای محض رخ دهد اما تبصره ۳ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامي و رای وحدت رویه ۳۲-۶۵/۸/۲۰ هیئت عمده عالی کشور خطا و تقصیر راننده را اماره شبیه عمد بودن قتل دانسته اند هر چند ^{صفحه} قابل اثبات است و از ظاهر این ماده استفاده می شود که میان خطای مرتکب و تقل غیر عمدی باید رابطه سببیت وجود داشته باشد.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صفحہ دقیان شماره پرونده آموزش

۲۰/۸۴۰۲:

کلاسہ پروندہ: ۱۵۶۵/۸۵ شعبہ ۱-۲ دادگاہ عمومی جزائی دادگستری

نیشابور

شاکی: آقای ح-س

مشتکی عنہ: آقای ح-ن

موضوع: خیانت در امانت

شاکی شکوائیہ ای علیہ مشتکی عنہ تنظیم و تقدیم دادستان نموده و در شکوائیہ مرقوم داشته کہ بندہ یک گلہ گوسفند دارم کہ نزد آقایان ۱- ح-ن ۲- ف-ل بعنوان چوپان اینجانب بہ امانت گذاشته ام اما متاسفانہ در شبہای قبل فردی مشاهده نموده کہ گوسفندان را تک بہ تک می برند و سہ راس گوسفندان را دیدہ اند کہ بردہ اند لذا از نامبردگان بعنوان خیانت در امانت شاکی ہستم. دادیار ارجاع و شعبہ ویژه تحقیق دادرسی عمومی و انقلاب اسلامی نیشابور پروندہ را در خصوص صحت ادعای شاکی مبنی بر خیانت در امانت جهت تحقیق از شہود و افراد مطلع بہ پاسگاہ محل ارسال نموده یکی از گواہان بہ نام آقای محمد اسماعیل باطانی در پاسگاہ محل اظهار نموده کہ در سہ شب قبل بندہ بہ محل چاہ عمیق می رفتم کہ مشاهده نمودم یک نفر گوسفند را بہ پشت گرفتہ و می برد، بلافاصلہ نزد ایشان رفتم عنوان نمود گوسفند متعلق بہ خودم می باشد. پروندہ پس از عودت از پاسگاہ محل بہ دادرسی در شعبہ چہارم دادیاری مورد رسیدگی و تحقیق قرار گرفتہ. دادیار محترم پروندہ

را جهت انجام تحقیقات به دایره آگاهی نیشابور ارسال، در آن اداره شاکی با گرفتن یک برگ سفته به شماره ۹۸۶۳۴۵ به مبلغ یک میلیون تومان از آقای ف-ل رضایت خود را اعلام و از شکایت خود نسبت به نامبرده صرف نظر نموده به شکایت خود نسبت به آقای ح-ن باقی است.

دادیار محترم از آقای ف-ل بازجویی نموده ایشان بیان داشته که اینجانب در ۸۵/۱/۲۷، ۵۰۰ راس گوسفند را از شاکی تحویل گرفتم و آقای ح-ن شب و روز با من بود بعد از مدتی گفت دندانم درد می کند به نیشابور رفت و آمد می کرد، بعضی شب ها که من می خوابیدم ایشان را بیدار می کردم تا مواظب گوسفندان باشد و از سرقت ایشان خبر نداشتم و فقط آقای باطانی آنرا دیده است.

با عنایت به اینکه آقای ح-ن ساکن روستای اندوه بخش کوهسرخ شهرستان کاشمر می باشد و در جلسات دادیاری حاضر نشد صفحه ن دسترسی به ایشان نبوده نیابت قضایی به دادگاه عمومی بخش کوهسرخ اعطا نمود و مرفوع داشته که آقای ح-ن به اتهام سرقت ۱۰ راس گوسفند بدواً احضار و در صورت عدم حضور جلب پس از حضور اتهام به وی تفهیم، دفاع و آخرین دفاع اخذ قرار متناسب صادر در صورتی که قرار صادره منتهی به بازداشت مشارالیه گردید دستور اعزام وی را تحت الحفظ مامورین به این شعبه صادر خواهند فرمود ضمناً مجری نیابت دارای کلیه اختیارات شرعی و قانونی عنداللزوم و تفویض و اعطاء نمایندگی ورود به مخفی گاه متهم می باشد. دادگاه بخش کوهسرخ آقای ح-ن را دوبار احضار نموده ولی در دادگاه حاضر نشده لذا برگ جلب بسیار وی صادر ولی ایشان در محل زندگی به گفته همسرش نمی باشد. رئیس حوزه قضایی بخش کوهسرخ با توجه به اینکه بنا بر گزارش مرجع انظامی اقدامی میسور نیست پرونده را به دادیاری ارسال نموده است.

دادیار محترم در تاریخ ۸۵/۸/۱۵ در وقت فوق الذکر دادیار محترم اتهام آقای ح-ن دائر به خیانت در امانت ۳ راس گوسفند موضوع شکایت آقای ح-س را محرز و مسلم دانسته و قرار مجرمیت وی را صادر و در مورد اتهام آقای (ف-ل) دائر به خیانت در امانت به لحاظ عدم کفایت ادله اثباتی مستنداً به بند الف ماده ۱۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری قرار منع تعقیب متهم را صادر نموده. قرارهای صادره مورد موافقت معاون دادستان قرار گرفته است.

در تاریخ ۸۵/۸/۲۰ دادیار محترم کیفر خواست آقای ح-ن را با شماره ثبت ۴۴۷۷/۴۸۷ صادر و به دادگاه عمومی جزائی نیشابور ارسال و تقاضای اعمال مجازات طبق ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی را خواستار شده است پرونده از طرف رئیس دادگستری به شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی نیشابور ارسال شده متهم و شاکی علی رغم ابلاغ اختاریه در دادگاه حاضر نشده است. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشاء رای نموده است.

شماره دادنامه: ۲۰۱۶/۱۳۰ موضوع کلاسه پرونده ۱۵۶۵/۸۵ ش ۱۰۲ جزائی

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای ح-ن فرزند علی دائر بر خیانت در امانت در مورد ۳ راس گوسفند متعلق به آقای ح-س که نامبرده بعنوان چوپان گوسفندان شاکی را در اختیار داشته، نظر به شکایت شاکی، تحقیقات معموله توسط مرجع انتظامی و دادسرا و اظهارات فرد دیگری که همراه متهم بوده و اظهارات بعضی افراد دیگر که مشاهده کرده اند متهم گوسفند حمل می کند و با عنایت به صفحه ده علی رغم اقدامات تعقیب در دادسرا حضور نیافته و کیفر خواست علیه نامبرده به طور غیابی صادر شده و ایضاً مشارالیه علی رغم ابلاغ واقعی اختاریه در دادگاه حضور نیافته و از اتهام انتسابی دفاعی بعمل نیاورده و بزهکاری ایشان در نظر دادگاه محرز است، علیهذا دادگاه مستنداً به ماده ۶۷۴ ق.م.ا و ۲۱۷ ق.آ.د.ک متهم موصوف را به تحمل شش ماه حبس محکوم می نماید. رای صادره غیابی و ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه و سپس ظرف ۲۰ روز قابل تجدید نظر خواهی در محاکم تجدید نظر مرکز استان می باشد.

نظریه کارآموز: با توجه به اینکه در بعضی از جرائم مثل خیانت در امانت قانونگذار

تصریح به رد مال ننموده است آیا به استناد ماده ۹ قانون مجازات اسلامی می توان حکم به رد عین یا مثل یا قیمت مال صادر کرد یا خیر؟ نظریات مختلفی ابراز شده نظریه اول: چون ضرر و زیان برای رد مال نیاز به تقدیم دادخواست دارد چه عین موجود باشد چه نباشد لذا نمی توان به استناد ماده ۹ ق.م.ا حکم به رد مال در دعوی کیفری صادر نمود. نظریه دوم: در صورتی که عین مال موجود باشد وفق ماده ۹ ق.م.ا می توان حکم به رد مال صادر نمود ولی در صورتی که عین مال موجود نباشد مطالبه آن به تقدیم دادخواست حقوقی نیاز دارد نظریه سوم: با توجه به اینکه ماده ۹ قانون مجازات اسلامی عام المشمول است و صراحت دارد که مالی که در اثر ارتکاب جرم تحصیل شده، اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود

نباشد مثل یا قیمت آن باید به صاحبش رد شود فلذا دادگاه باید در ضمن تعیین مجازات برای مرتکب بزه، نسبت به رد عین مال یا قیمت و مثل آن حکم کند، به نظر کارآموز نظریه سوم بهتر است چون عین نص قانونی است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش
۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده: ۱۲۹۲/۸۵ شعبه ۱۰۲ دادگاه جزائی دادگستری نیشابور
شاکیان: ۱- آقای ع- ه. ۲- خانم ف- ف. ۳- آقای ع- ف. ۴- آقای ر- م. ۵-
آقای ا- ع. ۶- آقای م- ک.
مشتری عنه: آقای ع- ک

موضوع: اخلال در نظم عمومی

شاکیان فوق در شکایت خود علیه مشتری عنه متفقاً بیان داشته اند که ما همسایگان مشتری عنه هستیم با فحاشی و ایجاد مزاحمت باعث سلب آرامش ما شد. گواهان شاکی هم متفقاً موضوع را تایید نموده اند. از متهم در دادسرا تحقیق بعمل آمده عنوان داشته که در خانه اختلاف خانوادگی داریم، نزاع و درگیری خانواده ما به داخل کوچه کشیده و باعث سر و صدا و مزاحمت برای همسایگان می شود. دادیار محترم شعبه اول در تاریخ ۸۵/۶/۳۰ در وقت فوق العاده اتهام آقای ع- ک دائر بر اخلال در نظم عمومی محل و فحاشی به همسایگان که با عنایت به گزارش مرجع انتظامی، شکایت شاکیان اعلام شکایت جمع کثیری از اهل محل، شهادت شهود محرز و مسلم دانسته، علیهذا اقرار مجرمیت نامبرده را صادر و معاون دادستان با قرار صادره موافقت نموده و در تاریخ ۸۵/۷/۶ دادیار شعبه اول کیفر خواست مشتری عنه فوق را با شماره ثبت ۳۵۶۱/۱۵۱ صادر و به دادگاه عمومی جزائی نیشابور ارسال و تقاضای اعمال مجازات مطابق مواد ۶۱۸ و ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی را خواستار شده است. پرونده از طریق رئیس دادگستری نیشابور به شعبه ۱۰۲ دادگاه جزائی ارسال شده مشتری عنه و شاکیان برای حضور در دادگاه در تاریخ ۸۵/۹/۲۹ احضار شده اند ولی در تاریخ مقرر در دادگاه طرفین حاضر نشده اند. علیهذا دادگاه با ملاحظه جمیع اوراق پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۹۶۸/۸۲ موضوع کلاس پرونده ۱۲۹۲/۸۵ شعبه ۱۰۲
جزائی

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای (ع- ک) فرزند حسن دائر بر اخلال در نظم عمومی محل با ایجاد حرکات غیر متعارف و ایجاد درگیری در خانواده موضوع شکایت جمع

کثیری از اهالی محل و کیفرخواست صادره از سوی دادسرا، نظر به محتویات پرونده و صورت جلسه و گزارش مرجع انتظامی و بیان چگونگی موضوع و توجهاً به تحقیقات دادسرا و کیفرخواست صادره و اینکه متهم علیرغم ابلاغ قانونی اختاریه در دادگاه حضور نیافته و دفاعی به عمل نیاورده بزهکاری نامبرده در نظر دادگاه محرز است علیهذا دادگاه مستنداً به مواد ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی و ۲۱۷ قانون آئین دادرسی کیفری و رعایت بند ۲ ماده ۳ وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین متهم موصوف را به پرداخت مبلغ سیصد هزار ریال جزای نقدی و تحمل ۵ ضربه شلاق محکوم می نماید رای صادره غیابی و ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شعبه و سپس ظرف بیست روز قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم تجدید نظر مرکز استان می باشد.

نظریه کارآموز: با توجه به اینکه در قرار مجرمیت برای مشتکی عنه دو جرم قید شده ۱- اخلال در نظم عمومی محل ۲- فحاشی به همسایگان و قرار مجرمیت نامبرده توسط معاون دادستان تایید شده ولی دادیار محترم در کیفرخواست فقط مجرم ردیف اول را قید نموده لذا دادگاه هم بر اساس آنچه که در کیفرخواست صادر شده رای خود را منطبق با مواد قانونی صادر نموده است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا اداقیان شماره پرونده آموزش
صفحه

۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده: ۱۰۱/۸۵ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی و جزائی دادگستری

نیشابور

شاکی: اداره کار و امور اجتماعی نیشابور

مشتکی عنه: آقای غ-م

موضوع: ممانعت از ورود بازرسان

اداره کار و امور اجتماعی شهرستان نیشابور شکوائیه ای تنظیم و تقدیم دادستان محترم شهرستان نیشابور نموده و در شکوائیه بیان داشته اند که بر اساس گزارش بازرسان آقای (غ-م) کارفرمای کارگاه منخفی واقع در بلوار کمربندی نیشابور- مشهد- مقابل پارکینگ اتوبوسرانی علیرغم تعهدات قبلی مکرر از ورود بازرسان کار و انجام بازرسی توسط آنان ممانعت به عمل آورده و تعدادی کارگر زن را در محیطی غیر بهداشتی و ناایمن و بدون رعایت حداقل های قانونی به کار گمارده و ضمن اخذ مدارک (چک و سفته) از آنان حق شکایت را سلب نموده و برای مکتوم ماندن خلافهای خود از باز کردن درب کارگاه و انجام بازرسی توسط بازرسان کار خودداری نموده است لذا خواهشمند است با عنایت به مواد ۹۸ و ۱۰۱ و ۱۰۴ قانون کار و به استناد ماده ۱۷۹ قانون مرقوم نسبت به تعقیب قانونی آقای (غ-م) کارفرمای متخلف از مقررات قانون کار را دارم. پرونده جهت تحقیق و تفحص توسط دادستان محترم به دادیار شعبه اول ارجاع شده. متهم در صورت جلسه ۸۴/۱۲/۱۳ دادرسی اظهار داشته که اینجانب تولید کننده سیم و کابل هستم که بعنوان شغل اصلی من می باشد که دارای سالن و مساحت حدود دو هزار متر مشغول به کار هستم ولی در کنار کار اصلی خود چون رشته اصلی من الکترونیک است هراز چند گاهی کار و مدارالکتریکی جدیدی اختراع می کنم و معمولاً از ۲ تا ۹ نفر کارگر به کار می گیرم. در روز بازرسی اول اداره کار چون خود نبودم که بعد از فاجعه غم انگیز کشته شدن زنی در شهر نیشابور عروس من جرئت نکرده در را باز کند در مرحله دوم که بازرسین آمده اند

کارگاه تعطیل بوده و فقط ۲ نفر از خانم های خانه تکانی دم عید منزل را انجام می داده اند که جرئت نکرده اند در را باز کنند. البته خودم اداره بیمه را دعوت کردم، در سال گذشته برای بیمه کارگرانم و حتی یک ماه حق بیمه آن ها را واریز نمودم ولی آن ها به علت مسکونی بودن آن محل، حق بیمه را قبول نکردند ولی امسال تشریف آوردند و لیست کارگران که ۹ نفر می باشند را یادداشت نمودند و از طرفی لیست بیمه سال گذشته و امسال ضمیمه پرونده می باشد. ضمناً حقوق کارگران من بر اساس تعدادی که تولید کنند بین ۶۰ تا ۹۰ هزار تومان است. و کارگاه من غیر بهداشتی نمی باشد و مقطعی است و مستمر نمی باشد. دادیار محترم قرار آزادی متهم به قید معرفی کفیل و پرداخت وجه الكفاله به مبلغ پنجاه میلیون ریال صادر نموده و آقای محمد متین نژاد ضمانت آقای متهم را نموده و دادیار محترم قرار قبولی کفالت را صادر نموده است.

دادیار محترم شعبه اول پس از ختم تحقیقات قرار مجرمیت متهم را دایر به ممانعت از ورود بازرسان اداره کار به محل کارگاه و همچنین عدم رعایت موازین بهداشتی و ایمنی محیط کار و بکارگیری حدود ۴۰ نفر کارگر زن بدون بهره مندی از مزایای حقوقی و قانونی آنان با توجه به اوراق محتویات پرونده و گزارش اولیه و پاسخ استعلام مجدد اداره کار صادر نموده است. معاون دادستان با قرار صادره موافقت نموده. دادیار محترم شعبه اول دادیاری از طرف دادستان کیفر خواست صادر و تقاضای اعمال مجازات طبق مواد ۱۷۹ ناظر به ماده ۹۸ و ماده ۱۷۶ ناظر به ماده ۹۱ و ماده ۱۷۴ ناظر به تبصره ماده ۴۱ قانون کار را نموده است.

شماره دادنامه: ۵۱۸ موضوع کلاسه پرونده: ۸۵/۱۰۱ ش ۱۰۲ جزائی

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای غ-م دایر به ۱- ممانعت از ورود بازرسان اداره کار به محل کار تولیدی زنگ اخبار ۲- عدم رعایت مقررات بهداشتی در محل مزبور ۳- بکارگیری حدود ۴۰ نفر کارگر زن بدون بهره مندی از مزایای حقوقی و قانونی، نظر به محتویات پرونده و گزارش بازرس و شکایت ریاست محترم اداره کار و امور اجتماعی نیشابور، اقرار صریح متهم و عدم دفاع وی به اینکه در هنگام مراجعه بازرس اداره کار ایشان در محل نبوده و کارگران اجازه ورود بازرس اداره کار را به محل نداده اند که این دفاع جداً غیر موجه می باشد- بزهکاری وی در مورد اول و دوم در نظر دادگاه محرز و عمل وی منطبق با مادتين ۹۱ و ۱۰۴ قانون کار، علیهذا دادگاه مستنداً به مادتين ۱۷۶

و ۱۷۹ ناظر به مادتين صدرالاشاره از قانون مرقوم و رعايت قسمت اول ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامي متهم ياد شده را به پرداخت يكصد برابر حداقل دستمزد روزانه يك كارگر در سال ۱۳۸۴ بابت ممانعت از ورود بازرس اداره كار، به محل كارگاه و پرداخت دويست برابر حداقل دستمزد روزانه يك كارگر يعنى ۸۰۰ ۸۱۷۲ ريال بابت عدم رعايت موازين و مقررات بهداشتي و حفاظتي در محل كار به عنوان جرئمه كه برابر ماده ۱۸۶ قانون مورد استناد و اريز گردد محكوم مي نمايد و در خصوص مورد سوم- نظر به اينكه موضوع اعلام شده در قانون كار فاقد جنبه جزائي و مشمول تبصره ۴ ماده ۴۱ همان قانون و صرفاً حقوقی و منوط به مطالبه افراد ذی حق می باشد مستنداً به ماده ۲ قانون مجازات اسلامي و بند الف ماده ۱۷۷ قانون آ.د.ك رای بر برائت متهم موصوف صادر و اعلام می گردد. راس صادره حضوري و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض و رسيدگی مجدد در محاکم محترم تجديد نظر مرکز استان می باشد. محكوم عليه (متهم) از شماره دادنامه فوق الذكر تجديد نظر خواهی نموده و پرونده در شعبه ۱۰ دادگاه تجديد نظر خراسان رضوی تحت رسيدگی قرار گرفته است.

شماره دادنامه: ۱۱۷/۱۷۱۴ موضوع کلاسه پرونده: ۱۶۷۶-۸۵ ش ۱۰

تجدید نظر

تجدید نظر خواه: آقای غ-م

تجدید نظر خوانده: اداره کار و امور

اجتماعی نیشابور

رای دادگاه: در خصوص تجديد نظر خواهی آقای غ-م از دادنامه شماره ۵۱۸ مورخه

۸۵/۲/۳۱ موضوع پرونده کلاسه ۸۵/۱۰۱ شعبه ۱۰۲ نیشابور که به موجب آن نامبرده به

اتهام ممانعت از ورود بازرسان اداره کار به محل کارگاه تولیدی زنگ اخبار و عدم رعایت

مقررات بهداشتی در محل کار محكوم شده به ترتيب يكصد برابر حداقل دستمزد روزانه

يك كارگر به مبلغ ۴۰۸۶۴۰۰ ريال و دويست برابر حداقل دستمزد روزانه يك كارگر به

مبلغ ۸۱۷۲۸۰۰ در حق دولت محكوم گردیده است وی به حکم اعتراض کرده که اولاً در

زمان مراجعه بازرسين به محل كارگاه ایشان در محل كار نبوده و كارگران در محل كار

نبوده اند و به جز دو نفر از بستگانش كه در محل كار كه منزلش هم آنجا هست كس ديگر

نبوده و ایشان سبب ممانعت نشده و مضافاً بر این آمادگی خود را برای بازرسی مامورین از

كارگاه خود اعلام نموده و اضافه کرده است كه محل كارگاه از نظر بهداشتی است و هیچ

گونه خلاف بهداشت در آن جا موجود ندارد و در نهایت درخواست نقض دادنامه را نموده است با مذاقه لازم در پرونده مضافاً به دفاعیات متهم ملاحظه می شود که در گزارش مامورین تلویحاً به این امر اعتراض شده که کارگران آقای مفهومی از باز کردن در کارگاه خودداری کردند و در خصوص عدم رعایت بهداشت مامورین محل را بازدید نکرده اند تا معلوم شود که بهداشت رعایت شده یا خیر علیهذا از جهت تکافو دلیل بر وقوع بزه دادگاه اعتراض را موجه تشخیص در جرای ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک دادنامه نقض و مستنداً به ماده ۱۷۷ قانون مذکور از بزه انتسابی تبرئه می گردد رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: قاضی محترم دادگاه بدوی به موادی استناد کرده از جمله به ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی که این ماده فقط در مورد تعدد مادی (واقعی) می باشد و چون کارفرما جرایم انجام داده ولی از یک نوع بوده لذا شامل علل شددده کیفر بوده النهایه رای دادگاه محترم طبق مقررات قانونی صادر شده است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش
۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده: ۱۰۶۹/۸۵ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزایی دادگستری
نیشابور

شاکی: شرکت لوله و مخابرات نفت ایران منطقه شمال شرق با
نماینده آقای یوسف نقوی

مشتکی عنه: آقای س-م

موضوع جرم: بی مبالاتی در امر حفاری منتهی به تخریب

شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران با نمایندگی آقای یوسف نقوی شکایت خود را
دائر بر بی مبالاتی در امر حفاری از طرف آقای (س-م) به دادستان محترم نیشابور تقدیم
نموده و در شکوائیه بیان داشته که کانالی که جهت انتقال کابل‌های مخابرات توسط پیمانکار
صورت گرفته لوله انتقال نفت مسیر شاهرود مشهد توسط بیل مکانیکی خسارت دیده و
مقداری مخدوش و لوله نازک گردیده است و امکان نشت بنزین و یا ترکیدن لوله وجود
دارد. علیهذا با استناد به ماده ۸ قانون راجع به مجازات اخلال گر تقاضای رسیدگی دارم
پرونده جهت تحقیق و بازجویی به شعبه دوم بازپرسی ارجاع شده، شاکی در جلسه
۸۵/۲/۱۹ در بازپرسی علاوه بر شکایت بر علیه مشتکی عنه از رئیس مخابرات استان
خراسان رضوی به علت عدم نظارت و عدم استعلام از ما شکایت نموده، شاکی متعاقباً بیان
کرده که استعلام از هر اداره ای که لازم بوده توسط شرکت مخابرات اخذ شده و بنده
اطلاعی از این خط لوله نداشتم. باز پرس محترم در این مقطع قرار تامین کفالت مشتکی
عنه را با وجه الکفاله به مبلغ یکصد میلیون ریال و قرار قبولی کفالت ایشان را پس از احراز
ملائت کفیل (آقای قدسی) صادر نموده است. باز پرس محترم با توجه به اوراق و محتویات
پرونده با اعلام تحقیقات مبادرت به صدور قرار نموده است. قرار داد سرا: در خصوص
اتهام آقایان ۱- س.م ۲- مدیر عامل شرکت مخابرات و رئیس مخابرات استان خراسان
رضوی دایر به بی مبالاتی و عدم دقت در حفاری کانال فیبر نوری منجر به برخورد با خط
لوله انتقال بنزین از شاهرود به مشهد و تخریب لوله مذکور، موضوع شکایت شرکت
خطوط لوله و مخابرات نفت منطقه شمال شرق کشور، با توجه به اوراق و محتویات پرونده

و صرف نظر از صحت و سقم موضوع با توجه به اینکه رسیدگی به اتهام رئیس مخابرات استان خراسان خارج از حدود صلاحیت رسیدگی به متهم اصلی را دارد، لذا این بازپرسی قرار عدم صلاحیت خود را به استناد مواد ۵۴ و ۵۶ ق.آ.د.ک و مقررات قانون کیفر کارکنان دولت به اعتبار صلاحیت و شایستگی دادسرای محترم عمومی و انقلاب مشهد مقدس صادر و اعلام می فرماید قرار صادره پس از تایید دادستان محترم وفق مقررات قابل اعتراض می باشد. دادستان با قرار صادره موافقت نموده لذا پرونده به دفتر کل دادسرای عمومی و انقلاب مشهد ارسال شده و در شعبه سوم بازپرسی مورد رسیدگی و اظهار نظر قرار گرفته و در آن شعبه در تاریخ ۸۵/۳/۷ نمایندگان شرکت لوله و مخابرات نفت ایران و اداره مخابرات استان خراسان رضوی حضور داشته. نماینده شرکت لوله و مخابرات نفت ایران آقای داوود رضا حاجی پور اظهار داشته از مدیر عامل شرکت تدارکات ساخت توس آقای احمد جلیلی و پیمانکار شرکت به نام آقای سلیمان مقدم، آقای ناصری راننده بیل مکانیکی و مدیر کل شرکت مخابرات خراسان رضوی به علت عدم نظارت و رعایت ضوابط قانونی شاکی هستیم. نماینده مدیر عامل مخابرات استان خراسان رضوی در دفاع بیان داشته که برابر فرم های اسناد مناقصه ای که مورد تایید و امضا شرکت پیمانکار قرار گرفته است، هماهنگی با ارگانهای مختلف (وزارت راه و ترابری، سازمان آب و برق و غیره) با پیمانکار است لذا اتهام متوجه شرکت مخابرات نمی گردد. بازپرس محترم شعبه سوم پس از ختم تحقیقات مبادرت به صدور قرار نموده است.

قرار دادسرای عمومی و انقلاب مشهد: در خصوص شکایت شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران منطقه شمال شرق علیه مدیر کل شرکت مخابرات خراسان رضوی آقای کارگزار دایر بر بی مبالاتی و عدم رعایت مقررات دولتی که منتهی به ایراد خسارت به خطوط لوله نفت توسط شرکت مجری به نام مدیریت تدارکات و ساخت توس در جریان حفاری کانال فیبر نوری در حوالی شهرستان نیشابور شده از آنجایی که در قرار داد منعقد شده بین شرکت مخابرات خراسان و شرکت مجری صراحتاً مسئولیت هماهنگی با ارگان های مختلف مثل وزارت راه، سازمان آب و برق و غیره بعهده شرکت مجری گذاشته شده است و در ثانی پیمانکار شرکت مجری می باشد باعث خسارت بوده است لذا اتهامی متوجه مدیر کل مخابرات استان خراسان رضوی نمی باشد عقیده بر منع پیگرد ایشان دارم. راجع به اتهام آقای (س.م) و شرکت مدیریت تدارکات و ساخت توس نیز همچنان در

صلاحیت رسیدگی دادسرای محل وقوع جرم یعنی نیشابور می باشد لذا در اجرای ماده ۳۳ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب جهت صلاحیت یکی از دادرهای فوق به شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر استان خراسان رضوی ارجاع شده است.

رای دادگاه تجدید نظر: در خصوص اختلاف حاصل در صلاحیت رسیدگی به موضوع پرونده حاضر بین دادرهای عمومی و انقلاب نیشابور و مشهد نظر به اینکه طبق محتویات پرونده اساساً مدیر کل مخابرات استان با مدیریت شرکت تدارکات و ساخت قدس آقای سلیمان مقدم در بی مبالاتی و عدم رعایت مقررات دولتی و تخریب لوله مشهد و تعیین صلاحیت دادسرای عمومی و انقلاب نیشابور رفع اختلاف می گردد رای صادره قطعی است. از قرار منع تعقیب صادره شاکی اعتراضی ننموده است و پرونده به دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان نیشابور ارسال شده است و در شعبه دوم دایاری مورد تحقیق قرار گرفته است. کارشناسان شرکت خط لوله و مخابرات خسارات وارده بر خطوط لوله و مخابرات را مبلغ ده میلیون و سیصد هزار ریال بر آورد کرده اند. دادیار محترم به تاریخ ۸۵/۵/۲۹ در وقت فوق العاده اتهام آقای س-م را دایر بر بی مبالاتی و عدم رعایت مقررات دولتی منتهی به ایراد خسارت به خطوط لوله نفت منطقه شمال شرق محرز و مسلم دانسته و قرار مجرمیت وی را که مورد موافقت معاون دادستان قرار گرفته صادر نموده. متعاقب آن دادیار محترم کیفرخواست متهم را با شماره ثبت ۲۹۱۴/۴۴ صادر و به دادگاه عمومی جزائی شهرستان نیشابور ارسال نموده و تقاضای اعمال مجازات مشکی عنه را طبق ماده ۸ قانون مجازات اخلال گران در صنایع نفت ایران و تبصره های آن، خواستار شده است. پرونده از طرف رئیس دادگستری نیشابور به شعبه ۱۰۲ جزائی جهت رسیدگی و صدور رای ارسال و در تاریخ ۸۵/۷/۳۰ در جلسه دادرسی نماینده حقوقی شرکت نفت ایران منطقه شمال شرق اعلام نموده که به شکایت خود باقی هستیم. دادگاه با ملاحظه جمیع اوراق پرونده ختم رسیدگی را اعلام نموده و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۸-۷/۸۶ موضوع کلاسه پرونده: ۱۰۶۹/۸۵ ش ۱۰۲ جزائی.

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای س.م فرزند عباس، پیمانکار مخابرات دایر به بی مبالاتی در امر حفاری مربوط به کانال جهت عبور فیبر نوری منتهی به تخریب بخشی از لوله انتقال نفت شاهرود - مشهد واقع در نیشابور، نظر به محتویات پرونده و شکایت

نمایندگان شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران منطقه شمال شرق - گزارش مرجع انتظامی - تحقیقات معموله توسط دادسرای محترم عمومی و انقلاب نیشابور و با عنایت به کیفر خواست صادره و اینکه متهم علیرغم ابلاغ اخطاریه حضور نیافته و از اتهام انتسابی دفاعی نکرده بزهکاریش در نظر دادگاه محرز است. علیهذا دادگاه مستنداً به قسمت اخیر ماده ۸ قانون مجازات اخلا لگران در صنایع نفت ایران و تبصره ماده مرقومه و رعایت بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین و ماده ۲۱۷ قانون آئین دادرسی کیفری ضمن محکومیت متهم به پرداخت خسارت وارده به میزان ۱۰۳۰۰۰۰۰ ریال به شرکت خطوط لوله نفت ایران منطقه شمال شرق، ایضاً نامبرده را به پرداخت ۳۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی به نفع درآمد عمومی کشور محکوم می نماید. رای صادره غیابی و ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شعبه و سپس ظرف ۲۰ روز قابل اعتراض و رسیدگی مجدد در محاکم محترم تجدید نظر مرکز استان می باشد.

نظریه کارآموز: با توجه به اینکه بازپرس محترم شعبه سوم دادسرای عمومی و انقلاب مشهد در خصوص اتهام مدیر عامل شرکت مخابرات خراسان رضوی دایر بر بی مبالاتی و عدم رعایت مقررات دولتی که منتهی به خسارت بر لوله های نفت مسیر شاهرود-مشهد گردید قرار منع تعقیب صادر شده و نسبت به مدیر عامل شرکت تدارکات و ساخت توس و آقایان ۱-س.م ۲-م-ن قرار عدم صلاحیت صادر که مورد اختلاف در دادگاه تجدید نظر مرکز استان رسیدگی و صلاحیت دادسرای عمومی و انقلاب نیشابور (محل وقوع جرم) محرز دانسته شده و پرونده در شعبه ۲ دایاری مورد رسیدگی قرار گرفته، دادیار محترم شعبه دوم متاسفانه فقط در مورد اتهام آقای س.م اظهار نظر و قرار مجرمیت صادر نموده و در مورد مدیر عامل شرکت تدارکات و ساخت توس و آقای م.ن هیچ گونه تعقیب و محاکمه ای صورت نگرفته است. در حالی که دادیار محترم در مورد اتهام هر سه مورد اظهار نظر کرده و قرار متقاضی را صادر می نمود.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش
۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده: ۲۷۵۲/۸۴ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی دادگستری
نیشابور

شاکی: اداره آب نیشابور

مشتکی عنهما: آقایان ۱-ع-ح. ۲-۱-خ

موضوع: حفاری غیر مجاز

اداره آب نیشابور شکوائیه ای علیه مشتکی عنهما تنظیم و تقدیم دادستان نموده و بیان داشته که با توجه به صورت جلسه توقیف دستگاه حفاری غیر مجاز بنا به اظهارات کارگران حفار به مالکیت (ع-ح) که فاقد کد دانگ می باشد در تاریخ ۸۴/۱۲/۳ توسط مأمورین این اداره با هماهنگی نیروی انتظامی پاسگاه طاغنکوه و به استناد و مقررات ماده ۳۴ قانون آب و نحوه ملی شدن آن و ماده ۱۳ قانون توزیع عادلانه آب اشخاص حقیقی و حقوقی که حرفه آن ها حفاری است موظفند پروانه صلاحیت حفاری از وزارت نیرو تحصیل کنند و بدون داشتن پروانه مجاز به حفاری با وسایل موتوری نمی باشد. اما با توجه به اینکه دستگاه حفاری موضوع شکایت غیر مجاز و فاقد پروانه صلاحیت حفاری می باشد و آلت ارتکاب جرم محسوب می گردد و به لحاظ نداشتن کد دانگ و مشخصات قانونی از جمله شماره پلاک و مدارک قانونی و رسمی دیگر اصولاً امکان شناسایی مالک یا مالکین قانونی آن وجود ندارد و معمولاً اشخاص مختلفی مخفیانه و شبانه اقدام به حفاری های غیر قانونی می نمایند که این امر مخل نظم عمومی است. خواهشمند است به استناد قسمت اخیر ماده ۳۴ قانون آب و نحوه ملی شدن آن و ماده ۱۳ قانون توزیع عادلانه آب دستور فرمائید دستگاه حفاری غیر مجاز مذکور تا زمان نصب کد دانگ و سایر مشخصات قانونی و رسمی بر روی آن، و اخذ پروانه صلاحیت حفاری از طرف وزارت نیرو، از دسترس عموم خارج و در محل این اداره یا محل مناسب دیگری ضبط و نگهداری شود. پرونده جهت تحقیق و بازجویی به شعبه اول دادرسی ارجاع شده است.

اظهارات آقای (م.ب) در دادرسی حکایت از این دارد که چاه ۱۵۵ متر مجوز داشته که حدوداً دو ماه پیش شناور آن سوخته و برای تعمیر به مشهد برده شده پس از تعمیر جهت

نصب آن اقدام نموده متوجه شدند چاه ریزش نموده لذا اقدام به لایه روبی آن نموده و اطلاع نداشته اند که جهت لایه روبی باید مجوز بگیرند و گمان می کردند مجوز اولیه کافی است.

اظهارات متهم ردیف اول در دادسرا دستگاه ساخت خودم است و بدون پروانه و کد دانگ است.

اظهارات متهم ردیف دوم در دادسرا: قبول دارم پول را از مالکان گرفته ام و دستگاه را با کامیون از مشهد آورده بودند با جرثقیل خودم به محل چاه بردم و از غیر مجاز بودن دستگاه حفاری نیز اطلاع داشتم. دادیار محترم قرار تامین کفالت آقایان متهم ردیف اول و متهم ردیف دوم اولی متهم به حفاری غیر مجاز و دومی به معاونت در جرم مذکور به وجه الکفاله مبلغ اول به مبلغ چهل میلیون ریال و دومی بیست میلیون ریال از حال تا ختم دادرسی و شروع به اجرای دادنامه صادر می نماید. آقای مرتضی بزغانی با شماره پروانه ۱۱۳ کفالت آقای متهم ردیف اول و آقای محسن خانی با شماره پروانه ۱۹۵ کفالت آقای متهم ردیف دوم را قبول نموده و دادیار محترم قرار قبولی کفالت هر دو متهم را صادر نموده است. دادیار محترم قرار مجرمیت ۱- آقای (ع-ح) متهم ردیف اول را دایر بر حفاری غیر مجاز با دستگاه فاقد پروانه ۲- آقای (ا-خ) متهم ردیف دوم را دایر بر معاونت در حفاری غیر مجاز با دستگاه فاقد پروانه صلاحیت حفاری و فاقد کد دانگ به صورت رابط بودن بین مالکین و متهم ردیف اول و در اختیار گذاشتن جرثقیل خود جهت حمل دستگاه فوق صادر نموده و در خصوص اتهام آقای محمد علی بنوئی و سایر مالکین چاه دایر بر اقدام به حفاری و لایحه روبی چاه خود با دستگاه غیر مجاز فوق با توجه به عدم اطلاع آنان از لزوم اخذ مجوز جهت لایه روبی لذا بعلت فقد عنصر معنوی جرم مستنداً به بند الف ماده ۱۷۷ ق.آ.د.ک قرار منع تعقیب آنان صادر نموده است. دادیار محترم شعبه اول کیفر خواست تحت شماره ۶۷۵۵/۲۳۰-۸۴/۱۲/۱۱ صادر نموده و تقاضای اعمال مجازات علیه متهمان فوق طبق ماده ۱۳ قانون توزیع عادلانه آب و ماده ۴۳ و ۱۰ قانون مجازات اسلامی خواستار شده است. پرونده جهت رسیدگی و صدور رای به شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی ارسال شده است در این مرحله مالکین چاه شماره ۶ بتو شکایت خود را علیه آقای متهم ردیف دوم مبنی بر اینکه در تاریخ ۸۴/۱۲/۳ بدون هیچ گونه اطلاع مبلغ نهصد و بیست و پنج هزار تومان بابت لایه روبی چاه به وی پرداخت نمودیم، ولی در زمان

مراجعه مامورین به چاه متوجه شدیم که دستگاه حفاری بدون مجوز می باشد، اعلام نمودند و متعاقب این شکایت مراتب را شورای اسلامی روستای بتو تایید نمودند. نماینده اداره آب نیشابور جناب آقای محمد ثابتی مقدم در جلسه دادرسی در مورخه ۸۵/۲/۱۸ شکایت خود را نسبت به متهمین فوق الذکر اعلام نموده و اظهارات متهمین فوق الذکر در صورت جلسه ۸۵/۲/۱۸ همان اظهاراتی که در دادسرا بیان داشته را اظهار نمودند. دادگاه با ملاحظه جمیع اوراق پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۳۳۷/۱۹۶ موضوع کلاسه پرونده ۸۵/۲۷۵۲ ش ۱۰۲

جزائی

رای دادگاه: در خصوص اتهام ۱- ع.ح ۲- ا.خ متهم ردیف اول دایر به حفر چاه آب بصورت غیر مجاز و بدون داشتن پروانه حفاری ردیف دوم معاونت در بزه یاد شده با در اختیار گذاشتن دستگاه جرثقیل حفاری، نظر به محتویات پرونده، شکایت ریاست محترم اداره آب نیشابور، توجهاً به اقرار صریح متهمان و عدم دفاع موجه ردیف اول به اینکه به تقاضای متهم ردیف دوم اقدام به این امر نموده- بزهکاری هر دو در نظر دادگاه محرز است. علیهذا دادگاه مستنداً به ماده ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب ناظر به ماده ۱۳ همان قانون و رعایت بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین متهم ردیف اول را به پرداخت مبلغ یک میلیون ریال جزای نقدی و مستنداً به ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی ناظر به مادتين ۱۳ و ۴۵ قانون صدرالاشاره متهم ردیف دوم را به هفتاد و یک هزار ریال جزای نقدی به نفع درآمد عمومی کشور محکوم می نماید. دستگاه های مورد نظر در اجرای ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی و ۱۱۱ قانون آئین دادرسی کیفری حسب مورد به متهمان مسترد گردد. رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در محاکم محترم تجدید نظر مرکز استان می باشد. محکوم له (اداره آب نیشابور) از دادنامه فوق الذکر تجدید نظر خواهی نموده و پرونده در شعبه هفتم دادگاه تجدید نظر استان خراسان رضوی تحت رسیدگی قرار گرفته است.

تجدید نظر خواه: اداره آب شهرستان نیشابور تجدید نظر خوانده:

آقایان ۱- ع.ح ۲- ا.خ

تجدید نظر خواسته: رای شماره ۳۳۷/۱۹۶-۸۵/۲/۳۱ صادره از شعبه ۱۰۲

دادگاه عمومی نیشابور

رای دادگاه: در خصوص تجدید نظر خواهی اداره آب شهرستان نیشابور نسبت به دادنامه فوق الذکر که به موجب آن حکم به استرداد وسایل حفاری غیر مجاز به متهمان صادرگردیده، با عنایت به مندرجات پرونده نظر به اینکه از سوی تجدید نظر خواه ایراد و اعتراض موجه و مدلی که بر اساس صفحه ، وارد سازد مطرح نگردیده و حکم صادره خالی از اشکال قانونی است النهایه با توجه به رویه موجود استرداد منوط به اخذ پروانه می باشد لذا با این وصف مستنداً با بند الف ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک ضمن رد اعتراض نامبرده دادنامه تجدید نظر خواسته تایید و استوار می گردد رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: عمل متهم ردیف دوم با بند ۲ ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی منطبق است و علاوه بر آن شرایط تحقق معاونت در جرم که عبارتند از ۱- لزوم قابل کیفر بودن فعل اصلی ۲- لزوم وقوع فعل اصلی یا شروع به اجرای آن ۳- لزوم فعل مثبت ۴- لزوم احراز رابطه علیت ۵- لزوم تقدم یا تقارن زمان عمل معاون بر مباشر اصلی توسط متهم ردیف دوم به وقوع پیوسته لذا رای دادگاه منطبق با قوانین صادر شده است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش

۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده: ۲۰۷۰/۸۵ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی دادگستری

نیشابور

شاکی: گزارش

مشتکی عنها: خانم ع - ج

موضوع: قوادی

دایره مبارزه با مفاسد اجتماعی گزارشی تهیه و تقدیم دادستان نموده و مرقوم داشته اند که ساعت ۱۹/۵۰ یوم جاری ۸۵/۱۱/۱۶ در پی تماس مرکز ۱۱۰ کلانتری ۱۱ مبنی بر اینکه نزاعی در چهار راه عدالت فردوسی جنوبی می باشد مامورین به محل اعزام که شخصی به نام غلامرضا کوچک از خانمی به نام (ع-ج) شکایت دارد که به درب منزل مراجعه و زنگ زده سپس فراری شده با توجه به اینکه احتمالاً خانم فوق قوادی داشته باشد. متهم فوق دستگیر شده و به دایره مفاسد اجتماعی تحویل شده است. ابتدا از شاکی پرونده به نام غلامرضا کوچک بازجویی شده و بیان داشته که از متهم فوق شکایت دارم ایشان فرد خلاف است و چندین بار داخل کوچه ما آمده و امشب هم درب منزلمان بوده و قصد زنگ زدن را داشته که دخترم ایشان را دیده است و خودم چند مرتبه به این خانم تذکر دادم که دیگر به این کوچه نیاید و ایشان دیگر به کوچه ما و درب منزلمان نیاید شکایتی از ایشان ندارم. خانم متهم در دایره مفاسد اجتماعی اظهار داشته که بنده شوهر ندارم و تنها زندگی می کنم بخاطر خرج و مخارج زندگی قصد قوادی داشتم امروز حدود ساعت ۱۹ در چهار راه عدالت ایستاده بودم که جوانی پیاده آمد پیش من و گفت یک دختر خوبی می خواهم و من گفتم یک دختر فراری است و باید شب اول پنج هزار تومان بدهید من پول را گرفتم و به طرف بازار سرپوش حرکت کردم این جوان هم دنبالم آمد و مامورین مرا دستگیر کردند. دو سال است که در چهار راه عدالت مستقر هستم جوانان به من مراجعه می کنند و درخواست دختر دارند که من مبلغ ۲ هزار تومان پول از آن ها می گیرم تا دخترم برایشان بیاورم و پس از محل متواری شدم. مدت ۵ سال اعتیاد دارم و روزی هزار تومان تریاک مصرف می کنم و تا کنون ۱۰ مرتبه به زندان رفته ام. پرونده جهت تحقیق و بازجویی به

شعبه محترم سوم دادیاری توسط دادستان عمومی و انقلاب ارجاع شده، متهمه فوق در شعبه سوم دادیاری بیان داشته که اعتیاد را قبول دارم و اینکه پول می گرفتم تا زن و دختر به پسران معرفی نمایم، قبول دارم. من خودم زمانی که جوان بودم حدود ۱۰ سال قبل بعضی موقع ها با جوان ها می رفتم که شلاق آن ها را خورده ام. متهمه فوق در آخرین دفاع بیان داشته که اعتیاد را قبول دارم از جوانان پول می گرفتم ولی زن و دختر به آن ها معرفی نمی کردم. دادیار محترم قرار آزادی متهم خانم ع-ج متهم است به اعتیاد به مواد مخدر و فراهم نمودن موجبات فساد و فحاشی مقید است به تودیع وثیقه با وجه الوثاق به مبلغ بیست میلیون تومان از هم اکنون تا خاتمه رسیدگی و شروع به اجرای کامل دادنامه که در صورت معرفی و ایداع آن آزاد و الایز داشت می شود. با توجه به اینکه متهمه فوق وثیقه نگذاشته لذا به زندان معرفی شده است. دادیار محترم شعبه سوم قرار مجرمیت متهم فوق صادر نموده و معاون دادستان با قرار صادره موافقت نمود. دادیار محترم شعبه سوم دادرسی عمومی و انقلاب نیشابور کیفر خواست صادر و به دادگاه انقلاب مشهد و محاکم جزائی و عمومی نیشابور ارسال نموده و تقاضای اعمال مجازات طبق ماده ۱۴ ق اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و بند ب ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی را نموده است. پرونده اول به دادگاه انقلاب مشهد فرستاده شده و دادگاه انقلاب تحت رسیدگی قرار گرفته و قاضی محترم این شعبه مستنداً به مواد ۱۶ و ۲۲ قانون اصلاحی مبارزه با مواد مخدر و قانون مجازات اسلامی به پرداخت سیصد هزار تومان جریمه نقدی محکوم نموده که مبلغ سی هزار تومان آن بدل از سی ضربه شلاق بوده - رای صادره حضوری و قطعی است و ایام بازداشتی وی محاسبه گردد. پرونده بعد از صدور رای دادگاه انقلاب به دادگاه ۱۰۲ جزائی نیشابور ارسال شده و همین شعبه متهمه را احضار نموده و در صورت جلسه مورخه ۸۵/۱۲/۲۳ در مورد قوادی و فراهم کردن موجبات فساد متهمه انکار نموده و گفته اصلاً دروغ است. قاضی محترم از متهمه پرسیده که شما نزد مامورین انتظامی و دادیاری اقرار کرده اید چه می گوئید؟ بخدا دروغ است من نگفته ام اعتیاد را قبول دارم و این حرفها را نگفته ام خودشان نوشته اند.

دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۲۱۵۵/۳۷ موضوع کلاسه پرونده ۲۰۷۰/۸۵ شعبه ۱۰۲

جزائی.

رای دادگاه: در خصوص اتهام خانم (ع-ج) دایر به قوادی، فراهم نمودن موجبات فساد یعنی جمع کردن بین زنان و مردان اجنبی جهت انجام عمل شنیع زنا و رابطه نامشروع- نظر به محتویات پرونده و مدافعات متهمه - ^{صفحه} شدید موضوع از سوی وی و اینکه اظهاراتش در دادسرا و مرجع انتظامی که مدعی ، سواد نداشته به هیچ عنوان مورد تایید نامبرده نمی باشد در خصوص مورد اول چون موضوع حدی است و شرعاً دلیلی در مقام اثبات موضوع قوادی وجود ندارد و در مورد دوم یعنی فراهم نمودن موجبات فساد هم دلیلی در پرونده جز اظهارات وی در مرجع انتظامی که مدعی است به هیچ عنوان چنین اعتراضی نکرد. وجود ندارد لذا به لحاظ عدم کفایت دلیل اثباتی و عدم حصول قناعت وجدانی مستنداً به بند الف ماده ۱۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری و اصل اولیه برائت مصرح در اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رای بر برائت مشارالیه صادر و اعلام می گردد، رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ توسط دادستان محترم قابل اعتراض و رسیدگی مجدد در محاکم تجدید نظر استان می باشد.

نظریه کارآموز: اولاً آنچه که در کیفرخواست مقرر شده « اتهام خانم متهمه دایر به موجبات فساد و فراهم آوردن آن موضوع بند ب ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی می باشد و در مورد قوادی سخنی به میان نیامده ولی دادگاه در مورد قوادی اظهار نظر کرده در حالی که موضوع شکایت نبوده است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش
۲۰/۸۴-۲:

کلاس پرونده: ۲۷-۷/۸۴ شعبه ۱-۲ دادگاه عمومی جزائی دادگستری

نیشابور

شاکی: آقای م-گ

مشتکی عنه: آقای ع-گ

موضوع: تخریب محصول کشاورزی

شاکی آقای م-گ شکوائیه ای علیه مشتکی عنه آقای ع-گ تنظیم و تقدیم دادستان محترم نموده و در شکوائیه اظهار داشته که مشتکی عنه اقدام به تخریب میزان دویست متر زمین که زیر کشت گندم آبی بوده، نموده لذا تقاضای تعقیب و مجازات نامبرده را دارم.

پرونده جهت تحقیق به شعبه هفتم دادرسی ارجاع شده، دادیار محترم پرونده را جهت مشخص شدن صحت و سقم موضوع دعوا به پاسگاه مربوطه ارسال شده و احدی از مامورین پاسگاه مربوطه به همراه شاکی به محل مورد اختلاف عزیمت نموده و مشاهده شده که مشتکی عنه بدون توجه به مرز میان دو زمین زراعی از حق و حقوق خود نیز تجاوز نموده و از زمین شاکی به مقدار $۷۵ * ۱/۵$ طول و عرض تخریب صورت گرفته است. اظهارات متهم: اتهام فوق را قبول ندارم. شاید به طور اشتباهی با تراکتور در مرز جابجایی ایجاد شده است و به صورت تلویحی اتهام فوق را قبول نموده است.

اظهارات گواهان: گواهان بیان داشته اند که مقدار دویست متر از زمین شاکی را مشتکی عنه تخریب نموده است.

دادیار محترم شعبه هفتم قرار مجرمیت آقای ع-گ را در خصوص اتهام فوق با عنایت به دلایل ۱- شکایت شاکی ۲- اقرار ضمنی متهم و غیره صادر نموده و معاون دادستان با قرار صادره موافقت نموده است. کیفرخواست از طرف دادستان محترم با توجه به دلایل فوق صادر و تقاضای مجازات نامبرده را طبق ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی خواستار شده است.

پرونده جهت رسیدگی و صدور رای به شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی ارسال شده و در جلسات دادرسی همان اظهاراتی را بیان داشته اند که در دادسرا و نیروی انتظامی مرقوم

داشته اند. لذا دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۲۱۹/۷۸ موضوع کلاسه پرونده: ۲۷۰۷/۸۴ شعبه ۱۰۲

جزائی

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای ع-گ دائر بر تخریب محصول گندم به مقدار ۷۵ در

یک و نیم متر متعلق به آقای م-گ نظر به محتویات پرونده شکایت شاکی، شهادت شهود،

تحقیقات معموله و کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب نیشابور، و اقرار

ضمنی متهم، علیهذا دادگاه مستنداً به ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی و با اعمال مادتين ۲۲

و ۷۲۸ قانون مرقوم به لحاظ وضع خاص متهم نامبرده را به پرداخت مبلغ یک میلیون ریال

جزای نقدی بدل از حبس و پانصد هزار ریال بدل از شلاق به نفع درآمد عمومی کشور

محکوم می نماید. رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر

در محاکم محترم تجدید نظر مرکز استان می باشد. مشتکی عنه (محکوم علیه) از دادنامه

فوق الذکر در مهلت مقرر تجدید نظر خواهی نموده است و در شعبه ۹ دادگاه تجدید نظر

مورد رسیدگی قرار گرفته است.

تجدید نظر خواه: آقای ع-گ

تجدید نظر خوانده: آقای م-گ

تجدید نظر خواسته: رای شماره ۲۱۹-۷۸-۸۵/۲/۲۱ صادره از شعبه ۱۰۲

دادگاه عمومی جزائی نیشابور.

رای دادگاه تجدید نظر: در خصوص تجدید نظر خواهی آقای ع-گ از رای شماره

فوق الذکر که به موجب آن به اتهام تخریب محصول گندم به مقدار عرض ۷۵ سانتی متر

در طول یک و نیم متر به پرداخت مبلغ یک میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس و مبلغ

پانصد هزار ریال بدل از شلاق به نفع درآمد عمومی کشور محکوم گردیده. نظر به

محتویات پرونده و شهادت شهود و کیفرخواست صادره و اقرار تلویحی متهم، مراتب

مذکور جرمش محرز است و ایرادی بر رای صادره وارد نمی باشد لذا دادگاه، تجدید نظر

خواهی را وارد ندانسته النهایه نظر به فقد سابقه کیفری و میزان تخریب بعمل آمده و

رعایت تناسب بین جرم و مجازات دادگاه با اعمال تبصره ۲ ماده ۲۲ اصلاحیه قانون تشکیل

محاکم عمومی و انقلاب با تقلیل جزای نقدی معین شده به مبلغ پانصد هزار ریال جمعاً

رای صادره را با تخفیف بعمل آمده به استناد بند الف ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک تایید می نماید
رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: رای دادگاه منطبق با موازین قانونی و شرعی است و به صورت صحیح
صادر شده است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا اداقیان شماره پرونده آموزش
صفحه

۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده: ۱۰۹۶/۸۵ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی دادگستری

نیشابور

شاکیه: خانم خ-م

مشتکی عنه: آقای ع-پ

موضوع: عدم ثبت واقعه ازدواج و ترک نفقه

شاکیه شکوانیه علیه مشتکی عنه تنظیم و تقدیم دادستان نموده و بیان داشته که اینجانب عیال دائمی وی که مدت زیادی است با ابلاغ، از ثبت واقعه ازدواج خودداری نموده و دارای یک فرزند می باشم و از تاریخ ۸۵/۴/۲۵ مرا از منزل بیرون کرده و نفقه هم پرداخت نکرده لذا تقاضای تعقیب مشارالیه و مجازات طبق ماده ۶۴۲ و ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی را خواستارم. پرونده جهت تحقیق و بازجویی به شعبه چهارم دادیاری ارجاع شده تنها دلیل استنادی شاکیه، طلاق نامه عادی و رجوع مرد می باشد که در تاریخ ۷۵/۱۱/۳۰ زوجین رجوع نمودند و صیغه عقد دائم شرعی به قوت خود باقی است و صیغه عقد دائم شرعی اجرا شده است دادیار محترم شعبه چهارم قرار مجرمیت متهم را دائر بر عدم ثبت واقعه ازدواج صادر نموده و در خصوص ترک انفاق به لحاظ عدم کفایت ادله اثباتی مستنداً به بند الف ماده ۱۷۷ ق.آ.د.ک قرار منع تعقیب متهم صادر و اعلام می گردد ه وفق مقررات قابل اعتراض است. معاون دادستان با قرار صادر موافقت نموده است. دادستان محترم کیفرخواست صادر و تقاضای اعمال مجازات طبق ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی با رعایت ماده ۴۷ قانون مرقوم را نموده است. پرونده جهت رسیدگی به شعبه ۱۰۲ جزائی ارجاع شده متهم در صورت جلسه ۸۵/۸/۶ در دادگاه بیان داشته که قبول دارم ولی قبلاً همین موضوع را همسر دیگرم مطرح کرده و بنده محکوم به پرداخت ۵۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم شدم و وجه را هم پرداخت کرده ام. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشاء رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۳۷۹ موضوع کلاسه پرونده ۱۰۹۶/۸۵ شعبه ۱۰۲ جزائی.

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای ع-پ دایر بر عدم ثبت واقعه ازدواج دائمی همسر خود خانم (خ-م) نظر به محتویات پرونده و مدافعات متهم به اینکه همین موضوع را قبلاً همسر دیگرش خانم فاطمه اقبال که ازدواج وی ثبت گردیده مطرح کرده و حکم علیه وی صادر شده که دادنامه شماره ۱۲۲۷/۷۶-۸۴/۶/۱۵ صادره از همین شعبه حکایت از صدق اظهارات متهم دارد موضوع دارای عنده **صفحه** باوت شده می باشد لذا مستنداً به بند ۵ ماده ۶ قانون آ.د.ک قرار موقوفی تعقیب صادر و اعلام می گردد. رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم تجدید نظر مرکز استان می باشد.

نظریه کارآموز: هرگاه نسبت به اتهامی رسیدگی و دوباره آن حکم یا قرار قطعی صادر شده باشد نباید دوباره به آن اتهام رسیدگی گردد و به خاطر آن عمل مرتکب را مورد تعقیب و یا مجازات قرار داد این عدم امکان مجدد تعقیب را اعتبار امر مختومه می گویند اما برای تحقق اعتبار امر مختومه چهار شرط است. ۱- وحدت متهم ۲- وحدت شاکی ۳- وحدت فعل ارتكابی ۴- وحدت زمان. وحدتهای مذکور باید یکجا و توأماً وجود داشته باشند ولی در مورد این پرونده شاکی این پرونده با شاکی پرونده ای که به خاطر آن اعتبار امر مختومه دانسته شده متفاوت است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا اداقیان شماره پرونده آموزش
صفحه ۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده: ۱۸۴۸/۸۴ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی دادگستری
نیشابور

شاکیه: خانم ز-ن

مشتکی عنه: آقای ح-و

موضوع: ترک انفاق

خان شاکیه شکوانیه علیه مشتکی عنه (همسرش) تنظیم و تقدیم دادستان نموده و در شکوانیه بیان داشته که اینجانب همسر رسمی مشتکی عنه می باشم حدود ۵ سال است که با یکدیگر ازدواج نموده ایم و هم اکنون ۷ ماه است که باردار می باشم مرا بلا تکلیف در منزل پدرم رها نموده و از پرداخت نفقه و هزینه های زندگی امتناع نموده است. پرونده جهت تحقیق و بازجوئی به شعبه چهارم دادیاری ارجاع شده. اظهارات شاکیه در دادسرا و دادگاه همان اظهاراتی است که در شکوانیه مرقوم داشته. متهم فراری بوده و قابل دسترسی نبوده علیهذا دادیار محترم مطابق ماده ۱۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری، متهم را یک نوبت بوسیله روزنامه حمایت احضار نموده است ولی باز هم متهم در مهلت مقرر حاضر نشده است.

دادیار محترم در خصوص اتهام آقای ح-و با عنایت به گزارش مرجع انتظامی، شکایت شاکیه و سایر قوانین موجود در پرونده قرار مجرمیت متهم فوق را صادر نموده و معاون دادستان با قرار صادره موافقت نموده و دادیار محترم شعبه چهارم کیفر خواست با شماره ۴۵۴۹/۳۸۴ صادر و تقاضای اعمال مجازات طبق ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی خواستار شده است. پرونده جهت رسیدگی و صدور رای به شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی نیشابور ارجاع شده و مدیر دفتر شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی نیشابور طبق ماده ۱۱۵ ق.آ.د.ک

متهم را احضار نموده ولی متهم در مهلت مقرر در ماده مرقوم درد جلسه دادرسی حاضر نگردیده است.

اظهارات گواهان: گواهان متفقاً بیان داشته اند که مشتکی عنه همسرش (شاکیه) را رها نموده و هیچ گونه خرجی و نفقه ای پرداخت ننموده است. دادگاه با ملاحظه جمیع اوراق پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۵۱/۵۱ موضوع کلاسه پرونده ۸۴/۱۸۴۸ شعبه ۱۰۲ جزائی

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقا، - دایر به ترک نفقه همسرش خانم زن، نظر به شکایت شاکیه، تحقیقات معموله و اذ صفحه سی از مطلعین و گواهان و کیفرخواست صادره از دادسرای محترم و اینکه متهم علی‌رغم فراخوانی به دادرسی با نشر آگهی در روزنامه حمایت در موعد مقرر حضور نیافته و دفاعی نکرده، بزهکاری نامبرده در نظر دادگاه محرز است، علیهذا دادگاه مستنداً به ماده ۶۴۲ ق.م.ا و با رعایت ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک متهم یاد شده را به تحمل چهار ماه حبس محکوم می نماید، رای صادره غیابی و ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شعبه و سپس ظرف بیست روز قابل اعتراض و رسیدگی مجدد در محاکم محترم تجدید نظر مرکز استان می باشد.

نظریه کارآموز: اولاً ترک انفاق از جرایم مستمر است محل وقوع آن هم محل اقامت زوج و هم خارج از آن می باشد. ثانیاً شرایط تحقق جرم موضوع ماده ۶۴۲ مجازات اسلامی (ترک انفاق) ۱- داشتن استطاعت مالی شوهر ۲- تمکین زن می باشد النهایه رای دادگاه مطابق با قانون صادر شده است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش: ۲۰/۸۴۰۲:
صفحه

کلاس پرونده: ۱۵۵۴/۸۴ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی دادگستری
نیشابور

شاکی: شهرداری نیشابور

مشتکی عنه: آقای ح-ش

موضوع: فک پلمپ و ساخت و ساز غیر مجاز و تغییر کاربری

شاکی (شهرداری نیشابور) شکوائیه ای علیه مشتکی عنه آقای (ح-ش) تنظیم و تقدیم دادستان نموده و در شکوائیه بیان داشته که از ملک آقای مشتکی عنه واقع در خیابان شهید رنگانی وسط میدان سمت چپ بازدید و مشاهده گردید که نامبرده اقدام به ساخت و ساز غیر مجاز نموده است. از طرفین بازرسین پلمپ شده و ضمن تفهیم به مالک در خصوص مراتب قانونی فک پلمپ، متاسفانه طی بازدید مجدد به تاریخ ۸۴/۳/۲۵ مشاهده گردید که نامبرده ضمن عدم توجه به اخطاریه بازرسین فک پلمپ نموده و کار ساختمانی وی در مرحله ادامه عملیات ساختمانی می باشد. لذا از دادستان محترم تقاضای رسیدگی و صدور حکم مقتضی را دارد. پرونده توسط معاون محترم دادستان به شعبه دوم بازپرسی جهت تحقیق و بازجویی ارجاع شده است. مشتکی عنه در دادرسی و دادگاه اظهار داشته که قبول ندارم، بنده فک پلمپ نکرده ام و خانه ساخته شده ای که در آن ساکن بوده ام آن ها آمده اند و پرچم زده اند و اینجانب داخل آن را خاک گچ کردم و کارهای داخلی را انجام دادم و ساخت و ساز اصلی قبل از زدن پارچه کامل شده بود. بازپرس محترم قرار آزادی مشتکی عنه را به قید معرفی کفیل و پرداخت وجه الكفاله به مبلغ ده میلیون ریال تا ختم دادرسی و

صدور اجرای کامل دادنامه صادر و اعلام نموده و از طرفی آقای حسین مهرآبادی و حسین رستمی کفالت ایشان را پذیرفته و قرار قبولی کفالت صادر شده است در تاریخ ۸۴/۶/۱۳ بازپرس محترم قرار مجرمیت مشتکی عنه را دایر بر فک پلمپ و انجام ساخت و ساز غیر مجاز ساختمانی موضوع شکایت شهرداری نیشابور صادر نموده دادستان محترم با قرار صادره موافقت نموده و کیفرخواست مشتکی عنه فوق صادر شده و دادستان تقاضای اعمال مجازات طبق ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی را خواستار شده است. پرونده جهت رسیدگی و صدور رای به شعبه ۱۰۲ جزائی نیشابور ارجاع شده و اظهارات متهم در جلسه ۸/۹/۸۴ در دادگاه همان است که در دادسرا بیان شده است دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشاء رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۸۱۵/۲۹ موضوع کلاسه پرونده ۱۵۵۴/۸۴ ش ۱۰۲ جزائی

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای ح-ش دایر بر فک پلمپ ساختمان در حال احداث که توسط مامورین شهرداری جهت جلوگیری از ساخت و ساز غیر مجاز صورت گرفته، نظر به صورت جلسه تنظیمی توسط مامورین که به گواهی متهم نیز رسیده، اعلام شکایت شهرداری نیشابور، کیفرخواست صادره از سوی دادسرای محترم و توجهاً به مدافعات غیر موجه متهم به اینکه نصب پارچه از طرف شهرداری بعد از اتمام کارهایم صورت گرفته است. که این مدافعات غیر موجه می نماید بزه انتسابی به نامبرده در نظر دادگاه محرز است علیهذا دادگاه مستنداً به ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی و رعایت بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین متهم یاد شده را به پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی به نفع درآمد عمومی کشور محکوم می نماید. رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی مجدد در محاکم محترم تجدید نظر مرکز استان می باشد.

نظریه کارآموز: آنچه که موضوع شکایت شاکی در شکوائیه است ۳ قسم دارد ۱- فک پلمپ ۲- ساخت و ساز غیر مجاز ۳- تغییر کاربری که هر کدام دارای مجازات های مختلف می باشد ولی دادسرای محترم فقط نسبت به موضوع اول رسیدگی و در موضوعهای دیگر هیچ گونه اظهار نظری نکرده است. یعنی آنچه که در کیفرخواست مقرر شده فک پلمپ می باشد که دادگاه هم بر اساس آن رای صادر کرده لذا رای دادگاه مطابق با موازین قانونی و شرعی صادر شده است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش

۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده: ۱۲۹۱/۸۵ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی نیشابور

شاکیان: آقایان ۱- ن- ک ۲- ج- ح

مشتکی عنهما: آقایان ۱- ع- د ۲- ک- د

موضوع: کلاهبرداری

آقای حسن محمدی به وکالت از طرف شاکیان شکوائیه ای تنظیم و تقدیم دادستان محترم نموده و در شکوائیه اظهار داشته که ۱- موکلین به موجب آشنایی با مشتکی عنهما از شهرستان سقز برای آنان شکر ارسال می نموده ان ۲- پس از مدتی و با جلب اعتماد موکلین مشتکی عنهما از موکلین درخواست نموده اند که برای شخصی به نام چمبری که فرد کارخانه دار و مشهوری است و او را از پرداخت وجوه شکر تضمین می نمایم شکر ارسال نمایند ۳- موکلین با توجه به اعتماد جلب شده توسط مشتکی عنهما اقدام به ارسال شکر برای شخص توصیه شده، به نام چمبری در تاریخ ۱۳۸۴/۶/۲۴ بوزن ۱۵۰۰۰ کیلوگرم و ایضاً در مورخه ۱۳۸۴/۶/۲۷ بوزن ۱۵۵۰۰ کیلوگرم می نمایند البته در فاکتور دوم گیرنده کالا را شخص دور اندیش درج نموده اند در حالیکه برای چمبری بوده است بعد از مدتی که وجه کالاها ارسال نمی شود، موکلین برای دریافت وجوه کالاهای اساسی از آقایان دوراندیش به نیشابور مراجعه و تقاضای وجه نموده که مشتکی عنهما صراحتاً به موکلین اعلام نموده که شکر ارسالی بارنامه ششم و هفتم را ما تحویل نگرفته ایم و ارتباطی با ما ندارد. موکلین اقدام به تحقیقات نموده و متوجه شده که کامیون ارسالی بار در مورخه ۸۴/۶/۲۵ به سفارشی تلفنی آقایان دور اندیش توسط راننده آقای محی الدین یوسفی و شاگرد وی به مقدار ۱۲ تن آن در سبزوار برای کارخانه قند جنب پلیس راه تخلیه و مقدار ۳۵۰۰ کیلوگرم نیز در کمربند نیشابور توسط راننده ای با وانت نیسان کرم رنگ که از سوی آقایان دوراندیش ارسال شده بوده تخلیه شده است و به محل نامعلومی حمل گردیده است. با توجه به اینکه مشتکی عنهما با توسل به وسایل متقلبانه جهت ربودن مال موکلین اقدام به چنین کاری نموده از مصادیق بارز کلاهبرداری بوده لذا تعقیب و مجازات نامبردگان را خواستارم. پرونده جهت تحقیق به شعبه دوم بازپرسی ارجاع شده در بازجوئیهای مکرر که

در معاونت آگاهی نیشابور و دادسرا انجام شده متهم ردیف اول بیان داشته که من هیچ گونه اطلاعی ندارم و حدود پنج سال است که از فعالیت تجاری در زمینه نبات و آبنبات به علت بیماری سکتة کناره گیری کرده ام. متهم ردیف دوم بیان داشته که من با شاکیان شکر می خریدم و هیچ گونه اطلاعی از آقای چمبری ندارم در حالی که رانندگان کامیون مرقوم داشته اند که آقای چمبری را اصلاً ندیده ایم فقط با همراه تماسی که با ما می گرفت و ما را راهنمایی می کرد بار را خالی می کردیم. بازپرس محترم شعبه دوم قرار تامین وثیقه با وجه الوثاقه به مبلغ دو یست میلیون ریال صادر نموده و شخصی به نام رمضانعلی حصارى با جواز کسب شماره ۴۴۵ ضمانت مشتکی عنه ردیف دوم را نموده و بازپرس محترم قرار قبول وثیقه را صادر نموده است. دادستان محترم به علت اینکه بازپرس محترم به سمت رئیس شعبه دوم منصوب گردیده پرونده جهت رسیدگی به شعبه اول دادیاری ارجاع می گردد. دادیار محترم شعبه اول قرار مجرمیت آقای ک- د را دائر به کلاهدرداری صادر نموده و در خصوص اتهام آقای ع- د دائر بر شرکت در کلاهدرداری با توجه به عدم اطلاع وی و اینکه کلیه عملیات و مانورهای متقلبانه توسط متهم ردیف دوم انجام شده لذا به علت عدم کفالت دلیل بر وقوع بزه از سوی متهم مستنداً به بند الف ماده ۱۷۷ قانون آ.د.ک قرار منع تعقیب متهم صادر و اعلام می گردد. معاون دادستان با قرارهای صادره موافقت نموده. قرار منع تعقیب به وکیل شاکیان ابلاغ شده تا ظرف ۱۰ روز نسبت به قرار منع تعقیب اعتراض نمایند ولی از طرف وکیل شاکیان اعتراضی واصل نشده. دادستان کیفر خواست تحت شماره ۳۵۲۷/۱۱۷ ثبت شده و تقاضای اعمال مجازات آقای ک- د را طبق ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلال و کلاهدرداری را نموده است. پرونده جهت رسیدگی به شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی نیشابور ارجاع و اخطاریه به طرفین پرونده ارسال شده در جلسه دادرسی شاکیان و وکیل ایشان حاضر هستند ولی متهم حضور نیافته و اظهارات شاکیان همان است که در دادسرا بیان داشته اند. دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشای رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۹۰۲/۱۶ موضوع کلاسه پرونده ۱۲۹۱/۸۵ شعبه ۱۰۲ جزائی

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای ک- د فرزند عبدالرحیم دائر به کلاهدرداری نسبت به آقایان ۱- ن.ک ۲- ج.ح با وکالت آقای حسن محمدی با این توضیح که متهم مدت مدیدی است از شاکیان که ساکن شهرستان سقز می باشند شکر خریداری کرده و بعد از

جلب اعتماد آنان به صورت تلفنی از آنان درخواست می کند دو کامیون شکر برای شخصی به نام چمبری که کارخانه دار مشهوری است به نیشابور بفرستد و آنان دو کامیون شکر در شهریورماه سال ۱۳۸۴ به مقصد نیشابور برای آن فرد ارسال می نمایند لکن متهم حدود ۱۲ تن از یکی از محموله ها را به شهرستان سبزوار ارسال و بقیه را در شهرستان نیشابور تخلیه نموده که مقدار تقریبی محموله قریب ۳۲ تن و به ارزش ۱۷۱۲۰۰۰۰۰۰ ریال بوده با التفات به تحقیقات و کیفرخواست صادره از سوی دادسرای عمومی و انقلاب نیشابور و اقرار ضمنی متهم و اینکه متهم علی رغم ابلاغ اخطاریه در دادگاه حضور نیافته و از بزه انتسابی دفاعی به عمل نیاورده بزهکاری نامبرده در نظر دادگاه محرز و مسلم است علیهذا دادگاه مستنداً به ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلال و کلاهبرداری و رعایت ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک متهم یاد شده را به تحمل یک سال حبس با احتساب ایام بازداشت قبلی و پرداخت ۱۷۱۲۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی به نفع درآمد عمومی کشور و معادل همین مبلغ به شکات محکوم می نماید رای صادره غیابی و ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه و سپس ظرف ۲۰ روز قابل اعتراض و رسیدگی مجدد در محاکم محترم تجدید نظر مرکز استان خراسان رضوی می باشد.

نظریه کارآموز: رای دادگاه منطبق با موازین قانونی و شرعی صادر و صحیح می باشد.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش
۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده: ۲۷۵۰/۸۴ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی دادگستری

نیشابور

شاکی: آقای ا-ح

مشتکی عنه: آقای م-ع

موضوع: کلاهبرداری (فروش مال غیر)

شاکی شکوائیه ای علیه مشتکی عنه تنظیم و تقدیم دادستان نموده و بیان داشته که اینجانب شاکی قطعه زمینی از اراضی فاروب رمان از پلاک ثبتی ۲۶ از ۱۵ اصلی را مدت ۱۵ سال است که از مرحوم حاج گل محمد عارفخانی خریداری نموده و در تصرف مالکانه خود داشته ام ولی اخیراً متأسفانه فرزند وی (مشتکی عنه) اقدام به فروش مقداری از زمین اینجانب به غیر نموده لذا از مشتکی عنه به دلیل فروش مال غیر و کلاهبرداری شکایت دارم. پرونده جهت تحقیق و بازجویی به شعبه محترم دوم بازپرسی ارجاع شده و بازپرس محترم متعاقب آن پرونده را جهت تحقیق از محل و مطلعین و سجلین ذیل قولنامه به کلانتری ۱۲ جمهوری ارسال شده است. در این مرحله از تحقیق آقای غلامرضا جلالی مهر وکالت خود را از طرف مشتکی عنه اعلام نموده مشتکی عنه در بازجویی خود در کلانتری فوق بیان داشته شکایت شاکی را قبول ندارم زمین مورد ادعای شاکی را سیزده سال پیش به پدرم فروخته ام و مقدار تقریبی زمین فروخته شده به پدرم چهار هزار و چهارصد متر بوده لذا شاکی ادعای زمین خارج از قرار داد (۴۴۰۰ متر) را دارد. شاکی در کلانتری مارالذکر اظهار نموده که مقدار تقریبی ۳۶۰ متر مربع که از پدر ایشان خریداری نموده نامبرده مبادرت به فروش ملک مزبور نموده است. بعد از عودت پرونده از کلانتری به شعبه بازپرسی، بازپرس محترم بعد از ملاحظه اظهارات طرفین و اینکه موضوع مطروحه امری فنی و تخصصی می باشد قرار ارجاع امر به کارشناسی را صادر نموده و آقای ابوالحسن درودی بعنوان کارشناس با حق الزحمه سیصد و پنجاه هزار ریال که با *** طرفین پردازند انتخاب شده است.

نظریه کارشناس: اراضی مورد اختلاف با طبیعت مطابقت داده شده و مشخص گردید

که اراضی تصرفی آقای شاکي در داخل زمین محدوده قرارداد و با بررسی مدارک ارائه شده آقای مشتکی عنه ۱/۳۷ از ملک شماره ۲۶ فرعی را از آقای مهدی خریداری نموده و سپس آن را به پدرش آقای حاج گل محمد عارفخانی فروخته است و بعد از آن آقای شاکي این اراضی را که یک رد کامل می باشد از صفحه ح گل محمد عارفخانی خریداری نموده است. لذا برابر این مدارک آقای محمد علی عارفخانی یک رد کامل خود را فروخته است و در داخل محدوده فوق الذکر هیچ گونه مالکیتی ندارد و در مقابل آقای امیر حسینی با خریداری یک رد کامل که ۱/۳۷ از ملک است مالک اراضی می باشد. لذا با عنایت به اینکه در قولنامه های تنظیمی رد کامل صراحتاً قید شده به نظر اینجانب اراضی مورد اختلاف متعلق به شاکي می باشد و مشتکی عنه بر این اراضی مالکیتی ندارد. در این مرحله بازپرس محترم قرار آزادی مشتکی عنه را به اتهام کلاهبرداری (فروش مال غیر) به قید معرفی کفیل و پرداخت وجه الکفاله به مبلغ پنجاه میلیون ریال تا ختم دادرسی و صدور اجرای کامل دادنامه صادر و اعلام نموده و آقای علی اصغر گلستانی کفالت ایشان را پذیرفته و بازپرس محترم قرار قبولی کفالت وی را صادر نموده است. با توجه به اینکه مشتکی عنه به نظریه کارشناس اعتراض نموده بازپرس محترم قرار ارجاع امر به هیئت کارشناسان صادر و اعلام نموده و آقایان ۱- فضلیانی ۲- جعفری ۳- مروجی بعنوان کارشناس هر یک با حق الزحمه دویست و پنجاه هزار ریال انتخاب شده اند.

نظریه هیئت کارشناسان: بنا به اقرار خود مشتکی عنه در پرونده از رد مالکیت خویش یک قطعه زمین از رد سهام خود در پلاک ۲۶ فرعی فوق الذکر را به پدرش فروخته و ادعائی نسبت به آن ندارد و بنا به اظهار وی و شاکي مساحت آن ۴۵۰۰ متر مربع بوده و سپس پدرش به شاکي فروخته و حدود ۱۵ سال قبل به تصرف داده شده است و در خصوص زمین مورد ترافع مشتکی عنه منکر فروش آن به پدرش بوده و مدعی است زمین مذکور را به پدرش به فروش نرسانده بنا به اظهار تعدادی از مالکین و ابتیاع کنندگان زمین که در محل حضور داشته اند زمین مذکور را ابتدا توسط مشتکی عنه به آقای عید محمد کرمانی فروخته شده و سپس به حسین گازدار منتقل شده و سپس به محمود محمدیان و سید کاظم علی آبادی منتقل شده و مشتکی عنه مدعی است این قطعه زمین جزو مشاعاتی بوده است که در سال ۸۱ فی ما بین مالکین تقسیم شده است و نمی تواند داخل در معامله ۱۵ سال قبل قرار

داشته باشد. علی ایحال به منظور جلوگیری از تضييع حق احتمالی طرفین و اجرای عدالت مناسب ترین راه در خصوص شکایت مطرح شده اعمال ماده ۱۳ ق.آ.د.ک تا مدارک و مستندات ادعائی مورد بررسی حقوقی قرار گرفته و صحت و اصالت آنان رسیدگی ماهوی گردد. با توجه به اینکه موضوع کارشناسی کاملاً صریح و واضح بوده و بنا بوده کارشناسان صراحتاً اعلام نمایند آیا قطعه زمین مورد اختلاف داخل در محدوده قولنامه ای که پدر مشتکی عنه به شاکی فروخته هست یا خیر اما متأسفانه کارشناسان منتخب به حاشیه رفته و مطالبی که مورد نیاز نبوده و در محدوده قرار اصلاً نبوده است را بیان نموده اند لذا مقررات آنان جهت اخذ توضیح در این خصوص به بازپرس دعوت گردند در تاریخ ۸۴/۹/۲۸ کارشناسان در جلسه شعبه دوم بازپرسی حضور دارند و توضیح داده اند که شاکی ادعایی نسبت به قسمت دیگری و در مکان دیگری داشته که حدود ۳۵۴ متر می باشد و فاصله آن بامحل ۴۴۰۰ متر، خیلی زیاد می باشد و نمی توان ارتباطی بین این دو قطعه برقرار نمود. در این مرحله آقای سید مجید بیات وکالت خود را از آقای شاکی اعلام نموده و از بازپرس محترم خواسته که با توجه به اینکه آقای دیدار دفتر یار دفترخانه شماره ۲۰ اسناد رسمی اطلاعات جامع و کاملی از نحوه تقسیم اراضی مورد اختلاف دارند و در واقع تقسیم آن اراضی توسط شخص ایشان انجام گرفته و اصل تقسیم نامه اراضی هم در ید ایشان می باشد در جلسه ای احضار شوند. ولی بازپرس محترم توجه ای به این خواسته نداشته است. بازپرس محترم قرار مجرمیت مشتکی عنه را دایره کلاهبرداری (فروش مال غیر) صادر نموده و دادستان محترم با قرار صادره موافقت نموده و جانشین محترم دادستان (شعبه ۴ دادیاری) کیفرخواست تحت شماره ۲۶۰-۶۷۸۵ صادر شده و در کیفرخواست مرقوم شده که آنچه در قولنامه فروش ملک از ناحیه متهم به پدرش با این عنوان که در یک رد زمین واگذار نموده ام آمده است دقیقاً به معنای ۱/۳۷ می باشد یعنی اینکه ۱/۳۷ که مقدار اراضی فوق سهم داشته و یکی از مالکین بوده این سهم خودش را به پدرش فروخته لذا دیگر حقی ندارد و با عنایت به اینکه اگر متهم مدعی است که قطعه زمین را فروخته این دفاع وی اولاً با مفاد قولنامه که قید شده در یک رد زمین که مساوی ۱/۳۷ می باشد فروخته است و ثانیاً این موضوع که اصلاً در موقع فروش ملک توسط متهم به پدرش اراضی تفهیم نشده بوده و قطعه بندی نبوده است بلکه ۳۷ نفر مالک کلاً به صورت مشاعی شریک بوده اند و قطعه بندی و تقسیمات پس از فروش ملک از ناحیه متهم به پدرش و سپس فروش

آن از ناحیه پدر متهم به شاکی و پس از فوت پدر متهم صورت می گیرد و بتدا ۴۵۰۰ متر به هر مالک تعلق گرفته و پس از آن قطعات کوچکتري، منطبق نبوده و مطابقت نداشته زیرا ملک از ناحیه متهم به پدرش بیش از ۱۵ سال قبل فروخته شده و در آن موقع اصلاً تقسیم بندی اراضی بعمل نیامده بود لذا اتهامات فوق محرز بوده و مستنداً به ماده یک قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر ناظر به ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلال و کلاهبرداری تقاضای مجازات نامبرده را دارم. پرونده جهت رسیدگی و صدور رای به شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی ارسال شده و در جلسات دادرسی وکیل شاکی و مشتکی عنه همان اظهاراتی که در دادسرا بیان داشته اند را گفته اند دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشاء رای می نماید.

شماره دادنامه: ۶۵۶ موضوع کلاسه پرونده ۸۴/۲۷۵- شعبه ۱۰۲ جزائی

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای (م-ع) با وکالت آقای غلامرضا جلالی مهر دایر به کلاهبرداری با فروش مال غیر موضوع شکایت آقای (ا-ح) با وکالت آقای سید مجید بیات با این توضیح که شاکی و وکیل ایشان مدعی هستند متهم که مالک یک سی و هفتم مشاع از یک سوم ۵۸ سیر از مدار ۱۳ سهم مزرعه فاروب رمان پلاک ۱۵ اصلی واقعی در بخش ۵ نیشابور دهستان مازول بوده و کل مالکیت خود را به مرحوم پدرش گل محمد عارفخانی فروخته و آن مرحوم هم مالکیت خود را به شاکی در ۱۵ سال قبل فروخته لکن متهم بخشی از همان ملک فروخته شده به پدرش را که متعلق به شاکی بوده در حدود ۱۷ ماه قبل به افراد دیگری فروخته که ظاهراً بین ۳۳۳ تا ۵۰۰ متر در نوسان می باشد. اکنون شاکی و وکیل ایشان مدعی هستند متهم کلاهبرداری نموده است. نظر به محتویات پرونده و تحقیقات انجام شد و اینکه ظاهر امر نشان می دهد آنچه شاکی خریداری کرده یک قطعه زمین به مساحت ۴۵۰۰ متر می باشد و قطعه زمینی که متهم فروخته گرچه نامبرده دلیل بر مالکیت خود ارائه نکرده است لکن مالکیت شاکی هم نسبت به آن قطعه زمین مورد تردید می باشد و از سوی هیچ کدام دلیل قاطعی بر تعلق زمین مورد نزاع به خود ارائه نگردیده و به عبارتی مالکیت آنچه متهم فروخته مورد تردید و متزلزل است و معلول نیست به کدامیک تعلق دارد و اثبات موضوع فروش مال غیر منوط به اثبات مالکیت آن نسبت به شاکی می باشد و این موضوع امری است حقوقی که رسیدگی به آن باید در دادگاه صالح صورت پذیرد. بنا به مراتب مستنداً به ماده ۱۳ قانون آ.د.ک قراراناطه صادر و اعلام می گردد تا

شاکلی موضوع را در دادگاه حقوقی طرف یک ماده مطرح نموده و گواهی طرح دعوی خود را به این شعبه ارائه نماید. رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در محاکم محترم تجدید نظر مرکز استان می باشد. وکیل شاکلی آقای سید مجید بیات از دادنامه فوق تجدید نظر خواهی نموده و در شعبه سوم دادگاه تجدید نظر استان خراسان رضوی تحت رسیدگی قرار گرفته است. شماره دادنامه: ۱۴۳/۱۳۶۵ موضوع کلاسسه پرونده: ۱۳۶۶-۸۵ ش ۳ دادگاه تجدید نظر مشهد.

تجدید نظر خواه: آقای سید مجید بیات وکیل (ا-ح) تجدید نظر خوانده: آقای م-ع تجدید نظر خواسته: رای شماره ۶۵۶-۸۵/۴/۲۶ صادره از شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی نیشابور رای دادگاه تجدید نظر: در مورد تجدید نظر خواهی آقای سید مجید بیات به وکالت از آقای (ا-ح) از دادنامه فوق که نسبت به شکایت علیه آقای م-ع مبنی بر کلاهبرداری در اثر فروش مال غیر که قراراناطه صادر گردیده است نظر به اینکه در ماده ۲۳۳ ق.آ.د.ک و تبصره ذیل آن آراء و قرارهای قابل تجدید نظر احصاء گردیده است و قراراناطه در ردیف آراء و قرارهای قابل تجدید نظر ذکر نشده بنابراین قرار معترض عنه قابل طرح در مرجع تجدید نظر نمی باشد لذا قرار رد تجدید نظر خواهی صادر می شود. متعاقب این رای وکیل آقای سید مجید بیات در مورخه ۸۵/۱۱/۱۶ (در فرجه یک ماهه قانونی) دادخواست حقوقی اثبات عقد بیع به دادگاه حقوقی ارائه و طرح دعوی گردیده است و گواهی شعبه سوم حقوقی پیوست پرونده می باشد. رئیس شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی نیشابور به دفتر مرقوم که تا حصول نتیجه پرونده حقوقی در وقت نظارت مناسب باشد.

نظریه کارآموز: رای دادگاه بدوی منطبق با موازین قانونی و شرعی صادر شده و صحیح می باشد.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش

۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده: ۸۵ / ۱۴۱۹ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی نیشابور

شاکیه: خانم س-ص

مشتکی عنه: آقای ر-ل

موضوع: فروش مال غیر.

شاکیه شکوائیه ای علیه مشتکی عنه تنظیم و تقدیم دادستان محترم دادرسی عمومی و انقلاب نیشابور نموده و بیان داشته که مشتکی عنه یک قطعه زمین واقع از اراضی خوش بالا به متراژ ۱۰۰۰ متر به اینجانبان فروخته و ثمن را هم دریافت کرده و زمین در ید شخص دیگری است لذا تقاضای رسیدگی و مجازات مشتکی عنه را دارم. پرونده جهت تحقیق به شعبه ششم دادرسی ارجاع شده دادیار محترم شعبه مذکور با پیوست عین شکوائیه پرونده را جهت انجام تحقیقات و اخذ اظهارات طرفین و ایجاد صلح و سازش به کلانتری ۱۲ ارسال نموده است. افسر کلانتری ۱۲ جهت انجام تحقیقات و اخذ اظهارات مطلعین و گواهان در محل حاضر شده یکی از شاهدان به نام آقای علی اکبر حیدرآبادی اظهار داشته که ملک مذکور حدود ۴۰ سال است که در تصرف اینجانب می باشد و صاحب قبلی آن زنده است و مشتکی عنه هیچ گونه ملکی ندارد. متهم علی رغم ابلاغ احضاریه در دادرسی دادگاه حاضر نشده است. دادیار شعبه ششم قرار مجرمیت نامبرده را دایر بر فروش مال غیر صادر و اعلام نموده و متعاقب آن کیفرخواست صادره و تقاضای اعمال مجازات طبق ماده یک قانون راجع به مجازات انتقال مال غیر و ماده ۳۳۸ قانون مجازات عمومی را نموده است. پرونده جهت رسیدگی به شعبه ۱۰۲ جزائی ارجاع و برگ اختاریه برای طرفین ارسال شده است. و در جلسه دادرسی شاکیه حضور داشته ولی مشتکی عنه حاضر نشده است. لذا دادگاه ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۲۱۰۲/۲۱۶ موضوع کلاس پرونده: ۸۵ / ۱۴۱۹ شعبه ۱۰۲

جزائی

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای ر-ل دایر بر فروش مال غیر یعنی یک قطعه زمین به مقدار هزار متر مربع واقع در روستای خوش بالا به مبلغ ۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال به خانم س-ص

نظر به شکایت شاکیه اظهارات بعضی از گواهان به اینکه زمین مورد نظر متعلق به کس دیگری بوده و با عنایت به مبایعه نامه ارائه شده از سوی شاکیه و کیفرخواست صادره از ادسرا و اینکه متهم در دادسرا و در دادگاه هیچکدام حاضر نگردیده و از بزه انتسابی دفاعی نکرده بزهکاری نامبرده در نظر دادگاه محرز است. علیهذا دادگاه مستنداً به ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری ناظر به ماده یک قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر و رعایت ماده ۲۱۷ قانون آئین دادرسی کیفری متهم یاد شده را به تحمل یکسال زندان و پرداخت مبلغ ۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی به نفع درآمد عمومی کشور معادل مال کلاهبرداری شده و همین مبلغ به نفع شاکیه محکوم می نماید، رای صادره غیابی و ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه و سپس ظرف ۲۰ روز قابل اعتراض و رسیدگی مجدد در محاکم محترم تجدید نظر مرکز استان می باشد.

نظریه کارآموز: رای دادگاه منطبق با موازین قانونی و شرعی صحیح صادر شده است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صفحه دقیان شماره پرونده آموزش

۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده: ۱۴۷۴/۸۵ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی دادگستری

نیشابور

شاکی: آقای ح-ن

مشتکی عنهما: ۱- آقای ح-د ۲- خانم م-س

موضوع: رابطه نامشروع

شاکی در شکوائیه ای که تنظیم نموده بیان داشته که خانم م-س همسر شرعی و قانونی اینجانب می باشد با آقای ح-د رابطه نامشروع داشته که در تاریخ ۸۵/۵/۱۲ توسط پلیس دستگیر شده اند و بدون رضایت اینجانب آزاد شده اند لذا تقاضای تعقیب و مجازات نامبردگان را دارم. پرونده جهت تحقیق و بازجویی به شعبه چهارم دادرسی ارجاع شده متهمان در دادرسی منکر اتهام فوق شده اند در این مقطع دادرسی آقای ابوالفضل بلوکی وکالت خود را از طرف آقای ح-ن (شاکی) اعلام نموده و اظهار داشته که در مورخه ۸۵/۵/۱۳ متهمین پرونده ساعت ۹ صبح روز جمعه در منزل خانم سالاری نژاد توسط مامورین کلانتری ۱۴ دستگیر می نمایند البته همسر آقای ح-د شکایت و گزارش داده بود و طی پرونده کلاسه ۱۱۴۲/۸۵ شعبه ۳ دادرسی تشکیل پرونده شده است. نامبردگان در پرونده مذکور در بازجویی های خود اعلام نمودند که می خواستند با همدیگر ازدواج نمایند این در حالی است که نامبردگان در بازجویی بعدی اعلام نمودند که هیچ رابطه ای با همدیگر نداشته و آقای ح-د جهت اخذ آدرس شوهرش به منزلشان آمده است. علیهذا بازجوییهای نامبردگان آنقدر تناقض دارد که کذب بودن آن محرز و آشکار می باشد. متهمان متفقاً در مورد پرونده شعبه سوم دادرسی بیان داشته اند که این پرونده را خانم آقای ح-د تشکیل داده متهم ردیف اول بیان داشته که من برای گرفتن آدرس شوهر خانم م-س به خانه ایشان همراه همسرم رفتم و همسرم به من گفت برو ببین شوهرش هست یا نه من

رفتم داخل گاراژ که از خانم آقای (ح-ن) در مورد آدرس شوهرش پرسیم که همسرم سر و صدا داخل کوچه ایجاد نمود و پلیس ۱۱۰ ما را در داخل گاراژ که به خاطر ترس مخفی شده بودم گرفت و خانم اینجانب در شعبه ۳ دایاری رضایت خود را اعلام نموده است دادیار محترم شعبه چهارم دادیار قرار منع تعقیب متهمان فوق را به علت فقدان اثباتی مستنداً به بند الف ذیل ماده ۱۷۷ ق.آ.د.ک و بند «ک» ذیل ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب اسلامی ۱۳۸۱ صادر و اعلام می نماید. قرار صادره ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ از ناحیه شاکی خصوصی قابل اعتراض در دادگاه های عمومی جزائی می باشد. وکیل شاکی نسبت به قرار صادره اعتراض می کند. پرونده به شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی نیشابور جهت رسیدگی و صدور رای ارجاع شده و قاضی محترم این شعبه با توجه به محتویات پرونده و اظهارات وکیل شاکی و صورت جلسه تنظیمی توسط مامورین انتظامی و اوضاع و احوال و قرائن موجود و اعتراض وکیل شاکی قرار مزبور در خصوص نقض می باشد. علیهذا دادگاه مستنداً به بند «ن» ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب ضمن نقض قرار مزبور پرونده را جهت اقدامات تحقیقی و صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست به دادرسی محترم اعاده می نماید رای صادر قطعی می باشد. دادیار محترم شعبه چهارم قرار تامین کفالت متهم ردیف اول را به وجه الکفاله مبلغ بیست میلیون ریال صادر و آقای علی ده حبه ای با پروانه کسب شماره ۱۸۸ ضمانت متهم فوق را قبول و متعاقب آن دادیار محترم قرار قبولی کفالت را صادر و اعلام نموده است و قرار تامین کفالت متهم ردیف دوم هم به همین نحو می باشد و خانم اکرم محمودیه با جواز کسب شماره ۲۹۳ ضمانت نموده و دادیار محترم قرار قبولی کفالت را صادر نموده است. دادیار محترم پس از انجام تحقیقات قرار مجرمیت متهمان ردیف اول را طبق نظریه ریاست محترم شعبه ۱۰۲ دادگاه جزائی صادر نموده و معاون دادستان با قرار صادره موافقت نموده است و متعاقب آن کیفرخواست با شماره ۴۱۷۰/۱۷۰ ثبت و دادستان محترم تقاضای اعمال مجازات طبق ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی را خواستار شده است. پرونده مجدداً به شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی ارجاع شده و در جلسه ۸۵/۱۰/۲۶ متهم ردیف دوم بیان داشته که حدود دو ماه قبل از شوهر (شاکی) جدا و طلاق گرفتم و فقط برای اینجانب جهت ندادن نفقه توطئه درست کرده بود.

دادگا با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشاء رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۸۶۷/۱۴۶ موضوع کلاسه پرونده: ۱۴۷۴-۸۵ شعبه ۱۰۲

دادگاه جزئی نیشابور

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای ح- د و خانم م-س دائر بر ایجاد رابطه نامشروع با

یکدیگر موضوع شکایت اولیه آقای - صفحه ر سابق خانم یاد شده با وکالت آقای

ابوالفضل بلوکی، نظر به محتویات پرر - افعات دو متهم و انکار شدید موضوع و

اینکه به نظر می رسد صورت جلسه دستگیری متهم آقای ح-د در منزل خانم سالاری نژاد

به صورت ساختگی توسط عواملی از آقای ح-ن شوهر خانم یاد شده به منظور وارد نمودن

همسرش به طلاق تدارک دیده شده که موضوع اعلام گذشت آقای ح-ن هم قرینه بر

صحت ادعای خانم م-س می باشد که بعد از متارکه با یکدیگر صورت گرفته و اوضاع و

احوال و قرائن موجود در پرونده و مدافعات بی شائیه متهمان حکایت از بی اساس بودن

ادعای اولیه شاکی مبنی بر وجود رابطه نامشروع همسرش با آقای ح-د دارد لذا به لحاظ

فقدان دلیل اثباتی و عدم حصول قناعت وجدانی مستنداً به بند الف ماده ۱۷۷ ق.آ.د.ک و

اصل اولیه برائت مصرح در اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رای بر برائت

متهمان صادر و اعلام می گردد. رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل

تجدید نظر در مرکز استان می باشد.

نظریه کارآموز: رای دادگاه منطبق با موازین قانونی و شرعی صادر شده است.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش

۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده: ۲۱۳/۸۵ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی دادگستری

نیشابور

شاکیه: خانم م-س

مشتکی عنه: آقای ر-م

موضوع: رابطه نامشروع

خانم شاکیه شکوانیه ای علیه مشتکی عنه مبنی بر اغفال و تجاوز به عنف تنظیم و تقدیم دادسرای عمومی و انقلاب نیشابور نموده و در شرح شکوانیه بیان داشته که مدتی قبل به فردی به نام آقای ر-م با اغفال اینجانب در مکانی نزدیک به شاهزاده حسین اصغر نیشابور با توسل به زور به اینجانب تجاوز نمود و ادله اینجانب گواهی پزشکی قانونی می باشد. پرونده جهت تحقیق به شعبه سوم بازپرسی ارجاع شده و این شعبه جهت صحت و سقم قضیه پرونده را به دایره مفسد اجتماعی ارسال نموده است.

اظهارات شاکیه در دایره مفسد اجتماعی و دادسرا و دادگاه: در حدود ۲ ماه و نیم پیش مشتکی عنه بنده را اغفال نمود و با خودروی پراید مرا به نزدیکی های امامزاده حسین اصغر برد و آنجا به زور به من تجاوز کرد و بکارتم را از بین برد. در ادامه بیان داشته که دوستی داشتم به نام فرزانه خوافی که یک روز با شوهرش آمد دنبال من گفت برویم امام زاده اصغر من هم به او اطمینان کردم آماده شدم وقتی دیدم که با مشتکی عنه که یک پراید سفید رنگ داشت آمدند و رفتیم به سمت امام زاده حسین اصغر کنار کوه زیر یک پلی مرا بردند و به زور مرا زد به زمین برادرش مصطفی دستهای مرا گرفت و مشتکی عنه به زور به من تجاوز نمود که خیلی مقاومت کردم که متوجه شدم از من خون جاری شد که برادرش زد به سرش و گفت، خاک بر سر این که دختر بوده چرا این کار را با او کردی؟ او هم در جواب گفت این را عقد می کنم و افرادی که همراه ما بودند فتح الله شوهر خواهر مشتکی عنه و مهدی عشقی شوهر فرزانه خوافی، مصطفی محمدی برادر مشتکی عنه، بعد از این عمل حدود ۳ شب توی شاهزاده و یک شب توی گاراژ مشتکی عنه و دو شب هم در کوه مرا نگه داشتند که زخم موضع خوب شود بعد از چند روز به نیشابور برگشتیم مرا

پیش دکتر مریم نیری کنار کال منوچهری برد او مرا معاینه کرد و گفت پرده بکارتت پاره شده و مشتکی عنه گفت این زن من است اگر راه دارد درستش کن که دکتر گفت اگر زنت هست چرا می خواهی درست کنی عیبی ندارد دکتر گفت خرجش ۵ میلیون می شود و مشتکی عنه آهسته به گوشم گفت به جای ۵ میلیون تو را عقد می کنم. ایضاً بیان داشته که وقتی از شاهزاده اصغر بعد از بعد از ۵ الی ۶ روز برگشتیم در مسیر عشق آباد می خواستم خودم را از ماشین بیندازم که قاضی آنجا ما را دید و به پاسگاه زنگ زده بود و فوراً پاسگاه ما را گرفت و مامور پاسگاه به مشتکی عنه گفت که اگر عقد بکنی یک کاری می کنم که قاضی آزادت کند و من در نزد قاضی اعتراف کردم که مسافر بودم.

اظهارات مشتکی عنه در دایره مفاسد اجتماعی و دادسرا و دادگاه: اتهام فوق را قبول ندارم. من حدود ده روز پیش با ماشین نامبرده را سوار نمودم به عنوان مسافر و ما را پاسگاه عشق آباد گرفت و دادگاه با توجه به صحبت های ما، ما را تبرئه نمود و از آن روز به بعد ایشان به گاراژ من زنگ می زد و مزاحم من می شود و مرا تهدید می نماید. بازپرس شعبه سوم قرار کفالت مشتکی عنه را با وجه الكفاله سی میلیون ریال صادر نموده و شخصی به نام قنبر محمدی با پروانه کسب شماره ۵۵ ضمانت مشتکی عنه را نموده و لذا بازپرس محترم قرار قبولی کفالت را صادر و اعلام نموده است.

نظریه پزشکی قانونی: پرده بکارت از نوع حلقوی، متسع و مدخوله می باشد و از زمان آن بیش از ده روز می گذرد.

باز پرس محترم با توجه به تحقیقات به عمل آمده و بعد از حصول گواهی پزشکی قانونی و اثبات رابطه نامشروع در حد زنا با توجه به ماده ۹ قانون اصلاح تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و اصل ۱۶۶ قانون اساسی مستنداً به تبصره ۳ ماده ۳ قانون اصلاحی تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب قرار عدم صلاحیت به شایستگی و اعتبار محاکم عمومی جزائی شهرستان نیشابور صادر و اعلام می گردد. دادستان محترم با قرار صادره موافقت نموده است پرونده جهت رسیدگی به شعبه ۱۰۲ جزائی ارسال شده است. دادگاه با بازجویی هایی که از طرفین پرونده به عمل آورده است. با توجه به اینکه شکایت دایر به ارتکاب عمل شنیع زنا به عنف و ازاله بکارت نامبرده می باشد لذا رسیدگی به این موضوع خارج از صلاحیت این مرجع است و مستنداً به تبصره یک ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب قرار صلاحیت به شایستگی دادگاه محترم کیفری مرکز استان صادر و

اعلام می نماید. شعبه پنجم کیفری استان بعد از انجام تحقیقات و بازجویی از شاکیه و چگونگی و سوابق آشنایی طرفین به لحاظ وجود شهادت فراوان در تحقق بزه به نحو عنف مستنداً به قاعده شرعی الحدود یدرء بالشبهات و اصل ۳۶ قانون اساسی حکم به برائت متهم نسبت به زنا ی عنف صادر می نماید ولی راجع به اتهام وی مبنی بر رابطه نامشروع و زنا به غیر عنف مستنداً به مفهوم مخالف ماده ۲۰ قانون اصلاح ق.آ.د.ک قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه عمومی جزائی شهرستان نیشابور صادر و اعلام می نماید. راس صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض و رسیدگی در شعب محترم دیوان عالی کشور می باشد. پرونده جهت رسیدگی مبنی بر رابطه نامشروع و زنا به غیر عنف به دادگاه عمومی جزائی نیشابور ارسال نموده است.

اظهارات گواه: خانم فرزانه خوافی بیان داشته که من صیغه مهدی عشقی بودم که من و مهدی و مشتکی عنه و شاکیه به شاهزاده حسین اصغر رفتیم و در روز اول جای یک پلی در مسیر راه بودیم که مشتکی عنه به خانم شاکیه تجاوز کرد و شاکیه گریه می کرد و یک پتوی خونی به ما نشان داد که مشتکی عنه آن را از دست شاکیه گرفت و به دور انداخت. دادگاه با توجه به محتویات پرونده و ملاحظه پرونده استنادی ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشا رای نموده است.

شماره دادنامه: ۱۹۴۵/۵۹ موضوع کلاسه پرونده ۸۵/۲۱۳ شعبه ۱۰۲

جزائی نیشابور

رای دادگاه: با توجه به زنا ی به عنف دادگاه خود را صالح به رسیدگی ندانسته و در اجرای تبصره یک ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب پرونده با قرار عدم صلاحیت به دادگاه کیفری استان ارسال داشته و دادگاه کیفری استان بعد از دعوت طرفین و استماع اظهارات آنان به لحاظ وجود شبهات زیاد و فقد دلیل شرعی و با استفاده از قاعده فقهی الحدود یدرء بالشبهات متهم را از ارتکاب عمل شنیع زنا ی به عنف تبرئه و در مورد رابطه نامشروع و زنا ی به غیر عنف قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه بدوی یعنی این شعبه صادر گردیده که در خصوص زنا ی به غیر عنف نظر به مجموع محتویات پرونده گر چه اوضاع و احوال و قرائن و همزمانی ازاله بکارت شاکیه با زمانی که متهم او رابه گردش برده و متعاقب این قضیه و اینکه قول ازدواج به او داده و بعد از زیر پا گذاشتن تعهداتش شاکیه با تاخیر شکایت کرده و حتی شاکیه دستمال آلوده به خون ناشی از ازاله بکارت را

هم بعد از مدت ها به همراه ساعت مچی مشتکی عنه ارائه نموده حکایت از ازاله بکارت وی توسط متهم دارد لکن چون متهم منکر ارتکاب عمل شنیع زنا می باشد و شرعاً دلیلی در مقام اثبات موضوع وجود ندارد لذا مستنداً به بند الف ماده ۱۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری رای بر برائت نامبرده صادر و اعلام می نماید و در خصوص ایجاد رابطه نامشروع به عنف و اکراه لذا بزهکاری نامبرده در نظر دادگاه محرز و مسلم و یقینی است و عمل وی با قسمت اخیر ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی انطباق دارد، علیهذا دادگاه مستنداً به ماده مرقومه متهم یاد شد را به تحمل ۹۹ ضربه شلاق از باب تعزیر که به طور متعارف و بدون اصابت به سر و صورت و عورتین بر بدن وی نواخته شود محکوم می نماید، رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در دیوان عالی کشور می باشد.

نظریه کارآموز: آنچه از قرائن و محتویات پرونده استنباط می شود این است که ادعای شکیه عمل شنیع زنا به عنف بوده و مصداق بند « دال » ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی می باشد باز هم اگر با کوتاه نظری و ارفاق مصداق آن ماده ندانیم لااقل باید بپذیریم که به علت متاهل بودن مشتکی عنه زنا محصن محسوب و مصداق شق اول ماده ۸۳ قانون مارالذکر بدانیم که در صورت پذیرش هر کدام از اینها دادگاه کیفری استان صلاحیت رسیدگی دارد. از طرفی خود شکیه در اظهاراتش بیان داشته « در هنگام تجاوز به من برادر مشتکی عنه دستهایم را گرفته بود و نای مقاومت کردن را از من گرفته بود...» قاضی محترم دادگاه می توانست برادر مشتکی عنه که سهمی در این پرونده داشت را احضار می کرد و مورد بازجویی قرار می داد تا صحت و سقم ادعای شاکی بهتر روشن می شد. زیرا اگر این فعل (گرفتن دستهای شکیه) از طرف برادر مشتکی عنه صحت اشته باید بعنوان معاون در جرم طبق بند ۳ قانون مجازات اسلامی مجازات می شد.

نام و نام خانوادگی کار آموز: غلامرضا صادقیان شماره پرونده آموزش
۲۰/۸۴۰۲:

کلاس پرونده: ۱۲/۸۵ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی دادگستری
نیشابور

شاکی: گزارش

مشتکی عنهم: ۱- آقای ح-م ۲- خانم س-ص

موضوع: رابطه نامشروع و تمرد در مقابل دستور مامورین پلیس

مقارن ساعت ۱۲/۴۵ مورخه هجدهم اردیبهشت ما سال یک هزار و سیصد و هشتاد و چهار عوامل فرماندهی انتظامی شهرستان نیشابور در اجرای طرح مهار مبنی بر سرقت در شهرستان مشهد و متواری شدن سارقین با دو دستگاه خودرو و طلاجات مسروقه به سمت شهرستان نیشابور اینجانب سروان عارفخانی در معیت سروان وکیلی در حین گشت زنی در سیر جاده بهشت فضل یک دستگاه خودرو زانتیا به شماره پلاک ۷۶۴۱۲ ج ۲۶ مشاهده که به راننده آن اعلام گردید نسبت به متوقف نمودن خودرو اقدام که نامبرده هیچ گونه توجهی به ایست مامورین ننموده و با سرعت بیش از حد متواری و در مسیر بلوار آزادگان به سمت جاده نیشابور- مشهد و مجدداً در مسیر داخل شهر عزیمت که با توجه به استقرار عوامل در مسیرها مبادرت به انجام حرکات نمایشی در مسیرهای خلاف جهت می نمود. نهایتاً در بلوار آزادگان توسط عوامل متوقف که مشخص گردیده رانندگی خودرو خود را شخصی به نام حسن ملک زاده فرزند حسین عهده دار بوده و خانمی به هویت س-ص سرنشین خودرو بوده و رابطه نامشروع داشته اند.

اظهارات متهم ردیف اول: با خانم س-ص هیچ گونه رابطه نامشروع نداشتم و برای اولین بار با ایشان در ارتباط با ازدواج قصد صحبت کردن داشتم که بنا به پیشنهاد ایشان برای این صحبت به بهشت فضل سرخاک پدر ایشان رفتیم که آن جا من متوجه شدم ایشان قبلاً ازدواج کرده بودند در این هنگام متوجه اخطار پلیس شدم و به خاطر حفظ آبروی ایشان ماشین را متوقف نمودم.

اظهارات متهمه ردیف دوم: من فقط سوار ماشین ایشان شدم چون ایشان را نامزدش مشکل داشت و نامزدش یکی از دوستان من می باشد. می خواست با من صحبت کند که من پا در

میانی کنم مشککش حل شود. ما رابطه ای با هم نداشتیم. پرونده جهت تحقیق به شعبه دوم بازپرسی ارجاع شده و بازپرس محترم تحقیقات معموله را انجام داده و در مورد متهم ردیف اول قرار کفالت با وجه الكفاله پنجاه میلیون ریال صادر و با جواز کسب شماره ۷۳۶ از طرف علی مختاریه ضمانت ایشان را نمود قرار قبولی کفالت صادر و اعلام نموده است و در مورد متهمه ردیف دوم قرار کفالت با وجه الكفاله بیست میلیون ریال با سند ملکی ۱۴۷۶۶ از طرف خانم کنیز رضاشاه نجفی که ضمانت خانم متهمه را نموده قرار قبولی کفالت صادر و اعلام نموده است.

بازپرس محترم در خصوص اتهام متهمه ردیف اول دایر بر ارتباط نامشروع در حد خلوت نمودن و تمرد در مقابل دستور مامورین پلیس و در خصوص اتهام متهمه ردیف دوم رائر بر ارتباط نامشروع با متهم ردیف اول با عنایت به گزارش مرجع انتظامی، اقرار متهمین، قرار مجرمیت در اجرای بند «ز» و «ک» ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب قرار مجرمیت صادر و اعلام نموده و دادستان محترم با قرار صادره موافقت نموده است. متعاقب آن دادستان محترم کیفر خواست با شماره ثبت ۱۰۲۱/۱ مورخه ۸۵/۳/۱ در خصوص اتهام متهمان فوق الذکر طبق مواد ۶۳۷، بند ۳ ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی صادر و تقاضای اعمال مجازات گردیده است. پرونده جهت رسیدگی و صدور رای به شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی جزائی نیشابور ارجاع شده در جلسه دادرسی مورخه ۸۵/۴/۲۱ متهمه ردیف دوم حضور یافته و متهم ردیف اول حاضر نشده است و اظهارات متهمه ردیف دوم همان اظهارات پیشین می باشد. دادگاه با ملاحظه جمیع اوراق پرونده ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به انشاء رای نموده است.

شماره دادنامه: ۷۱۲ موضوع کلاسه پرونده ۸۵/۴۱۲ شعبه ۱۰۲ جزائی

در خصوص اتهام آقای ح-م و خانم س-ص دازر به ارتباط نامشروع با یکدیگر و متهم ردیف اول دایر بر تمرد در مقابل مامورین نظر به محتویان پرونده، گزارش مرجع انتظامی، تحقیقات معموله و کیفر خواست صادره از سوی دادسرای محترم عمومی و انقلاب نیشابور و با توجه به اقرار صریح متهمین حسب مورد در دادسرا و دفاعیات غیر موجه متهمه در دادگاه و اینکه متهم ردیف اول علی رغم ابلاغ اخطاریه حضور نیافته و از بزه انتسابی دفاعی نکرده، بزهکاری نامبردگان محرز است، علیهذا دادگاه مستنداً به مواد ۶۰۷ و ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی و اعمال مادتين ۲۲ و ۷۲۸ ق.م.ا و رعایت بند ۲ ماده ۳ قانون وصول

برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین در مورد تمرد، هر یک از متهمین را به پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی بدل از شلاق بابت رابطه نامشروع و نیز متهم ردیف اول را به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی به نفع درآمد عمومی کشور بابت تمرد محکوم می نماید. رای صادره نسبت به متهم ردیف اول غیابی و ظرف ۱۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شعبه و نسبت به متهم ردیف دوم حضوری بوده و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در محاکم محترم تجدید نظر مرکز استان می باشد. متهمه ردیف دوم از دادنامه فوق الذکر در مهلت مقرر تجدید نظر خواهی نموده و پرونده در شعبه دهم دادگاه تجدید نظر مورد رسیدگی مجدد قرار گرفته است.

شماره دادنامه تجدید نظر: ۳۴/۱۹۷۱ موضوع کلاسه پرونده ۸۵/۱۹۷۴

ش ۱۰ دادگاه تجدید نظر

تجدید نظر خوانده: آقای

تجدید نظر خواه: خانم س-ص

ح-ح

رای دادگاه تجدید نظر: تجدید نظر خواهی خانم س.ص نسبت به دادنامه ۸۵/۴/۲۹/۷۱۲ شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی نیشابور که به موجب آن نامبرده به اتهام رابطه نامشروع محکوم شده به پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی وی به حکم اعتراض نموده و اظهار پشیمانی نموده و تقاضای رسیدگی مجدد نموده است به کیفیتی نیست که اساس دادنامه را مخدوش نماید و حکم صادره به جهاتی که مورد استناد و استدلال قرار گرفته خالی از اشکال است علیهذا با رد اعتراض وی و در اجرای بند الف ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک رای بدوی را عیناً تایید می نماید، رای صادره قطعی است.

نظریه کارآموز: برای تحقق جرم موضوع ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی سه شرط وجود دارد ۱-حمله و مقاومت با علم و آگاهی ۲-حمله و مقاومت نسبت به مامورین دولت ۳-حمله و مقاومت در حین انجام وظیفه مامورین دولتی. پس حمله و مقاومت در برابر مامورین دولتی در صورتی تمرد محسوب می شود که مامورین از حدود وظیفه خود خارج نشده و چنانچه مامورین از وظایف خود تجاوز نمایند، عمل مرتکب در برابر آن ها تمرد نخواهد بود النهایه رای دادگاه مطابق با قانون صادر شده است.

صفحه